

ماfiای کتاب

پاسخنامه

کتابخانه
به سبب

۱۴۰۲ خارج



گروه آموزشی ما

پاسخنامه کاملاً تشریحی
بررسی دقیق تمام گزینه‌ها
نکات مشاوره‌ای و دام‌های تستی
جداول و نکات مناسب دوره جمع‌بندی



برای تبدیل رادیکال به توان گویا به صورت زیر عمل می‌کنیم:

$$\sqrt[n]{a^m} = a^{\frac{m}{n}} \quad (n \geq 2, a > 0, m, n \in \mathbb{N})$$

پایه تغییر می‌دهیم:

ابتدا مقدار A را به دست می‌آوریم:

$$A = \sqrt[3]{\sqrt{4}\sqrt{8}} (18)^{-1/5} = \sqrt[3]{2^2 \times \sqrt{2^3}} \times (2 \times 3^2)^{-1/5} = \sqrt[3]{2^2 \times 2^{3/2}} \times 2^{-1/5} \times 3^{-2/5} = 2^{2/3} \times 2^{1/2} \times 2^{-1/5} \times 3^{-2/5} = 2^{-1} \times 3^{-2/5}$$

$$\Rightarrow A^{-1} = 2 \times 3^{2/5} = 54$$

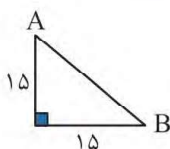
$$\Rightarrow (1 + A^{-1})^{-1/5} = (1 + 54)^{-1/5} = 55^{-1/5} = \sqrt[5]{\frac{1}{55}} = \frac{1}{\sqrt[5]{55}} = 0.25$$



- اگر دو خط بر یک خط عمود باشند باهم موازی اند و در یک راستا قرار دارند.

- در مثلث قائم‌الزاویه با اضلاع قائمه a و b وتر c داریم:

$$c^2 = a^2 + b^2 \quad \text{رابطه فیثاغورس}$$



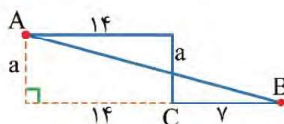
ابتدا از مسیر حسن فاصله دو شهر A و B را به دست می‌آوریم:

$$AB^2 = 15^2 + 15^2 = 225 + 225 = 450 \Rightarrow AB = \sqrt{450}$$

حسن در مجموع $15 + 15 = 30$ کیلومتر طی کرده است.

امیر چون دو مسیر اول و سوم خود را عمود بر مسیر a کیلومتری طی کرده است، طبق شکل فرضی زیر، $7 + 14 = 21$ کیلومتر عمود بر مسیر a کیلومتری طی کرده است و داریم:

$$\text{فیثاغورس: } AB^2 = 21^2 + a^2 \Rightarrow 450 = 441 + a^2 \Rightarrow a^2 = 9 \xrightarrow{a>0} a = 3$$



بنابراین امیر $7 + 14 + 3 = 24$ کیلومتر طی کرده است. در نتیجه امیر ۶ کیلومتر کمتر طی کرده است.



- مساحت مثلث قائم‌الزاویه برابر است با نصف حاصل ضرب اضلاع قائمه آن.

- ریشه معادله در خود معادله صدق می‌کند.

پایه تغییر می‌دهیم:

$$S = c^2 \Rightarrow \frac{|c| \times |x|}{2} = c^2 \Rightarrow |x| = \frac{2c^2}{|c|} = 2|c|$$

با توجه به مساحت مثلث و قائم‌الزاویه بودن آن در مبدأ مختصات داریم:

بنابراین $2|c|$ ریشه معادله $-x^2 + 2x + c = 0$ است و در معادله صدق می‌کند.



$$-4c^2 + 4|c| + c = 0 \Rightarrow \begin{cases} c > 0 \Rightarrow -4c^2 + 5c = 0 & (1) \\ c < 0 \Rightarrow -4c^2 - 3c = 0 & (2) \end{cases}$$

$$\xrightarrow{(1)} c(-4c + 5) = 0 \Rightarrow \begin{cases} c = 0 \text{ غ ق} \\ c = \frac{5}{4} = 1.25 \end{cases}$$

$$\xrightarrow{(2)} c(-4c - 3) = 0 \Rightarrow \begin{cases} c = 0 \text{ غ ق} \\ c = -\frac{3}{4} = -0.75 \end{cases}$$

با توجه به گزینه‌ها $c = 1.25$ قابل قبول است.

۱ ۴



اگر تابع خطی $f(x) = mx + h$ از نقطه (a, b) عبور کند، آنگاه $f(a) = b$ است.

پاسخ تشریحی:

با توجه به $f(1)$ و $f\left(-\frac{a}{2}\right)$ داریم:

$$f(1) = 2a - 1 \Rightarrow -\frac{4}{a+2} + b = 2a - 1 \quad (*)$$

$$f\left(-\frac{a}{2}\right) = 2 \Rightarrow \frac{-4}{a+2}\left(-\frac{a}{2}\right) + b = 2 \Rightarrow \frac{2a}{a+2} + b = 2 \Rightarrow b = 2 - \frac{2a}{a+2} \quad (**)$$

$$\xrightarrow{(*), (**)} \frac{-4}{a+2} + \left(2 - \frac{2a}{a+2}\right) = 2a - 1 \Rightarrow -\frac{4}{a+2} + \frac{2a+4-2a}{a+2} = 2a - 1 \Rightarrow \frac{-4+2a+4-2a}{a+2} = 2a - 1$$

$$\Rightarrow \frac{-2a^2 - 6a - 4}{a+2} = -3 \Rightarrow -2a^2 - 6a - 4 = -3a - 6 \Rightarrow -2a^2 - 3a + 2 = 0$$

$$\Rightarrow 2a^2 + 3a - 2 = 0 \Rightarrow \Delta = 9 - 4(-2)(2) = 9 + 16 = 25$$

$$\Rightarrow \begin{cases} a_1 = \frac{-3+5}{4} = \frac{1}{2} \Rightarrow b = 2 - \frac{2 \cdot \frac{1}{2}}{\frac{1}{2}+2} = \frac{5}{5} = 1 \\ a_2 = \frac{-3-5}{4} = -2 \Rightarrow \text{ریشهٔ مخرج کسر} \end{cases}$$

$$\Rightarrow \frac{b}{a} = \frac{\frac{5}{1}}{\frac{1}{2}} = \frac{10}{1} = 10$$

۳ ۵



در تابع ثابت $f(x) = c$ به ازای هر مقدار x خروجی برابر c است.

در تابع همانی $g(x) = x$ به ازای هر مقدار x خروجی همان x است و وقتی به صورت زوج مرتب نمایش داده می‌شود، در هر زوج مرتب مؤلفهٔ اول و دوم یکسان هستند.



$$f(x) = c \Rightarrow \begin{cases} f(kx) = c \\ f(x) = c \end{cases} \Rightarrow (k^2 - 3)c = c \Rightarrow c(k^2 - 4) = 0$$

$$\Rightarrow \begin{cases} c = 0 \\ \text{یا} \\ k^2 - 4 = 0 \xrightarrow{k \in \mathbb{N}} k = 2 \end{cases}$$

$$g = \left\{ (k, n^2 - 3n + 4), (2n, m^2 - 4m + 4), (f(n), n - 4) \right\}$$

$$\xrightarrow{k=2} 2 = n^2 - 3n + 4 \Rightarrow n^2 - 3n + 2 = 0 \Rightarrow (n-1)(n-2) = 0 \Rightarrow \begin{cases} n=1 \\ n=2 \end{cases}$$

$$\xrightarrow{n=1} 2 = m^2 - 4m + 4 \Rightarrow m^2 - 4m + 2 = 0 \Rightarrow \Delta = 16 - 8 = 8 \Rightarrow \sqrt{\Delta} = \sqrt{8}$$

ریشه‌ها گنگ هستند.

$$\xrightarrow{n=2} 4 = m^2 - 4m + 4 \Rightarrow m^2 - 4m = 0 \Rightarrow \begin{cases} m=0 & \text{ق ق} \\ m=4 & \text{ق ق} \end{cases}$$

$$\xrightarrow{n=2} (f(2), 2-4) \Rightarrow f(2) = -2 \Rightarrow f(m) = -2$$

به ازای $c=0$ آن‌گاه $f(n)=0$ و $n=4 \Rightarrow m^2 - 4 = 0$ می‌شود و در نتیجه:

$$(2n, m^2 - 4m + 4) \Rightarrow m^2 - 4m + 4 = 8 \Rightarrow m^2 - 4m - 4 = 0$$

$$\Rightarrow \Delta = 16 + 16 = 32 \Rightarrow \sqrt{\Delta} = \sqrt{32}$$

ریشه‌ها گنگ هستند.

پس تنها $f(m) = -2$ قابل قبول است.

۱ ۶



تابع $f(x) = [x] + [-x]$ را به صورت دو ضابطه‌ای می‌توان نوشت:

$$f(x) = [x] + [-x] = \begin{cases} 0 & x \in \mathbb{Z} \\ -1 & x \notin \mathbb{Z} \end{cases}$$

$$f(x) = x, \quad g(x) = [x] + [-x] = \begin{cases} -1 & x \notin \mathbb{Z} \\ 0 & x \in \mathbb{Z} \end{cases}$$

چون تابع $g(x)$ به ازای همه مقادیر صحیح x برابر صفر است، پس تابع $\frac{f}{g}$ در هیچ نقطه صحیحی تعریف نمی‌شود.

۳ ۷



اگر تابع‌های خطی $f(x) = mx + b$ همواره از نقطه (a, b) بگذرد، می‌توان به ازای هر مقدار m از جمله $m=0$ ، یا هر مقدار دلخواه دیگری از m مقدار a و b را به دست آورد.



پاسخ تشریحی:

$$\xrightarrow{m=1} b = \left(\frac{1-1}{2}\right)a - 1 + \frac{1}{2} \Rightarrow b = -\frac{1}{2}$$

به ازای $m=0$ و $m=1$ تابع خطی f از نقطه (a, b) می‌گذرد. پس:

$$\xrightarrow{m=0} b = \frac{1}{2}a - 0 + \frac{1}{2} \xrightarrow{b=-\frac{1}{2}} -\frac{1}{2} = \frac{1}{2}a + \frac{1}{2} \Rightarrow a = -2$$

$$\Rightarrow \frac{a}{b} = \frac{-2}{-\frac{1}{2}} = 4$$

۲ ۸

در معادله درجه دوم $ax^2 + bx + c = 0$ به شرط $\Delta > 0$ داریم:

$$P = \frac{c}{a} : \text{حاصل ضرب ریشه‌ها}, S = -\frac{b}{a} : \text{مجموع ریشه‌ها}$$

پاسخ تشریحی:

$$ax^2 + \left(a + \frac{4}{3}\right)x + 2 = 0 \Rightarrow S = \frac{-\left(a + \frac{4}{3}\right)}{a}$$

$$2x^2 - 4x - a = 0 \Rightarrow P = -\frac{a}{2}$$

$$\Rightarrow \frac{-\left(a + \frac{4}{3}\right)}{a} = -\frac{a}{2} \Rightarrow -3a - 4 = -a^2 \Rightarrow a^2 - 3a - 4 = 0$$

$$\Rightarrow (a-4)(a+1) = 0 \Rightarrow \begin{cases} a = 4 \\ a = -1 \end{cases}$$

به ازای $a = 4$ معادله $ax^2 + \left(a + \frac{4}{3}\right)x + 2 = 0$ به صورت $4x^2 + \frac{16}{3}x + 2 = 0$ تبدیل می‌شود و $\Delta < 0$ دارد. در نتیجه معادله ریشه ندارد، پس فقط $a = -1$ قابل قبول است.

$$y = -ax^2 - \left(1 + \frac{5}{2}a\right)x - 1 \Rightarrow \text{محور تقارن: } x = \frac{1 + \frac{5}{2}a}{-2a} \xrightarrow{a=-1} x = -\frac{3}{4}$$

۳ ۹

پاسخ تشریحی:

اگر شیر B به تنهایی استخر را در x ساعت پر کند، شیر A به تنهایی استخر را در $x+15$ ساعت پر می‌کند. در نتیجه در یک ساعت شیر B به

$$\frac{1}{x} + \frac{1}{x+15} = \frac{1}{4} \Rightarrow \frac{2x+15}{x^2+15x} = \frac{1}{4}$$

اندازه $\frac{1}{x}$ و شیر A به اندازه $\frac{1}{x+15}$ و هر دو با هم $\frac{1}{4}$ استخر را پر می‌کنند. بنابراین:

$$\Rightarrow x^2 + 15x = 4x + 60 \Rightarrow x^2 + 11x - 60 = 0 \Rightarrow (x+12)(x-5) = 0 \Rightarrow \begin{cases} x = -12 \text{ ✗} \\ x = 5 \text{ ✓} \end{cases}$$



بنابراین شیر A به تنهایی در $20 = 15 + 5$ ساعت استخر را پر می‌کند.

برای این‌که در یک ساعت با y شیر A و یک شیر B استخر پر شود، داریم:

$$\frac{1}{5} + \frac{y}{20} = 1 \Rightarrow \frac{y}{20} = \frac{4}{5} \Rightarrow \frac{y}{20} = \frac{16}{20} \Rightarrow y = 16$$

تذکره: با توجه به صورت سؤال، جواب باید برابر ۱۵ باشد، چون یک شیر A از قبل به استخر متصل است. البته چنین جوابی در گزینه‌ها نیست.

۴ ۱۰

راه حل اول: با توجه به این‌که ۵ داده کم‌تر از میانه هستند، پس دو حالت برای تعداد داده‌ها وجود دارد:

حالت اول: تعداد داده‌ها فرد باشد. در این صورت میانه باید برابر دادهٔ ششم باشد و تعداد داده‌ها برابر ۱۱ است. اما این حالت با توجه به گزینه‌ها امکان‌پذیر نیست، چون طبق صورت سؤال همهٔ داده‌ها فرد هستند ولی در گزینه‌ها، اعداد زوج به عنوان مقدار میانه داده شده است.

حالت دوم: تعداد داده‌ها زوج باشد. در این صورت میانه برابر میانگین داده‌های پنجم و ششم بوده و تعداد داده‌ها برابر ۱۰ است. طبق نمودار جعبه‌ای ماکزیمم داده‌ها برابر ۱۹ و چارک سوم کوچک‌تر از ماکزیمم داده‌ها است، پس چارک سوم حداکثر برابر ۱۷ است.

از طرفی مطابق همین نمودار، میانه کوچک‌تر از چارک سوم است، پس با توجه به فرد بودن داده‌ها، حداکثر مقدار میانه برابر است با:

$$\frac{15+17}{2} = 16$$

راه حل دوم: در صورت سؤال گفته ۵ داده کم‌تر از میانه هستند (باید می‌گفت ۵ داده قبل از میانه هستند تا بتوانیم نتیجه بگیریم که تعداد داده‌ها چندانست).

ماکزیمم داده‌ها ۱۹ است و همهٔ داده‌ها فرد هستند. از طرفی با توجه به گزینه‌ها میانه عددی زوج است پس تعداد داده‌ها زوج بوده و میانه برابر میانگین دو دادهٔ وسط است. با فرض آن‌که دو دادهٔ وسط ۱۵ و ۱۷ باشند، حداکثر مقدار میانه برابر $16 = \frac{15+17}{2}$ خواهد بود.

۱ ۱۱



- مجموع انحراف از میانگین همهٔ داده‌ها همواره برابر صفر است.

$$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}$$

- برای محاسبهٔ واریانس داده‌های $x_1, x_2, \dots, x_n$ داریم:

پاسخ تشریحی:

مربع انحراف از میانگین داده‌های ۹ و ۱۱ برابر یکدیگر است، پس میانگین داده‌ها قطعاً برابر $\bar{x} = 10$ است. در این صورت انحراف از میانگین داده‌های ۱۱، ۹ و ۸ به ترتیب برابر ۱، -۱ و -۲ بوده و در نتیجه انحراف از میانگین دادهٔ دیگر برابر ۲ است. پس انحراف معیار داده‌ها برابر است با:

$$\sigma = \sqrt{\frac{1^2 + (-1)^2 + (-2)^2 + 2^2}{4}} = \sqrt{\frac{10}{4}} = \frac{\sqrt{10}}{2} = \frac{\sqrt{10}}{2} \times \frac{\sqrt{10}}{\sqrt{10}} = \frac{10}{2\sqrt{10}} = \frac{5}{\sqrt{10}}$$

۲ ۱۲

پاسخ تشریحی:

با توجه به فرض $a < b$ و در نتیجه $a - b < 0$ است و می‌دانیم اگر یک نامساوی در عددی منفی یا عبارتی منفی ضرب یا بر آن تقسیم شود، باید جهت نامساوی عوض شود. پس در گام پنجم چون با تقسیم بر $a - b$ جهت را تغییر نداده خطا رخ داده است.



- همارز $p \Rightarrow q$ گزاره $p \vee q$ است.

- قانون توزیع پذیری:

$$p \wedge (q \vee r) \equiv (p \wedge q) \vee (p \wedge r)$$

$$p \vee (q \wedge r) \equiv (p \vee q) \wedge (p \vee r)$$

- قانون دمورگان:

$$\begin{cases} \sim(p \wedge q) \equiv \sim p \vee \sim q \\ \sim(p \vee q) \equiv \sim p \wedge \sim q \end{cases}$$

راه حل اول:

$$\begin{aligned} & \sim [(\sim(p \vee \sim q) \vee (p \wedge \sim q)) \Rightarrow r] \\ & \equiv \sim [((p \vee \sim q) \wedge \sim(p \wedge \sim q)) \vee r] \equiv \sim [((p \vee \sim q) \vee r) \wedge (\sim(p \wedge \sim q) \vee r)] \\ & \equiv \sim ((p \vee \sim q) \vee r) \vee \sim (\sim(p \wedge \sim q) \vee r) \\ & \equiv (\sim p \wedge q \wedge \sim r) \vee (p \wedge \sim q \wedge \sim r) \end{aligned}$$

راه حل دوم:

$$\sim(p \Rightarrow q) \equiv \sim(\sim p \vee q) \equiv p \wedge \sim q$$

می‌دانیم نقیض گزاره شرطی $p \Rightarrow q$ به صورت مقابل نوشته می‌شود:

پس گزاره صورت سؤال به شکل زیر در می‌آید:

$$\begin{aligned} & [(p \vee \sim q) \Rightarrow (p \wedge \sim q)] \wedge \sim r \\ & \equiv [(p \wedge \sim q) \vee \sim(p \vee \sim q)] \wedge \sim r \\ & \equiv [(p \wedge \sim q) \vee (\sim p \wedge q)] \wedge \sim r \\ & \equiv (p \wedge \sim q \wedge \sim r) \vee (\sim p \wedge q \wedge \sim r) \end{aligned}$$

راه حل سوم:

باید با ارزش r و گزینه‌ها حل کرد. اگر r درست باشد گزاره صورت سؤال همواره نادرست است، پس در گزینه‌ها امتحان می‌کنیم که کدام یک به ازای $r \equiv T$ ، همواره نادرست است که گزینه‌ی ۴ می‌شود.



$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$

برای محاسبه نرخ بیکاری داریم:

پاسخ تشریحی:

فرض می‌کنیم n = جمعیت فعال باشد. بنابراین:

$$225 = \text{نرخ بیکاری} \Rightarrow \frac{225}{n} \times 100 = \text{تعداد بیکار}$$

۴۵ شغل ایجاد شود تعداد بیکارها برابر ۱۸۰ و از نرخ بیکاری ۵ درصد کم می‌شود. بنابراین:

$$\frac{180}{n} \times 100 = \frac{225}{n} \times 100 - 5 \Rightarrow \frac{22500 - 5n}{n} = \frac{18000}{n}$$

$$\Rightarrow 22500 - 5n = 18000 \Rightarrow 5n = 4500 \Rightarrow n = 900$$



می‌خواهیم نرخ بیکاری $\frac{1}{3}$ کاهش یابد، پس نرخ بیکاری برابر $\frac{2}{3} \times \frac{225}{900} \times 100$ می‌شود. پس با ایجاد x شغل دیگر داریم:

$$\frac{2}{3} \times \frac{225}{900} \times 100 = \frac{180-x}{900} \times 100$$

$$\Rightarrow 180 - x = 150 \Rightarrow x = 30$$

$$\frac{45}{n} = \frac{5}{100} \Rightarrow n = 900$$

روش پیشنهادی:

اگر نرخ بیکاری $\frac{1}{3}$ کاهش یابد، تعداد بیکاران $\frac{2}{3}$ حالت اولیه هستند:

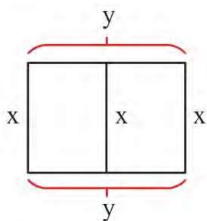
$$\frac{2}{3} \times 225 = 150$$

$$\text{تعداد شغل جدید} = (225 - 150) - 30 = 45$$

۱۵ ۳

پاسخ تشریحی:

با توجه به صورت سؤال شکل زیر رسم می‌شود:



$$\Rightarrow 2y + 2x = 210 \Rightarrow 2y = 210 - 2x$$

$$\Rightarrow y = 105 - x > 0 \Rightarrow 105 - x > 0 \Rightarrow x < 105$$

$$\Rightarrow x < 105 \Rightarrow 0 < x < 105$$

$$\text{مساحت } S = xy \Rightarrow S(x) = x \left(105 - \frac{3}{2}x \right) = 105x - \frac{3}{2}x^2$$

۱۶ ۲

برای ورود زهرا ۵ درب و برای خروج او ۴ درب امکان پذیر است. حال با توجه به شرایط مسئله برای ورود نازنین دو حالت در نظر می‌گیریم:

۱- حالتی که درب ورود نازنین دقیقاً همان درب خروج زهرا باشد، پس از ۴ درب دیگر می‌تواند خارج شود.

$$\frac{5}{2} \times \frac{4}{2} \times \frac{1}{2} \times \frac{4}{2} = 80$$

۲- حالتی که درب ورود نازنین در غیر از ورود و خروج زهرا باشد، پس ۳ درب برای ورود دارد و از طرفی برای خروج از دری که خودش وارد شده

و دری که زهرا خارج شده نمی‌تواند خارج شود پس ۳ درب دیگر می‌ماند. در نتیجه:

$$\frac{5}{2} \times \frac{4}{2} \times \frac{3}{2} \times \frac{3}{2} = 180$$

$$\text{اصل جمع} \rightarrow 80 + 180 = 260$$

۱۷ ۴



فضای نمونه، مجموعه همه حالت‌های ممکن در یک اتفاق تصادفی است و احتمال پیشامد A زیرمجموعه‌ای از این فضای نمونه برابر است با:

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)}$$



پاسخ تشریحی:

$$n(S) = \binom{5}{3} = \frac{5!}{3! \times 2!} = \frac{5 \times 4 \times 3!}{3! \times 2 \times 1} = 10$$

$$n(A) = \underbrace{\binom{2}{1} \times \binom{3}{2}}_{\text{یکی از دوقلوها}} + \underbrace{\binom{3}{3} \times \binom{2}{0}}_{\text{هیچ دوقلو}} = 2 \times 3 + 1 \times 1 = 7$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{7}{10} = 0.7$$

۲ ۱۸

پاسخ تشریحی:

با توجه به $a_1 = a_2 = 1$ ، باید جمله سوم را به دست آوریم و سپس جمله‌های بعدی تا به جمله ششم برسیم:

$$n = 4 \Rightarrow a_3 = a_{4-2} + 2a_{4-1} = a_2 + 2a_3 \Rightarrow a_3 = -a_2 = -1$$

$$n = 5 \Rightarrow a_4 = a_{5-2} + 2a_{5-1} = a_3 + 2a_4 \Rightarrow a_4 = -a_3 = 1$$

$$n = 6 \Rightarrow a_5 = a_{6-2} + 2a_{6-1} = a_4 + 2a_5 = -1 + 2 = 1$$

$$n = 7 \Rightarrow a_6 = a_{7-2} + 2a_{7-1} = a_5 + 2a_6 = 1 + 2 = 3$$

۱ ۱۹



- در حل برخی معادلات لازم است که از تغییر متغیر استفاده کنیم تا به یک معادله درجه دوم برسیم و با حل آن مجهول اصلی مسئله را به دست آوریم.

$$b^2 = ac$$

$$2b = a + c$$

- اگر a, b, c سه جمله متوالی دنباله هندسی باشند، آن‌گاه:

- اگر a, b, c سه جمله متوالی دنباله حسابی باشند، آن‌گاه:

پاسخ تشریحی:

x, y, z دنباله حسابی اند

$$\rightarrow 2y = x + z$$

$$\underbrace{x + y + z}_{2y} = 21 \Rightarrow y + 2y = 21 \Rightarrow y = 7 \Rightarrow x + z = 14 \Rightarrow z = 14 - x \Rightarrow z + 2 = 16 - x (*)$$

$x + 6, y + 4, z + 2$ سه جمله متوالی دنباله هندسی هستند. بنابراین:

$$(y + 4)^2 = (x + 6)(z + 2) \xrightarrow{y=7, (*)} 121 = (x + 6)(16 - x)$$

$$\Rightarrow 121 = 16x - x^2 + 96 - 6x \Rightarrow x^2 - 10x + 25 = 0$$

$$\Rightarrow (x - 5)^2 = 0 \Rightarrow x = 5 \Rightarrow z = 14 - 5 = 9$$

$$\Rightarrow \left[\frac{xy}{z} \right] = \left[\frac{5 \times 7}{9} \right] = \left[\frac{35}{9} \right] = 3$$



فرض می‌کنیم تابع f محور x ها را در $(-۶, ۰)$ و محور y ها را در $(۰, ۶)$ قطع کند.

$$f(۰) = ۶ \Rightarrow ۶ = k - \left(\frac{1}{9}\right)^b \Rightarrow k = ۶ + \left(\frac{1}{9}\right)^b$$

$$f(-۶) = ۰ \Rightarrow ۰ = k - \left(\frac{1}{9}\right)^{-۶a+b} \Rightarrow k = \left(\frac{1}{9}\right)^{-۶a+b}$$

$$\left(\frac{1}{9}\right)^{-۶a+b} = ۶ + \left(\frac{1}{9}\right)^b \Rightarrow \left(\frac{1}{9}\right)^{-۶a+b} - \left(\frac{1}{9}\right)^b = ۶$$

$$\Rightarrow \left(\frac{1}{9}\right)^b \left(\left(\frac{1}{9}\right)^{-۶a} - ۱ \right) = ۳ \times ۲$$

$$\Rightarrow \begin{cases} \left(\frac{1}{9}\right)^b = ۳ \Rightarrow b = -\frac{1}{۲} \Rightarrow k = ۶ + \left(\frac{1}{9}\right)^{-\frac{1}{۲}} = ۶ + ۳ = ۹ \\ \left(\frac{1}{9}\right)^{-۶a} - ۱ = ۲ \Rightarrow \left(\frac{1}{9}\right)^{-۶a} = ۳ \Rightarrow -۶a = -\frac{1}{۲} \Rightarrow a = \frac{1}{۱۲} \end{cases}$$

$$\Rightarrow bk = -\frac{1}{۲} \times ۹ = -\frac{۹}{۲} = -۴ \frac{۱}{۲}$$

تذکره: این سؤال جواب دقیقی ندارد و صرفاً یک حالت برای رسیدن به یکی از گزینه‌ها انتخاب شده است.



پاسخ تشریحی:

آثار ادبی منشور و منظوم زبان پهلوی، از میان رفته است، ولی ترجمه عربی و فارسی برخی از آن‌ها مانند «کلیله و دمنه» و «هزار و یک شب» در دست است.

دررسی سایر گزینه‌ها:

۱ «کلیله و دمنه» و «هزار و یک شب» هر دو اصل پهلوی دارند، نه پارتی.

۲ زبان پارتی، در دوره اشکانیان رایج بود و تا اوایل دوره ساسانی نیز آثاری به این زبان، تألیف می‌شده است. این زبان در شمال و شمال شرقی ایران متداول بوده است.

۳ زبان فارسی باستان، در دوره هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۰ ق.م) رایج بود.

زبان	دوره رواج	منطقه رواج	آثار به جامانده	خط	وجه نام‌گذاری
فارسی باستان	دوره هخامنشی	-	فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی	میخی	-
فارسی میانه گروه پارتی	دوره اشکانی و تألیف آثاری به این زبان تا اوایل دوره ساسانی	شمال و شمال شرقی ایران	ترجمه فارسی «کلیله و دمنه» و «هزار و یک شب»	-	-
فارسی میانه گروه پهلوی	دوره ساسانی	ناحیه پارس	یادگار زریران (رنگ‌وبوی دینی و دارای اصل پارتی) درخت آسوریک (دارای اصل پارتی)	-	مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو
فارسی دری	پس از ورود اسلام	نصف شرق و شمال شرقی ایران	-	عربی	زبان درباری سامانیان و زبان محاوره و مکاتبات مقامات دولتی

پاسخ تشریحی:

در این گزینه ویژگی‌های زبانی موجود در «کلیله و دمنه» یافت نمی‌شود. این ویژگی‌ها با توجه به درس یکم کتاب علوم و فنون ادبی عبارت‌اند از:



دررسی سایر گزینه‌ها:

۱ جمع کلمه «خرگوش» با نشانه «ان»

۲ کاربرد کهن واژه «شاخ» در معنای «شاخه»

۳ کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله «و لابد خرگوش را از آسیب پیل زحمتی باشد»



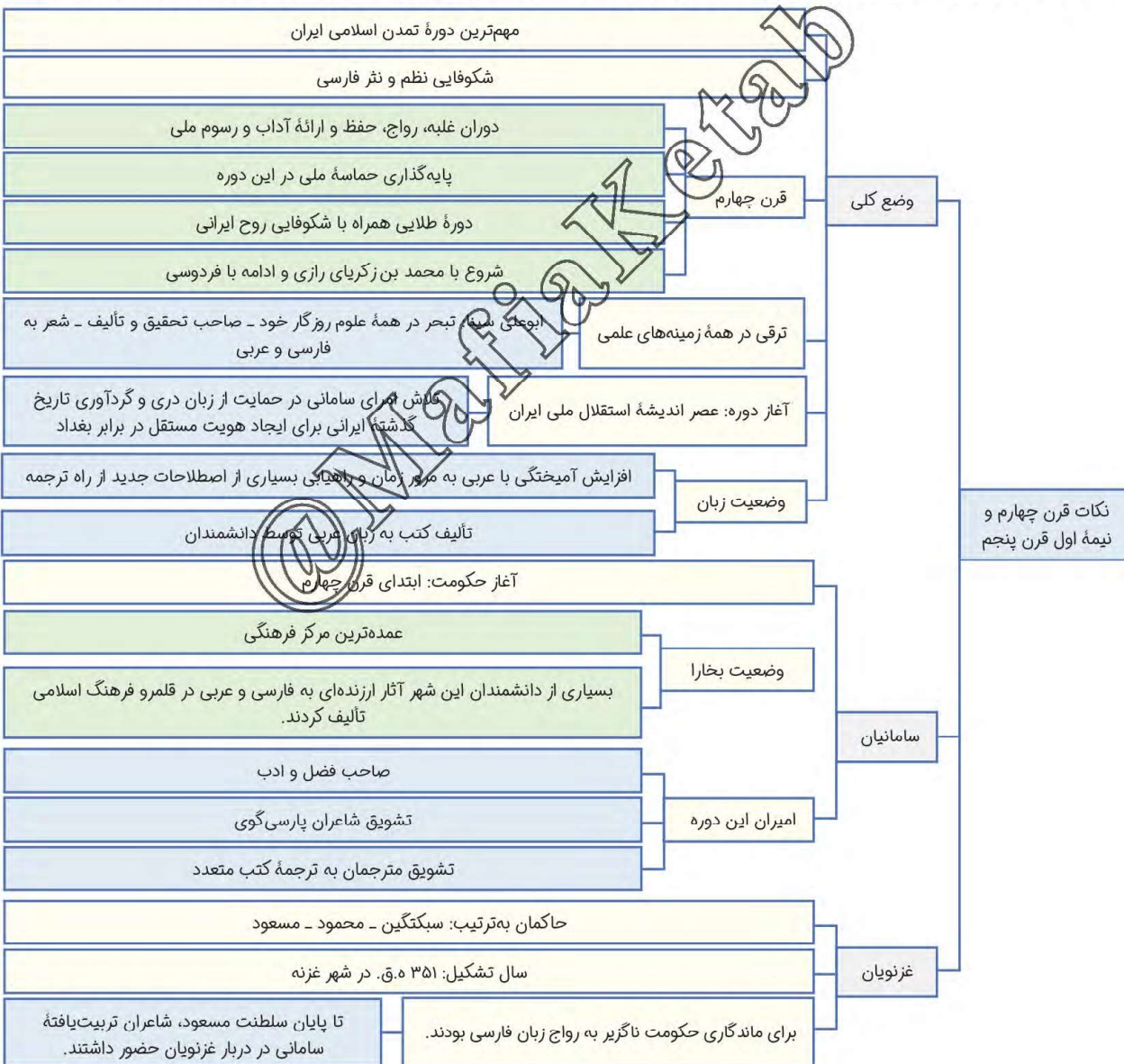
درباره انواع «را» که یکی از مهم‌ترین مختصات دستور تاریخی متون کهن به شمار می‌آید، به نمودار زیر دقت کنید:



۱ ۲۳

بررسی موارد:

«الف»: قرن چهارم، دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی و مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران بود که با زکریای رازی آغاز شد و با فردوسی ادامه یافت.





«ب»: شاهنامه ابومنصوری به سال ۳۴۶ قمری به دست عده‌ای از دانشوران خراسان نوشته شد.

«ج»: «تاریخ الرسل و الملوك» را محمد بن جریر طبری به زبان عربی نوشته است.

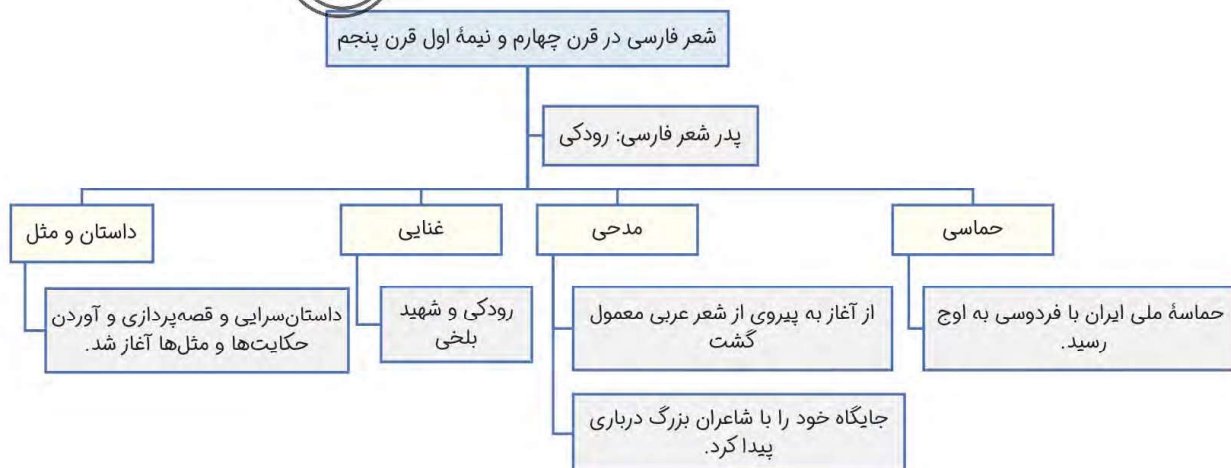
نام آثار	توضیحات
شاهنامه ابومنصوری	سال تألیف: ۳۴۶ هجری قمری مؤلف: عده‌ای از دانشوران خراسان موضوع: تاریخ گذشته ایران * امروزه فقط چند صفحه از مقدمه آن باقی مانده است.
ترجمه تفسیر طبری	مؤلف اصل عربی متن: محمد بن جریر طبری مترجم متن به فارسی: جمعی از دانشمندان (= علما) آن زمان
تاریخ بلعمی	اصل: کتاب «تاریخ الرسل و الملوك» نوشته محمد بن جریر طبری به زبان عربی مترجم به فارسی: ابوعلی بلعمی به دستور: منصور بن نوح سامانی شیوه ترجمه: همزمان با ترجمه، اطلاعات دیگری راجع به تاریخ ایران بر آن افزود و با حذف مطالبی، آن را به صورت متنی مستقل درآورد.

«د»: نشر در دوره سامانی مانند شعر پارسی رواج یافت و به موضوعات گوناگونی، کتاب‌های متنوعی به زبان دری پدید آمد. نشر این دوره ساده و روان است و موضوعات مورد توجه آن: حماسی، ملی، تاریخی است.

«ه»: شعر حکمی و اندرزی در قرن چهارم به وجود آمد ولی در دوره سلجوقیان به پختگی رسید. کسای مروزی قصیده تمام و کمال تعلیمی سرود و سپس ناصر خسرو شیوه وی را ادامه داد. درباره شاعران قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم به جدول زیر دقت کنید:

شاعران قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم	
شاعران	توضیحات
عنصری	شاعران تربیت یافته در اواخر سامانی که در دربار غزنویان نیز حضور داشتند
فرخی	
منوچهری	
فردوسی	حماسه ملی ایران و شعر حماسی را به اوج رساند
رودکی	بنیانگذار شعر فارسی = «مهر شعر فارسی»
شهید بلخی	قوت و استحکام به شعر غنایی بخشیدند
کسای مروزی	سراینده قصیده‌های تمام و کمال تعلیمی
ناصر خسرو	ادامه دهنده شیوه کسای مروزی در شعر تعلیمی

درباره انواع ادبی رایج در دوره خراسانی به نمودار زیر توجه کنید:



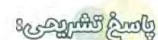


۲. فخرالدین عراقی در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده است.

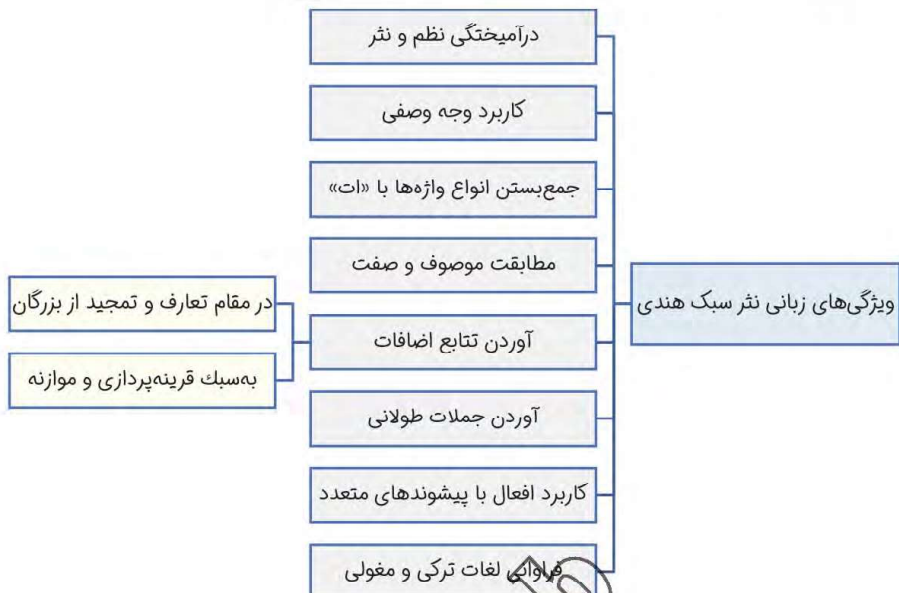
۳. جامی، شاعر قرن نهم است.

۴. نثر طبقات ناصری ساده و نثر مرصادالعباد گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است.

آثار سبک عراقی				
نام اثر	مؤلف	توضیحات	نوع	تاریخ
طبقات ناصری	-	ساده نویسی	منثور	قرن ۷
مرصاد العباد	نجم الدین رازی (نجم دایه)	سلوک دین و تربیت نفس انسانی - نثر ساده و گاه دارای سجع و موازنه	گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه	قرن ۷
تاریخ و صفات	-	پیچیده نویسی	منثور	قرن ۷
تاریخ جهانگشای	عطاملک جوینی	پیچیده نویسی ظهور جنگیر + احوال و فتوحات او + تاریخ خوارزمشاهیان + فتح قلعه های اسماعیلیه + حکومت جانشینان حسن صباح	منثور	قرن ۷
مثنوی معنوی	مولانا جلال الدین بلخی	معارف بشری و مسائل عرفانی	منظوم	قرن ۷
دیوان شمس		معارف بشری و مسائل عرفانی	منظوم	قرن ۷
فیه ما فیه		شاگردان مکتوب کرده اند.	منثور	قرن ۷
مجالس سبعه		شاگردان مکتوب کرده اند.	منثور	قرن ۷
مکاتیب		سبک نثر مولانا را نمودار می سازد.	منثور	قرن ۷
گلستان	سعدی	نثر مسجع - اخلاق و حکمت	منثور	قرن ۷
بوستان		مثنوی - اخلاق و حکمت	منظوم	قرن ۷
عشاق نامه	فخرالدین عراقی	هر فصل به یک مبحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان برده است.	منظوم	قرن ۷
لمعات		سیر و سلوک عارفانه	منظوم و منثور	قرن ۷
جامع التواریخ	خواجه رشید الدین فضل الله همدانی	نثر عالمانه و ریخته	منثور	قرن ۷
المعجم فی معاییر اشعار العجم	شمس قیس رازی	نخستین اثر در علم عروض ، قافیه ، بلیغ و نقل شعر مقدمه مصنوع + اصل ساده و عالمانه	منثور	قرن ۷
جمشید و خورشید	سلمان ساوجی	به شیوه نظامی	منظوم	قرن ۸
موش و گربه	عبید زاکانی	ناهنجاری های اجتماعی به شیوه طنز و تمثیل	منظوم	قرن ۸
رساله دلگشا		طنز	منثور	قرن ۸
اخلاق الاشراف		طنز	منثور	قرن ۸
صد پند		طنز	منثور	قرن ۸
تاریخ گزیده	حمدالله مستوفی	تاریخ پیامبران + خلفای چهارگانه + خلفای بنی عباس + تاریخ ایران تا سال ۷۳۰ ه. ق.	منثور	قرن ۸
بهارستان	جامی	به تقلید از گلستان سعدی	منثور	قرن ۹
نفحات الانس		به شیوه تذکره الاولیای عطار در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان	منثور	قرن ۹
تحفة الأحرار		مثنوی به پیروی از نظامی	منظوم	قرن ۹
تذکره دولتشاه	دولتشاه سمرقندی	به تشویق امیرعلیشیر نوایی شرح حال صد تن از شاعران ایران از آغاز تا زمان مولف	منثور	قرن ۹



«تضعیف تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان» از ویژگی های فکری نثر سبک عراقی و «آوردن جملات طولانی در نثر و کاربرد افعال با پیشوندهای متعدد» از ویژگی های زبانی نثر سبک هندی در نثر به شمار می رود. (دقت کنید طراح در صورت سوال «ترتیب» را ملاک قرار نداده است.)



بررسی سایر گزینه‌ها:

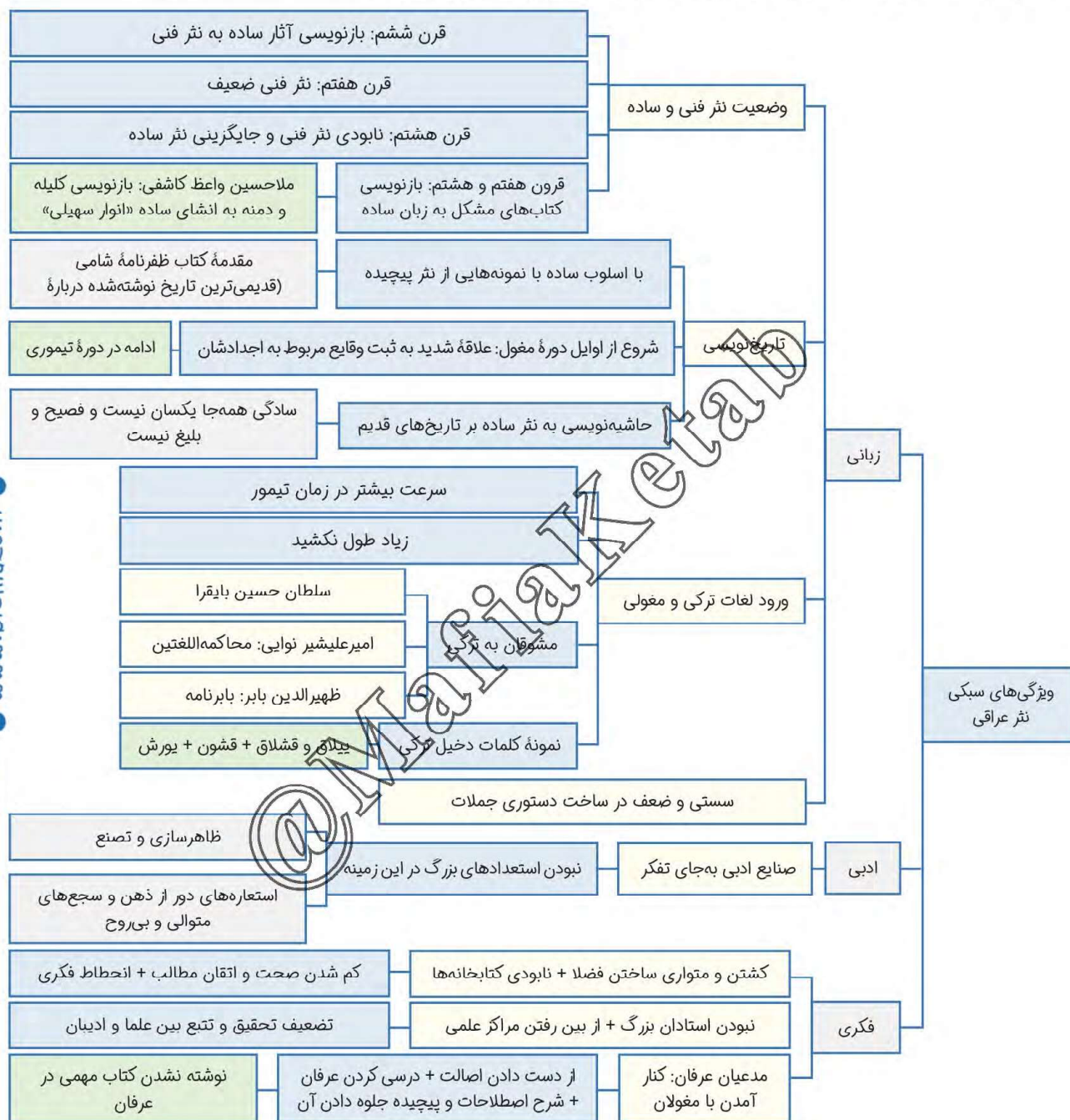
- از رونق افتادن نثر این دوره به علت مدح و چاپلوسی (از ویژگی‌های ادبی سبک هندی)
- استفاده از صنایع ادبی به جای تعمق و تفکر (از ویژگی‌های ادبی سبک عراقی)
- ظاهرسازی و تصنع در کتاب‌های مصنوع و متکلف (از ویژگی‌های ادبی سبک عراقی)

مقایسه قلمرو ادبی و فکری «شعر» در سبک عراقی و هندی

قلمرو ادبی		قلمرو فکری	
هندی	عراقی	هندی	عراقی
قالب مسلط: غزل دارای تکرار قافیه و در اصل به صورت مفردات	رواج غزل تثبیت تخصص در اتمای غزل	بیان مطالب فلسفی، عرفانی و غنایی گذشتگان به شیوه خود مضمونیابی و ارائه خیال خاص و معنی برجسته	غم‌گرایی ذهن‌گرایی و توجه به دنیای درون معشوق متعالی و یکی با معبود (آسمانی) رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
استفاده کم و طبیعی از آرایه‌ها	توجه به علوم ادبی مانند بیان و بدیع		بی‌اعتباری دنیا پرهیز از زهد ریایی توجه به صفا و پالایش درون رواج تصوف ستایش عشق برتری عشق بر عقل فراق اعتقاد به قضا و قدر بازتاب بیشتر علوم در شعر
رواج آرایه‌ها مخصوصاً تشبیه، تلمیح، حسن تعلیل، حسن آمیزی، تمثیل، اسلوب معادله		معنی‌گرا با مضامین متنوع و جدید	
ردیف‌های طولانی و خوش‌آهنگ	خروج شعر از دربار بی‌رونی قصیده رواج غزل عاشقانه و عارفانه	خلاصه بودن فکر در تک‌بیت و تحسین و اعجابی در حد همان بیت	



سادگی نثر دوره عراقی همه جا یکسان نیست و نثر ساده این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.



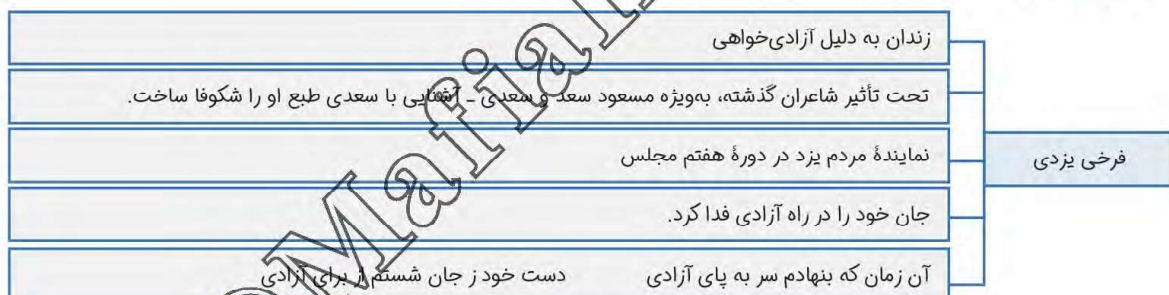
ایرج میرزا: در طنز و هزل و هجو چیره‌دست بود و در اشعارش اندیشه‌های نوگرایانه وجود داشت.



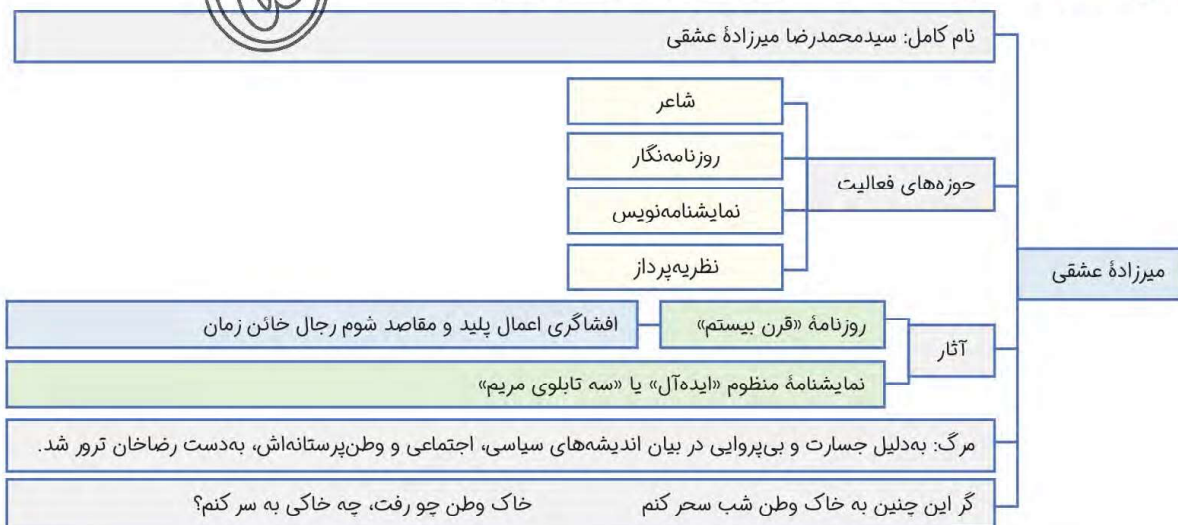
عارف قزوینی: تصنیف‌ها و ترانه‌های میهنی او دربرانگیختن مردم و آزادی‌خواهی نقش بسیار موثری داشت.



فرخی یزدی: وی تحت تأثیر شاعران گذشته به‌ویژه مسعود سعد و سعدی بود.



میرزاده عشقی: شاعر، روزنامه‌نگار، نمایشنامه‌نویس و نظریه‌پرداز دوره مشروطه بود.



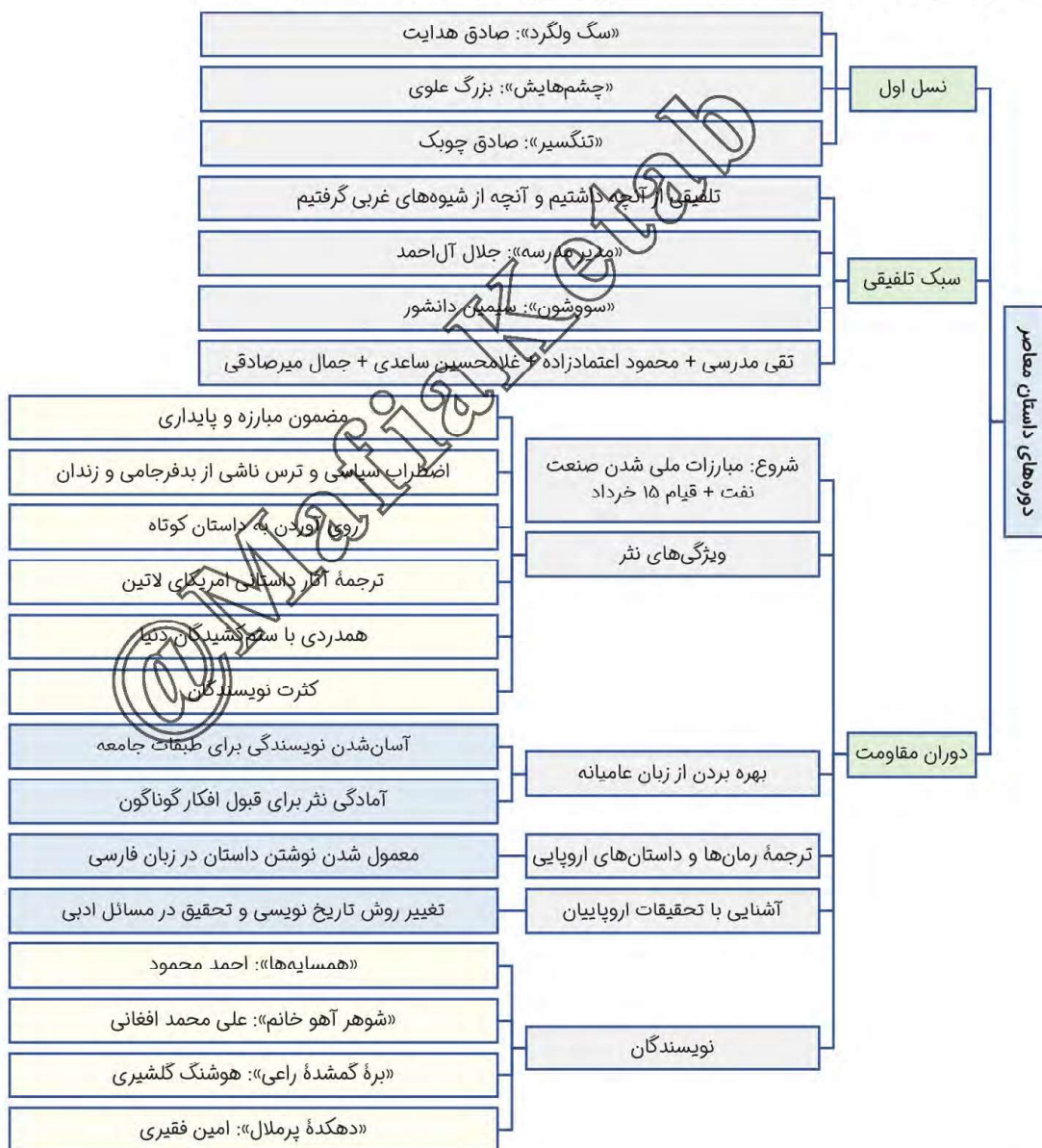


پاسخ تشریحی:

نثر داستانی معاصر با مجموعه داستان کوتاه «یکی بود، یکی نبود» از سید محمدعلی جمالزاده در سال ۱۳۰۱ آغاز شد و داستان نویسی نوین با افرادی مانند صادق هدایت، بزرگ علوی و صادق چوبک و... گسترش یافت. بزرگ علوی و صادق چوبک از معروف ترین نویسندگان نسل اول هستند.

نخستین‌ها			
نخستین رمان تاریخی	-	میرزا محمدباقر خسروری	شمس و طغرا
نخستین رمان اجتماعی	سال ۱۳۰۱	مرتضی مشفق کاظمی	تهران مخوف
آغاز نثر داستانی	سال ۱۳۰۱	محمدعلی جمالزاده	یکی بود یکی نبود
نخستین نمایشنامه	سال ۱۳۰۱	حسن مقدم	جعفرخان از فرنگ برگشته

داستان نویسی نوین با افرادی مانند صادق هدایت، بزرگ علوی و صادق چوبک و... گسترش یافت.



بزرگ علوی و صادق چوبک از معروف ترین نویسندگان نسل اول هستند.



دوره مقاومت		سبک تلفیقی		نویسندگان نسل اول	
همسایه‌ها	احمد محمود	مدیر مدرسه	جلال آل احمد	سک ولگرد	صادق هدایت
شوهر آهو خانم	علی محمد افغانی	سووشون	سیمین دانشور	چشم‌هایش	بزرگ علوی
بره گمشده راعی	هوشنگ گلشیری	تقی مدرسی		تنگسیر	صادق چوبک
دهکده پرمال	امین فقیری	محمود اعتمادزاده			
		غلامحسین ساعدی			
		جمال میرصادقی			

۲۹

پایه ششم

در بیت «ب» مجاز دیده نمی‌شود. در این بیت، واژه‌ای در معنی مجازی به کار نرفته‌است.

بررسی مجاز در سایر ابیات:

بیت «الف»: ابر (باران)

بیت «ج»: پولاد (زره و جوشن)

بیت «د»: سیر (بیزار)

بیت «ه»: زر (سکه)

به علاقه «جزء و کل»			
معنی مجازی	واژه	معنی مجازی	واژه
شعر	بیت، غزل	انگشتان دست	دست
سوره فاتحه	«الحمد»	موی سر	سر
آسمان	ابر	سخن	حرف
دست	کف	باغ	چمن
همه چیز	دو پدیده متضاد (ماه و مرغ، پیر و جوان، نیک و بد، و...)	دعا	رتنا
کل سیارات و ستاره‌ها	ماه و پروین، ماه و خورشید	وجود	سینه، چشم، سر، گوش و...
مو	پرده	انگشت	نگین
به علاقه «حالیه / محلیه» (جایگاه)			
اهل خانه، اهل مجلس	خانه، مجلس	قصد، نیت، اندیشه	سر
شراب	پیاله، ساغر، جام و...	مردم	جهان، گیتی، عالم، دنیا، گردون
پیاله، ساغر، جام و...	شراب	مردم	شهر، دشت، کشور و...
به علاقه «سببیه» (علت و معلول)			
قدرت، توان	بازو، دست	بیزار، بی‌ رغبت	سیر
		سخن	دم
		سخن	نفس
به علاقه «آلیه» (ابزار)			
نظر، عقیده	چشم	سخن گفتن، کلام	زبان
		شنیدن	گوش
		نوشتن، نوشتن	کَلک، خامه، قلم
به علاقه «لازمیه» (همراهی)		به علاقه «جنس»	
قتل، کشتن	خون	تیر	گر، آبنوس، سندروس
بهار	گل / ایام گل	شمشیر، زره	آهن، فولاد
نوشتن، سند	خط	زمین، گور	خاک



پاسخ تشریحی:

تشریح بیت: اگر زمانهٔ دون (= پست، فرومایه) تو را چون چنگ به بر در کشد (= در آغوش بگیرد، کنایه از برکشیدن و ارجمند کردن)، [به آن] اعتماد مکن که [زمانه] آن‌گه تو را می‌زند (= به تو آسیب می‌زند) که [تو را] نواخت [له است].

آرایه‌های تضاد و حسن تعلیل در بیت وجود ندارد.

تشبیه: چو چنگ

ادوات تشبیه آشکارترین و صریح‌ترین نشانهٔ کاربرد تشبیه در بیت است و کار شما را خیلی ساده می‌کند. فقط مراقب باشید که «چو / چون» را حتماً با «مثل / مانند» جایگزین کنید و مطمئن شوید که برای برقراری تشبیه به کار رفته‌اند، نه در معنی «زمانی که / اگر / حال که».

ایهام تناسب: چنگ: ۱- نوعی ساز ۲- پنجه، دست (مد نظر نیست اما با «بر» (به معنی سینه و آغوش) تناسب دارد).

استعاره: زمانه تو را در آغوش بکشد و بزند و بنوازد تشخیص و استعارهٔ مکنیه دارد.

هر کجا دو چیز ناسازگار را به هم نسبت می‌دهیم، معمولاً آرایه‌ای خلق می‌کنیم. وقتی یک چیزی یا ویژگی را به چیزی منسوب می‌کنیم که هیچ نسبتی با آن در واقعیت ندارد، استعارهٔ مکنیه پدید می‌آوریم. به استعاره‌های مکنیهٔ مشهوری که می‌شناسید، دقت کنید؛ همه همین‌طور ساخته شده‌اند: «کنگرهٔ عرش» یعنی به مفهوم «عش» که اصلاً ساختمان و بنا نیست که کنگره داشته باشد، «کنگره» را نسبت داده‌ایم. نسبت دادن چیزهای ناسازگار و نامربوط به هم می‌تواند به شکل‌های متنوعی اتفاق بیفتد، در قطب نمای زیر به راه یافتن استعاره مکنیه دقت کنید:

قطب‌نمای استعارهٔ مکنیه:

(۱) ترکیب اضافی:

«مضاف» در ترکیب اضافی استعاری اهمیت زیادی دارد؛ در ترکیب اضافی «چشم آسمان»، «آسمان» دارای «چشم» دانسته شده است که قطعاً با آن ناسازگار است؛ در واقعیت، مفهوم «آسمان» دارای «چشم» نیست. اما استفاده از این ترکیب اضافی و نسبت دادن این دو به هم، تصویری استعاری را خلق می‌کند.

(۲) ناسازگاری فعل و فاعل:

وقتی یک پدیده به لحاظ طبیعی از عهدهٔ یک فعل برنیاورد (یعنی آن را نتواند در حقیقت انجام دهد) استعارهٔ مکنیه پدید می‌آید.

«تافتن» - «صورت»: صورت بی‌صورت بی‌حد غیب

«رهبر آمدن / شدن (رهبری کردن)» - «زلف»: گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد

«خجل شدن» - «پسته»: می‌کند خندهٔ خونین به ته پوست نهان

«سرافرازی کردن» - «زلف»: چنان کاندل پریشانی سرافرازی کند زلفش

«دل‌بستن» - «لاله»: لاله دل در دم جان‌بخش سحر می‌بندد

«لاف زدن» - «ابر»: ابر را بنگر که لاف درفشانی می‌زند

«در زدن» - «بخت»: بخت بیدارم در خلوت بزد کای بی‌خبر

(۳) ناسازگاری فعل و مفعول:

اثر هر فعل روی هر پدیده‌ای روی نمی‌دهد؛ «آفتاب» نمی‌تواند «عشق» را «برویاند»؛ چرا که «عشق» روییدنی نیست و یک مفهوم مجرد است. یا نمی‌توان «بلبل» را «غمگین کرد»؛ چرا که «غمگین شدن» ویژگی‌ای انسانی است که در واقعیت بلبل از آن ناتوان است.

«شیرین‌سخن کردن» - «مور»: گردد از دست نوازش پایه معنی بلند

«کاشتن» - «مهر»: مهرش به جان می‌کاشتم تا بر دهد مهر و وفا

(۴) منادای غیرانسانی:

از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر

عشق، بازآی که جانی به تنم باز آید

(۵) موصوف و صفت ناسازگار:

هیچ رویی نیست کز چرخ سیه‌رو زرد نیست

تا پشت کمان می‌شکند ابروی شوخت

کار هیچ آزاده‌ای زین آسیا بر گرد نیست (انسانی ۹۴ داخل)

پیوسته ز ابروی تو پشتم چو کمان است (انسانی ۹۲ خارج)

ایهام: نواخت: ۱- نوازش کرد ۲- ساز زد

کنایه: به بر کشیدن کنایه از لطف کردن، مهربانی کردن



کنایه:



تعریف: واژه یا جمله‌ای کنایه دارد که معنی ظاهری‌اش (که معمولاً یک تصویر یا یک وضعیت را به خاطر ما می‌آورد) به صورت ضمنی، معنی ثانوی و غیرحقیقی‌ای را مطرح کند که درواقع «مفهومی» است که برآیند همان تصویر ظاهری است. معنی ظاهری «گشاده‌دست» به صورت ضمنی نشان‌دهنده بخشنده‌گی نسبت به دیگران است؛ از تصویر انسانی با دستان گشاده که به یاد مفهوم «بخشنده‌گی» می‌افتیم و حتی در هنگام بخشیدن چیزی به دیگران، این تصویر به ناگزیر اتفاق می‌افتد چراکه معنی اولیه کنایه، معنی ثانویه‌اش را «به همراه دارد» و با خود تداعی می‌کند. برای نمونه، معنی ظاهری «زردرو» به صورت ضمنی نشان‌دهنده «لاغری، بیماری و نزاری» است. معنی ظاهری «دست شستن از چیزی»، پاک کردن دست است، اما این معنی به یک نتیجه منجر می‌شود که همان معنی ثانوی است؛ «رها کردن» (چون آن‌چه بر دست بوده، شسته شده و رها گشته‌است).

قطب‌نما:



(۱) فعل‌ها (و در نتیجه، جمله‌ها): فعلی که معنی ظاهری‌اش یک مفهوم دیگر را تداعی کند و در معنی غیرحقیقی به کار رفته باشد. به نمونه‌های زیر از کنکور سراسری دقت کنید:

«دست یازیدن به...»: فدای جان تو «خواجو» اگر قتل تو گردد
«سر در کاری کردن»: به سخن دعوی حق را نتوان برد از پیش
«دست شستن از...»: دست شستم ز دل و دیده خون‌بار ولیکن
«چشم داشتن»: من از دو نرگس مست تو چشم آن دارم
(۲) صفت‌ها: وقتی صفتی نشان‌دهنده یک صفت دیگر هست و به کنایه و به صورت ضمنی به آن اشاره می‌کند، آرایه کنایه وجود دارد. صفت «سیاه‌دل» صفتی تصویری است که انسانی با قلب سیاه را به خاطر ما می‌آورد، اما این قلب خود نشان‌دهنده مفهوم ظالم‌بودن یا بی‌اعتنا بودن و مفاهیم مشابه است.
«سیاه‌دل»: در بوم این سیاه‌دلان جغد می‌شویم
چون رایت عشق آن جهان‌گیر (= مجنون)
(«آسمان‌گیر» کنایه از مشهور و معروف)

ورنه همای گوشه ویرانه خودیم (انسانی ۹۳ داخل)
شد چون مه لیلی آسمان‌گیر

جناس: گر و بر

جناس:



جناس ناهمسان اختلافی یکی از پرکاربردترین جناس‌ها به شمار می‌آید که گاهی هم از چشمتان مخفی می‌ماند. به توضیحات زیر دقت کنید:

ناهمسان اختلافی: میان دو واژه تنها یک حرف اختلاف وجود دارد که می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر واژه باشد.
(۱) ابتدا: تن - من، است - دست، کیش - ریش، کمند - سمنند، سجود - وجود، بر (با معانی مختلف) - سر
(۲) میان: جوان - جهان، نیش - نوش، بازار - بیزار، طرب - طلب
(۳) پایان: خروس - خروش، بار - باز، باد - بام، غریب - غریو

نمونه (کنکور سراسری):

چشم خون‌بارم اگر کوه‌گران پیش آید
کام دلم آن بود که جان بر تو فشانم
تا مگر صبح تو سر بر زند از مطلع مهر
دانی که بر عذار تو خال سیاه چیست؟
ز باغ حسن خود بر خور که من در سایه سروت

بر سر آب روان افکندش هم چون کلاه
آن کام میسر شد و این کار برآمد
دیده بر چرخ چو مسمار فرو دوز میشد
زلفی که بر کناره باغی نشسته است
جهانی را ز باغ عشق بر خوردار می‌بینم

۴ ۳۱

پایه تشریحی:

ایهام: مردمی: ۱- انسانیت ۲- مانند مردمک بودن

ایهام تناسب: مردم (مصراع دوم): ۱- انسان ۲- مردمک (مدنظر نیست؛ اما با «چشم» تناسب دارد).

ایهام و ایهام تناسب:



بسیاری از واژه‌ها چندمعنایی‌اند؛ ما با توجه به مقصود خود، معنی خاصی را برمی‌گزینیم و از آن واژه استفاده می‌کنیم. گاهی شاعر امکانی را فراهم می‌کند که یک واژه در چند معنی به کار رود؛ یعنی هر معنی را که جای‌گذاری کنیم، به خوبی و به دقت معنی می‌دهد. به این حالت «ایهام» (به‌وهم‌افکندن) می‌گویند؛ ایهام کاربرد یک واژه در دو معنی است.

تسلط بر ایهام دو مرحله‌ای است؛ مرحله اول، آشنایی با واژه‌های چندمعنایی و کاربردهای مختلف آن‌هاست. مرحله دوم، اطمینان حاصل کردن از این است که هر دو معنی قابل جای‌گذاری باشد. پس، آشنایی با واژه‌های مشکوک و چندمعنایی کافی نیست. مولف سوال از همان‌ها استفاده می‌کند تا شما را به تله بیندازد. آزمودن واژه از نظر چندمعنایی بودن مرحله بسیاری مهمی است.

ایهام تناسب وضعیتی است که دو معنی قابل جای‌گذاری نیست، اما معنی غیرقابل قبول به خاطر یک یا چند واژه دیگر به ذهن می‌آید.



واج آرایی: تکرار حرف «م» و «ن»

واج آرایی:



تعریف: بیتی دارای واج آرایی است که یک واج حداقل ۳ بار تکرار شده باشد، به گونه‌ای که نزدیک به یک‌دیگر اتفاق افتد تا بر موسیقی بیت بیفزاید.

مثال: موسم گل نبود توبه عشاق درست توبه یعنی چه؟ بیا باده بیار ای ساقی (انسانی ۹۵ داخل)

در این بیت، شاعر مصوت بلند /آ/ را تکرار کرده است.

مثال: همه سرسبزی سودای رخت می‌خواهم که همه عمر من اندر سر آن سودا شد (انسانی ۹۳ خارج)

در این بیت، شاعر صامت‌های /س/ و /ر/ را تکرار کرده است.

نکته: به تکرار مصوت کوتاه /ـ/ «تابع اضافات» گفته می‌شود. نمونه‌ای از شاعر معاصر، مهدی اخوان ثالث:

«ای تکیه‌گاه و پناه

زیباترین لحظه‌های

پر عصمت و پر شکوه

تنهایی و خلوت من!

ای شط شیرین پر شوکت من!

نکته: در واج آرایی، آوا و تلفظ واژه‌ها از املای آن‌ها مهم‌تر است. در مصراع «صدای سم سمند سپیده می‌آید»، علاوه بر تکرار مصوت کوتاه /ـ/، تکرار صامت

/س/ هم به گوش می‌آید.

استعاره مکنیه: «چشم هنر» تشخیص و استعاره مکنیه



گفتیم وقتی دو پدیده نامربوط را به هم ربط می‌دهیم، خیلی وقت‌ها استعاره مکنیه می‌سازیم. استفاده از ترکیب‌های اضافی هم برای این کار بسیار رایج است. حالا در ادامه، به این فهرست وقت کنید که چشم شما را با برخی از چیزهایی که نسبت دادنشان به پدیده‌های نامربوط استعاره‌ساز است، آشنا می‌کند:

فهرست زیر برخی از مهم‌ترین دسته «ویژگی‌هایی» که به عنوان مضاف دیده می‌شود، آمده است:



چشم (چشم دل)، دست (دست فلک، دست مرگ)، پا (پای سرو، پیچ (پیچ عشق)، جبین (جبین سخن)، دهن (دهن لاله)، لب (لب قدح)، جیب (جیب زندگی) و...

گر دماغ باغ نیز از بوی او آشفته نیست پس چرا هر دم از جلای خود عهد یاد صبا؟ (انسانی ۹۴ داخل)

از بس که با جان و دلم ای جان و دل آمیختن چون نکبت از آغوش دل بوی تو می‌خیزد از گلم (انسانی ۹۶ داخل)

آمد بهار و گفت به نرگس به خنده گل چشم من و تو روشن بی روی زلف باغ (انسانی ۹۴ خارج)

توانایی‌ها و ویژگی‌ها یا کنش‌های انسان هم ممکن است مضاف شود؛ روح، آغوش، بلبل و کن، سرم و آبرو، غارت و شبیخون، فریاد و فغان، آشفتنی و...

گذار کن چو صبا بر بنفشه‌زار و ببین که از تطاول زلفت چه بی‌قراران اند (انسانی ۹۴ خارج)

اجزای گل و گیاه که ممکن است مضاف شود؛ بیخ و ریشه (بیخ دوستی)، شاخه و برگ (شاخ دوستی)، رویش (رویش جوانی) و...

اجزای ساختمان که ممکن است مضاف شود؛ بام (بام مهربانی)، در (در احسان)، پایه (پایه کرم)، اساس (اساس ظلم)، پیشگاه (پیشگاه حقیقت)، کنگره (کنگره عرش)، آستان و...

در اندیشه بیستم قلم و هم شکستم که تو زیباتر از آنی که کنم وصف و بیان (انسانی ۹۸ داخل)

اجزای حیوانات که ممکن است مضاف شود؛ عنان (عنان غرور)، افسار (افسار مرگ)، چنگال (چنگال آتش)، پیچ و...

اجزای پرندگان که ممکن است مضاف شود؛ بال (بال اندیشه)، پر (پر پرواز)، منقار (منقار طبع) و...

در شامگه هجرش بگذاخت تن و جانم در دامگه عشقش بشکست پر و بالم

ویژگی‌های آفتاب که ممکن است مضاف شود؛ طلوع، پرتو، اشعه، تشعشع، فروغ و...

ویژگی‌های باران که ممکن است مضاف شود؛ بارش

ویژگی‌های دریا که ممکن است مضاف شود؛ عمق (عمق تفکر)، ژر فا، غرقه و...

ز غرقاب این غم رهایی نیابم که در موج دیده چو لنگر فتام (انسانی ۹۶ داخل)

۲ ۳۲

پاسخ تشریحی:

استعاره: تازه‌رویی عالم (تشخیص)

حسن تعلیل: نوشخند من باعث تازه‌رویی عالم است.

تشبیه: من مثل صبح روشن هستم. (نوشخند هم تشبیه درون‌واژه‌ای دارد: خنده‌ای که مثل نوش و شهد شیرین است.)



حسن تعلیل:



«تعلیل» یعنی «علت آوردن». «حسن» تعلیل یعنی فراهم کردن دلیلی زیبا و ادبی. پس، نخستین چیزی که درباره این آرایه اهمیت دارد آن است که در بیت مورد نظر باید حتماً یک «پدیده» و «علت» آن بیان شده باشد. هر گاه علت غیرطبیعی / خیالی / شاعرانه برای یک پدیده طبیعی و روزمره بیان شود، آرایه حسن تعلیل آفریده می‌شود.

قطب‌نما:



(۱) اولین نشانه حسن تعلیل همان وجود دو پدیده است که میانشان رابطه علی برقرار شده باشد. خیلی وقت‌ها بیت‌های به نظر شما مشکوک اصلاً درباره دو پدیده یا چیز مختلف نیستند، چه رسد به اینکه علت و معلول هم باشند.

(۲) وجود حروفی که نشان‌دهنده علت و سبب هستند: «از» سببی، «که» تعلیل، «به» سببی. به نمونه کنکوری زیر دقت کنید:

ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی‌آید / که می‌گردد دوبالا ناله در کهسار عاشق را

(۳) بیان پرسشی (انکاری): اگر + نه + علت + پدیده]

الف) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد / ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست؟

ب) بوسه‌ای گر نبوده‌ست ز یاقوت لبش / دهن لاله چرا تا به جگر سوخته‌ست؟

(۴) بیان پرسشی:

الف) دانی قیامت از چه ندارد سر قیام؟

ب) کدام زهره‌جبین بی‌نقاب گردیده است / که آتش از عرق شرم، آب گردیده است؟

ج) خبر چشم تر من که رسانید به ابر / که به تعجیل تمام از سر دریا برخاست

گاهی نشانگر آشکاری وجود ندارد، اما مفهوم کامل دو پدیده را با هم مرتبط کرده؛ یکی دلیل دیگری است بی آن که دلیلی منطقی باشد.

الف) آفتاب حسن او تا شعله زد / ماه رخ در پرده پنهان می‌کند

(از زمانی که آفتاب حسن او شعله زده، ماه رخ در پرده پنهان می‌کند / رفتن ماه به سبب آمدن رخ آفتاب آسای محبوب است)

ب) صد جوی آب بسته‌ام از دیده برکنار / بر روی خیم مهر که در دل بکارم

مشاورنامه:



ابیات زیر در کنکورهای اخیر به عنوان نمونه‌ای از آرایه حسن تعلیل مطرح شده‌اند، پس بررسی دقیق و شناختن الگوی آن‌ها خیلی اهمیت دارد:

✓ به خون لعل فرورفت کوه سنگین دل / چو در محبت شیرین هلاک شد فرهاد (خارج ۹۸)

✓ ز رشک قامت او ناله خاست از دل سرو / ز شرم عارض او هاله بست بر رخ هم (خارج ۹۸)

✓ از آن از اشک خالی نیست چشم / که پندارم شراب لاله رنگ است (خارج ۹۸)

✓ به خون از نعمت الوان قناعت کن که مشک تر / به خون خوردن شد از ناف غزالین ختن پیدا (داخل ۹۸)

✓ ابر از آن پیدا شود کز رشک خورشید رخت / آستین بر رخ نهد تا دامن تر آفتاب (داخل ۹۸)

✓ بوی خوش آهوی تو بر دشت گذر کرد / داغ جگر لاله‌ستان ناف ختن شد (داخل ۹۹)

۱۳۳

پاسخ تشریحی:

تشبیه: مهر رخ - تشبیه چهره یار به خورشید

حسن تعلیل: علت نگرستن مردم جهان به ماه، نشانی یافتن ماه از چهره یار است.

مجاز: جهان مجاز از مردم جهان

ایهام: مهر: ۱- خورشید ۲- عشق و محبت

دیگر آرایه‌های بیت سوال:

تشخیص و استعاره مکنیه: شاعر ماه را صاحب چهره زیبا دانسته است.

ایهام تناسب: «روی» در این بیت در معنای غیر اصلی خود (صورت و چهره) با رخ و جمال تناسب دارد، همچنین «مهر» در بیت به شکل ایهامی به معنی «عشق» و «خورشید» است اما در معنای غیر اصلی خود (ماه مهر) با ماه می‌تواند تناسب داشته باشد.

توجه: در گزینه «۲» جناس، در گزینه «۳» حس آمیزی و در گزینه «۴» جناس به کار نرفته است.





پاسخ تشریحی:

بیت گزینه «۱» فاقد استعاره مکنیه است. مجاز: سحاب (باران)

پرسی سایر گزینه‌ها:



تشخیص: عزیز و محبوب بودن گوهر و زر / آب (لف ۱)، روی (لف ۲)، گوهر (نشر ۱)، زر (نشر ۲)

لف و نشر:



از شاخه سرو چمن آویخته بودیم (داخل ۱۴۰۰)
که به جان از پی آن تیر و کمان باید رفت (داخل ۱۴۰۰)
پشت خمیده مرا قد کشیده تو را (خارج ۱۴۰۰)
جمال حور نجویی، وصال سدره نخواهی (داخل ۱۴۰۱)
چگونه شام به صبح آورند و صبح به شام (داخل ۱۴۰۱)
زان رو که چشم نرگس بر سیم و زر نباشد (داخل ۱۴۰۱)
هرگز خیرم نیست نه از صبح و نه از شام (داخل ۱۴۰۱)
هر یک گرفته جامی بر یاد روی یاری (داخل ۱۴۰۱)
از مهر و کین تو دو نمونه است شهد و سم (داخل ۱۴۰۱)

تا زلف و رخت بردم از سایه و روشن
مژه و ابروی او دیدم و با دل گفتم
تیر و کمان عشق را هر که ندیده، گو ببین
اگر صباح قیامت ببینی آن رخ و قامت
خیال زلف و رخت گر معاونت نکند
دو اشک و روی زردم سهل است اگر ببینی
تا زیب بناگوش تو شد طره مشکین
در بوستان حریفان مانند لاله و گل
از عفو و خشم تو دو نمونه است روز و شب

عزیز (ایهام) در دو معنا قابل قبول است: ۱- دوست داشتنی ۲- مقامی در مصر باستان / تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع)

شهریار (ایهام) در دو معنا قابل قبول است: ۱- پادشاه ۲- شاعر / بهرشناس ایرانی / مصراع دوم را شهریار از سایه (هوشنگ ابتهاج) تضمین کرده است.

بیت «ب»: افتان و خیزان بودن غبار و نیز خاموش و حیران بودن نگاه «تشخیص و استعاره مکنیه» دارد.

چون کلمات د و مصراع همگی دوبه‌دو داری سجع متوازن هستند؛ پس موازنه نبر به کار رفته است.

افتان و خیزان تضاد دارد.

موازنه بیت «ب»:

گهی	افتان	و	خیزان	چون	عجری	در	بیابانی
گهی	خاموش	و	حیران	چون	نگاهی	بر	نظر گاهی

بیت «ه»: اندوختن مهر استعاره مکنیه دارد.

موازنه: تقابل سجع های متوازن و متوازی

تضاد: عشق و هوس

موازنه بیت «ه»:

هر که	جز	مهر	تو	اندوخت	هوس	بود	هوس
آن که	جز	عشق	تو	ورزید	هوا	بود	هوا

پرسی سایر گزینه‌ها:



در بیت شماره «د» چون «سقف» و «کنار» موازنه ندارند، پس سایر گزینه‌ها به راحتی رد می‌شوند.



موازنه:



موازنه هماهنگی تمام جفت‌واژه‌های متناظر دو مصراع با سجع متوازن یا ترکیبی از سجع متوازی و متوازن است. به نمونه‌های زیر از کنکور سراسری دقت کنید:

صیاد	من	آن	است	که	نخجیر	تو	گردد
سلطان	من	آن	است	که	هندوی	تو	باشد (انسانی ۹۲ داخل)
سر	برای	تو	که	هم	دردی	و	هم درمانی
جان	فدای	تو	که	هم	زهری	و	هم تریاقی (انسانی ۹۵ خارج)

ابیات زیر دارای موازنه نیست:

در	بزم	ز	رخسار	دو	صد	شمع	برافروز
ور	لعل	شکر بار	می	و	نقل	فروریز	
بگفت	از	سور	کم‌تر	گوی	با	مور	
که	موران	را	قناعت	خوش‌تر	از	سور	

۳۶

بررسی موارد:



بیت (الف): اشک زیاد شاعر زمین را گل کرده و به این خاطر پای شاعر در گل فرورفته! = اغراق

اغراق:



تعریف: کوششی شاعرانه برای ارائه توصیفی متفاوت از یک پدیده که به شکلی افراطی ویژگی آن را بزرگ‌شده یا کوچک‌شده مطرح کند. در این کوشش، شاعر تلاش می‌کند وضعیتی عادی و هنجاری را به شکلی افراطی نشان دهد به گونه‌ای که دیگر عادی، هنجاری و ممکن به نظر نرسد. ریشه تمام اغراق‌ها در یک وضعیت عادی است که تا سر حد ناممکن بالا برده شده است.

اغراق در ادبیات حماسی: در باطن یک اثر حماسی، که جهان شاهان بزرگ و پهلوانان نامدار و جنگ‌های جهانگیر است، اغراق وجود دارد. بنابر این، بسیاری از ابیات حماسی، آن‌جا که وضعیتی یا پدیده‌ای یا انسانی را به شکلی بزرگ‌نماییانه توصیف می‌کنند، اغراق دارند. خرق عادت و اغراق یکسان نیستند؛ خرق عادت یک ویژگی حماسه است که برای اشاره به پدیده‌های غیرعادی به کار می‌رود، پدیده‌هایی که هیچ حالت عادی و هنجاری ندارند. برای مثال، سیمرغ یا رویین‌تنی یا عمر هزارساله زال مصادیق «خرق عادت» هستند، نه اغراق.

اغراق در ادبیات غنایی: بازتاب عشق و عاشقی در ادبیات همواره با نگاهی شاعرانه و اغراق آمیز همراه است. معشوق زیبارو است، اما فقط زیبا نیست؛ بلکه آن‌قدر زیباست که آدمی از دیدنش حیرت می‌کند و دندان می‌گردد؛ طبیعت و مظاهر آن، گل‌ها و درختان رعدا، در برابرش سرخ می‌شوند؛ جهانی تک‌به‌تک بر او عاشق می‌شوند. این نگاهی اغراق آمیز است. عشق دشوار است اما در ادبیات ما، چنانکه است و رنج آن مانند کوه بر دل آدمی سنگینی می‌کند؛ طاقت‌فرساست و انسان را به جنون می‌گشاید. عاشق در فراق غمگین است اما بازتاب غم عاشق در ادبیات به شکل اشکی خونین و گریه‌ای سیلاب‌آسا و آهی آتشگون و... دیده می‌دهد که همه شامل اغراق می‌شود.

الگویابی اغراق که آرایه‌ای بسیار مفهومی و ظریف است، و البته می‌تواند مناقشه‌برانگیز هم باشد، دشوار است. با توجه به ابیات اغراق آمیز کنکور سراسری از سال ۹۲ تا به امروز، قطب‌نمای زیر را می‌توان پیشنهاد کرد که فقط ذهن شما را آماده‌تر کند:

قطب‌نما: الگوهای رایج اغراق



۱) همانندی: گاهی اوقات، رابطه میان مشبه و مشبه‌به به قدری رابطه نابرابری است که قطعاً اغراق به شمار می‌آید. این تشبیه گاهی اضافی است، مانند «کوه غم» و گاهی اسنادی است مانند «اشک من خون شد» که گریستن را به حدی غیرعادی و غیرمعمول، خونین، بالا برده است. گاهی نیز تفصیلی است که پدیده‌ای معمولاً فروتر و عادی‌تر که باید «مشبه» باشد، از آن‌چه معمولاً «مشبه‌به» هست، برتر دانسته می‌شود. (البته تاکید می‌گردد که در تشبیه به دنبال اغراق نباشید زیرا ذات تشبیه با اغراق و بزرگ‌نمایی همراه است.)

تفصیلی:

چنان از شرم زلفش آب شد در چشمه‌ها سنبل	که نتوان امتیاز از موج کردن زلف سنبل را (انسانی ۹۵ خارج)
آب از گل رخساره او عکس پذیرفت	و آتش به سر غنچه گلنار برآمد (انسانی ۹۲ خارج)
به حجاب اندرون شود خورشید	چون تو گیری از آن دو لاله حجب (انسانی ۹۷ خارج)
یعقوب چو چشمش به تو زیبا پسر افتد	اول نظرش یوسف مصر از نظر افتد (انسانی ۹۸ خارج نظام قدیم)

اضافی:

جوی خون می‌رود از چشمه چشم بر خاک	بر سرم بین که ز دست تو چه‌ها می‌آید (انسانی ۹۶ داخل)
دور از رخ تو دهم‌دم از گوشه چشم	سیلاب سرشک آمد و طوفان بلا رفت (انسانی ۹۴ داخل)
پوشیده:	
ای قیامت ز قیامت تو نشانی، برخیز	که به جان در طلب قامت دلجوی توام (انسانی ۹۷ داخل)
چون توانم رستن از این سیل بنیان‌کن؟ که دایم	دیده بارد اشک سویی، دل فشانم خون ز یک سو؟ (انسانی ۹۲ خارج)



(۲) فاعلی که کنشی فوق‌العاده از آن سر می‌زند:
گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی
شد شوق من به الفت لیلی یک هزار
بهاری کر دو رخسارش همی شمس و قمر خیزد
ز آب دیده من فرش خاک تر می‌شد

(۳) مجاز مکانی:

برخی واژه‌هایی که به معنی یک مکان‌اند، مثل «دشت، صحرا، جهان، عالم، دنیا، شهر و...» گاهی در معنی مجازی به‌عنوان «ساکنان» آن مکان‌ها به کار می‌رود.

شکرت شور جهانی و جهانی مشتاق عالمی تشنه و عالم همه پر آب زلال

ابیات زیر از کنکورهای اخیر نمونه‌هایی از اغراق هستند:

به خون لعل فرورفت کوه سنگین دل چو در محبت شیرین هلاک شد فرهاد (خارج ۹۸)
یعقوب چو چشمش به تو زیبا پسر افتد اول نظرش یوسف مصر از نظر افتد (خارج ۹۸)
گر تو خواهی که یکی را سخن تلخ بگویی سخن تلخ نباشد چو برآید به دهانت (خارج ۹۸)
شد شوق من به الفت لیلی یک هزار هر وحشی که با من دیوانه رام شد (داخل ۹۹)
بهاری کر دو رخسارش همی شمس و قمر خیزد نگاری کر دو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد (خارج ۱۴۰۰)
ز آب دیده من فرش خاک تر می‌شد ز بانگ ناله من گوش چرخ کر می‌گشت (خارج ۱۴۰۱)
چو ابر زلف تو پیرامن قمر می‌گشت ز ابر دیده کنارم به اشک تر می‌گشت (خارج ۱۴۰۱)

بیت «ب»: روی (لف ۱)، موی (لف ۲)، غم (نشر ۱)، ظلمت (نشر ۲)

بیت «ج»: ترک در دو معنا قابل پذیرش است: ۱- رها کردن ۲- نوعی کلاه

بیت «د»: بین تمام کلمات دو مصراع سجع متوازن وجود دارد = موازنه

هم	فتنه	مردم	شدی	از نرگس	پرفن
هم	عقده	مردم	زدی	از سنبل	پرخم

۴۳۷

پایه تشریحی

وجه شبه در مصراع نخست، «جلوه‌گری» و در مصراع دوم، «پرده‌دری» است.

در مصراع نخست؛ روی تو (مشبه) چون (ادات تشبیه) نوبهار (مشبه‌به) جلوه‌گری (وجه شبه) است. در مصراع دوم؛ زلف تو (مشبه) چون (ادات تشبیه) روزگار (مشبه‌به) پرده‌دری (وجه شبه) است.

واژه‌های قافیه: جلوه‌گری - پرده‌دری حرف روی: «ر» / حرف یا حروف الحاقی: «ی»

حرف یا حروف اصلی: «ر» - حروف قافیه: «ر» - «ی» قاعده قافیه: «۲»

وجه شبه:

تعریف: ویژگی یا صفت مشترک میان مشبه و مشبه‌به که در مشبه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است.

شناسایی وجه شبه: از آن‌جا که وجه شبه به آن نقطه اشتراک بین دو پدیده موردنظر اطلاق می‌شود و «دلیل» برقراری شباهت بین دو پیوند است، برای یافتن آن، چنین سؤالی را مطرح می‌کنیم: «چرا [مشبه] مانند [مشبه‌به] دانسته شده‌است؟» یا «برای توصیف کدام ویژگی [مشبه]، از [مشبه‌به] استفاده شده‌است؟».

به نمونه زیر دقت کنید:

«دانا چو طبله عطار است؛ خاموش و هنرنمای»

- چرا «دانا» مانند «طبله عطار» دانسته شده‌است؟

- برای توصیف کدام ویژگی «دانا» از «طبله عطار» استفاده شده‌است؟

پاسخ یکسان است: سعدی «دانا» را مانند «طبله عطار» دانسته‌است زیرا می‌خواسته ویژگی «خاموش‌بودن» و «هنرنمای‌بودن» را در آن نشان بدهد.

وجه شبه می‌تواند نقش‌های متفاوتی در جمله داشته باشد؛ گاهی «صفت» است (اما نه همواره یا لزوماً)، گاهی «فعل»، گاهی یک «جمله وابسته» است، و گاهی نقش‌های متفاوتی مثل «مسند و متقمم» می‌گیرد.

هر صفتی یا ویژگی‌ای که برای مشبه‌به ذکر شده باشد، لزوماً وجه شبه آن تشبیه نیست.



بررسی مولارد:

بیت «ج»: واژه‌های قافیه: واژه‌های «ایدر - گر» و «اراسته - خواسته» با یکدیگر هم قافیه هستند و بیت ذوقافیتین است.
بیت «ب»: واژه‌های قافیه: «گلگونش - میگونش» است. «گون» پسوند است و تکرار شده؛ بنابراین الحاقی است و نمی‌تواند اساس قافیه قرار گیرد.
 حروف اصلی در واژه گلگونش «ل» و در واژه میگونش «ی» است؛ بنابراین به علت اختلاف در حروف اصلی، قافیه نادرست است. «گونش» در دو قافیه، الحاقی است.

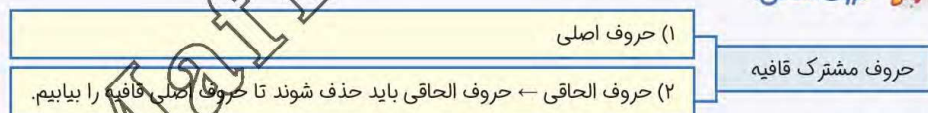
بررسی سایر ابیات:

بیت «الف»: واژه‌های قافیه: دست - مست / حرف روی: «ت» / حرف یا حروف الحاقی ندارد.
 حرف یا حروف اصلی: - ست / حروف قافیه: - ست / قاعده قافیه: ۲
بیت «د»: واژه‌های قافیه: نافهمیدگان - نادیدگان / حرف روی: «د» / حرف یا حروف الحاقی: گان
 حرف یا حروف اصلی: «ید» / حروف قافیه: «یدگان» / قاعده قافیه: ۲

قواعد قافیه:



حروف الحاقی:



حروف الحاقی:

- (۱) شناسه‌ها ← سوختم - دوختم (وخت: اصلی، -م: الحاقی)
- (۲) ضمائر متصل ← یارش - مارش (ار: اصلی، -ش: الحاقی)
- (۳) پسوندها ← سران - دران (ر: اصلی، -ن: الحاقی)
- (۴) مخفف صیغه‌های زمان حال ← خوبی؟ - مطلوبی؟ (وب: اصلی، -ی: الحاقی)
- (۵) «ن» مصدری ← خوردن - بردن (رُد: اصلی، -ن: الحاقی)
- (۶) «ی» ای که به کلمات مختوم به «و» / «ا» می‌چسبد ← بوی - جوی (او: اصلی، -ی: الحاقی)
- (۷) مصوت «ی» پایان کلمات قافیه همواره جزء حروف الحاقی است ← علی - منجلی (ل: اصلی، -ی: الحاقی)
- (۸) های بیان حرکت آخر کلمه قافیه ← خنده - بنده (نَد: اصلی، -ه: الحاقی)

پایان کلاس و خوشی:

وزن شعر: (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن = مستفعّلن مفعّل مستفعّلن فعل
 از زخم تا ستاره عروچی دوباره بود)

بود	ر	با	د	جی	رو	ع	ر	تا	س	تا	زخم	عز
U-	U	-	U	-	-	U	U	-	-	-	U	-

پاسخ تشریحی:

وزن بیت: (ناهمسان: مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن - - U/ U - - U/ U - - U/ U - -)

همسان: (مستفعل^۱ مستفعل^۲ مستفعل^۳ مستف^۴ - / UU - - / UU - - / UU - -)

«از پای فتادیم چو آمد غم هجران در درد بمر دیم چو از دست شفا رفت»

عَزَّ	پای	فُ	تا	دیم		چُ	ءَا	مَدَ	غَ	م	هِج	رائز
-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
ذَر	دَرَد	بِ	مُر	دیم		چُ	عَزَّ	دست		شَ	فا	رَفَت
-	-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مفعولُ			مفاعیلُ			مفاعیلُ			فعلون			
مستفعلُ			مستفعلُ			مستفعلُ			مستفعلُ			

پیررسى ساير گرینه‌ها:

وزن شعر: (مفعول، فاعلاتن، // مفعول، فاعلاتن) -- U - / U - - // - - U - / U - -

مستفعلن فاعولن // مستفعلن فاعولن (- U / - U - - // - - U / - U - -) بیت، دو وزنی و دولختی است.

وزن بیت: (مفعول مفاعیلن فاعولن) - / - U - U / U - -

مستفعل، فاعلاتٌ مُستف (U U - / - U - U -) بیت، دو وزن، است اما هر دو وزن آن ناهمسان است.

وزن شعر: (مفعول فاعلات مفاعيل فاعلن
- U - /U - - U / U - U - /U - -

مستفعّل مفعّل مستفعّل فعل

بیت، دو وزنی است اما هر دو وزن آن ناهمسان است.

اوزان دارای دو دسته بندی هجایی:

مهم‌ترین اوزانی که به دو گونه دسته‌بندی هجایی می‌شوند (در دو وزن جای می‌گیرند):

مستفعل مستفعل مستفعل ← مفعول مفاعيل مفاعيل فاعولن

مستفعل مستفعل مستفعل فاع ← مفعول مفاعيل مفاعيل فعل

مستفعل فاعلات مستفعل فع ← مفعول مفاعِلن مفاعيل فعل

مستفعل فاعلات مستفعل ← مفعول مفاعِلن مفاعِلين

مستفعل فاعلات فعلن ← مفعول مفاعِلن فعولن

مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل ← مفعول فاعلات مفاعيل فاعلن

مستفعلن فعولن مستفعلن فعولن ← مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن

مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن ← مفعول مفاعيلن مفعول مفاعيلن

مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل ← مفعول فاعلات مفاعيل فاعلن

مستفعلن مفاعل مفعولن ← مفعول فاعلات مفاعيلن

بررسی موارد:

«الف»: ہر لب کہ ہے آہی بود کم از لب چاہی بود (مستفعلن مستفعلن مستفعلن - جز مثنیٰ سالم)

«ب»: هر جا که فتنه‌ای است در ادوات جا گرفت (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلین // مستفعِلین مفاعل مُستفعِلین فعل)

(ج): دارم دلی کہ ہرگز نشکستہ خاطری را (مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن - دوری)

«د»: چه قیامت است حانا که به عاشقان نمودی (فعلاتُ فاعلاتن // فعلاتُ فاعلاتن - دوری)

(۵): جانا کجا داری خبر از اشک بی آرام ما (مستفعلن مستفعلن مستفعلن - مستفعلن - ج: مثنیٰ سالم)



اوزان پرکاربرد همسان دولفتی (دوری):

مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن ← مستفعلن فَعولن مستفعلن فَعولن
مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن
مفاعِلن فَعلاتن مفاعِلن فَعلاتن
مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن ← مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن
مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن
فَعلات فاعلاتن فَعلات فاعلاتن
فاعلن مفاعیلن فاعلن مفاعیلن ← فَعلات مفعولن فَعلات مفعولن

۲ ۴۲

پاسخ تشریحی:

پاسخ به ترتیب گزینه های سوال:

«د»: رمل، وزن بیت: (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلن - U - / - - U - / - - U -

«ه»: متقارب، وزن بیت: (فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن - U - / - - U - / - - U -

«الف»: هزج، وزن بیت: (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن - U - / - - U - / - - U -

وزن گزینه «ب» مفعول مفاعِلن مفاعِلن (= مستفعل فَعلات مستفعل) است که نام بحر آن در کتاب های درسی ذکر نشده است.

وزن گزینه «ج» مفاعِلن فَعلاتن مفاعِلن فَعلاتن است که نام بحر آن در کتاب های درسی ذکر نشده است.

نام بحر ها:

در عروض سنتی برای هر وزنی نامی نهاده اند. هر چند شاید لزوم آن خیلی حس نشود و در کتاب درسی نیز خیلی کارآمد برای دانش آموزان نباشد، اما به هر حال باید این اسامی را یاد بگیرد. اصلاً نگران نباشید، بسیار ساده هستند.

برای نام گذاری بحر هر شعر، بیت واحد سنجش است. اگر هر بیت از هشت رکن تشکیل شده باشد، آن را «مثنی» و اگر از شش رکن تشکیل شده باشد، آن را «مسدس» و اگر از چهار رکن تشکیل شده باشد، آن را «مربع» می نامند.

۱ رکن (۴ رکن در هر مصرع) ← مثنی

۲ رکن (۳ رکن در هر مصرع) ← مسدس

۳ رکن (۲ رکن در هر مصرع) ← مربع

نام وزن ها:

فاعلاتن ← رمل

مفاعیلن ← هزج

سالم یا محذوف بودن:

اگر شاعر رکن آخر هر مصرع را مثل دیگر رکن ها آورد، آن «سالم» است، ولی اگر یک هجا یا بیشتر از آن «محذوف» است. برای مثال:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن ← رمل مثنی سالم

۴ رکن در هر مصرع ← در هر بیت ۱ رکن ← مثنی

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ← رمل مثنی محذوف

۳ ۴۳

پاسخ تشریحی:

وزن بیت: (مفاعِلن فَعلاتن مفاعِلن فَعلاتن - U U / - U - U / - - U U / - U - U

«بسوختیم ز بیداد چرخ و خواهد سوخت کسی که علم فراموش کرد و جهل آموخت»

ب	سو	خ	تی	م	ز	بی	دا	د	چَر	خُ	خا	هَد	سوخت
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	UU	U-
ک	سی	ک	عِل	م	فَ	را	مو	ش	کَر	دُ	جَه	لا	موخت
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	-	UU	U-
مفاعِلن			فَعلاتن			مفاعِلن			فَعلاتن			فَعِلن (فَعِلن)	



توجه:

وزن اصلی بیت، «مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن» است که با اختیار وزنی «ابدال» در رکن پایانی هر دو مصراع، فعلن به فعلن تبدیل شده است. هجای پایانی هر دو مصراع نیز با توجه به اختیار وزنی به جای کشیده، بلند در نظر گرفته شده است.

پرسی سائر گزینه‌ها:

در رکن اول مصراع اول به جای فاعلاتن از فاعلاتن استفاده شده است اما ابدال نداریم.

دَس	تِ	ما	را	بِ	بَسْت	نِ	رو	یِ	عِشَق
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U-
کِ	زِ	مَن	دا	زِ	پا	بُ	رَوَک	نَ	هیم
U	U	-	-	U	-	U	U	U	U-
فاعلاتن			مفاعیلن			فعلن			

در رکن دوم مصراع دوم قلب به کار رفته و «فاعلات» به جای «مستفعل» آمده است. کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند به کار نرفته است.

عَن	قا	بِ	شُ	قَر	ر	هَ	ما	ییش	بِ	ماند
-	-	U	U	-	U	U	-	U	U	U-
زِ	بَن	دِ	یِ	تِ	پا	دِ	شا	ییش	بِ	ماند
-	-	U	U	-	U	-	-	U	U	U-
مستفعل			فاعلات			مستفعل			فع	

بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در مصراع اول در هجاهای سوم، دهم و چهاردهم و نیز دهم و دوازدهم مصراع دوم. اختیار حذف همزه به کار نرفته است.

م	یا	ن	جَم	ع	بَن	گَر	ءان	سَ	ر	زَل	بِ	ری	شاعِر	را
U	-	U	-	U	-	-	-	U	-	U	U	-	-	-
ءَ	گَر	خا	هی	بِ	دا	نی	صو	رَ	تِ	حا	بِ	ری	شاعِر	را
U	-	-	-	U	-	-	-	U	U	-	U	-	-	-
مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن				مفاعیلن		

اختیارهای زبانی:



در سه حالت مصوت کوتاه را می‌توان بلند در نظر گرفت:



نه من خام طمع عشق تو می‌ورزم و بس - U U / - - U U / - - U U که چو من سوخته در خیل تو بسیاری هست ٢ - - / - - U U / - - U U / - - U U	کسرۀ اضافه	تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند
جام می و خون دل هر یک به کسی دادند ٢ - - - U / U - - / - - - U / U - - در دایرۀ قسمت اوضاع چنین باشد - - - U / U - - / - - - U / U - -		
به نام خداوند جان و خرد - U / - - U / - - U / - - U کرین برتر اندیشه برنگذرد - U / - - U / - - U / - - U	«و» (ضمه) عطف یا ربط عطف	
برید و درید و شکست و بیست ٢ - U / - - U / - - U / - - U یلان را سر و سینه و پا و دست ٢ - U / - - U / - - U / - - U		
ای که دستت می‌رسد کاری بکن - U / - - U / - - U / - - U پیش از آن کر تو نباید هیچ کار - U / - - U / - - U / - - U	مصوت کوتاه پایان کلمه	
نه سبو پیدا در این حالت نه آب ٢ - U / - - U / - - U / - - U خوش بین والله اعلم بالصواب ٢ - U / - - U / - - U / - - U	- هاء غیر ملفوظ - کلماتی مثل «تو»، «چو»، «نه»، «و»...	تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه
دل روشن من چو برگشت از اوی ٢ - U / - - U / - - U / - - U سوی تخت شاه جهان کرد روی ٢ - U / - - U / - - U / - - U	کلمۀ مختوم به /و/	
کنون باز گردم به آغاز کار U - U - - U - - U - - U سوی نامۀ نامور شهر بار U - U - - U - - U - - U	شرط بسیار مهم: بعد از مصوت /او/ یا /ای/ مصوتی دیگر با /ی/ میانجی آمده باشد.	
الا ای آهوی وحشی کجایی - - U - - - U - - - U مرا با توست چندین آشنایی - - U - - - U - - - U		
/ای/ /ای/ راستی آموز بسی جوفروش U - U - - U U - - U U - - هست در این شهر که گندمنماست U - U - - U U - - U U -	کلمۀ مختوم به /ی/	
دل من همی داد گفתי گواهی - - U / - - U / - - U / - - U که باشد مرا روزی از تو جدایی - - U / - - U / - - U / - - U		

گاه همزه‌ای در میان یک کلمۀ مرکب یا میان دو کلمه تلفظ نمی‌شود:

در آن حال پیش آمدم دوستی - U / - - U / - - U / - - U کرو مانده بر استخوان پوستی - U / - - U / - - U / - - U	حذف همزه
جوانی باز می‌آرد به یادم - - U / - - - U / - - - U سماع جنگ و دست‌افشان ساقی - - U / - - - U / - - - U	



گاه حذف همزه و حذف نکردن آن تفاوتی در تقطیع بیت ایجاد نمی‌کند؛ مثلاً وقتی که همزه بعد از نون ساکن بعد از مصوت بلند آمده باشد یا در برخی وزن‌های دوری.

ف ۴۴

پاسخ تشریحی:

وزن بیت: (مفتعلن مفاعیلن // مفتعلن مفاعیلن - U - U // - U - U / - U U - U - U)

خاطر خاقانی از آن کعبه‌شناس شد که او / در حرم خدایگان کرد به جان مجاوری

خا	ط	ر	خا	قا	نی	ء	زاهر	کع	ب	ش	ناس	شد	ک	و
-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-
در	ح	ر	م	خ	دای	گانه	کرد	ب	جانه	م	جا	و	ری	-
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	U	-	-
مفتعلن				مفاعیلن				مفتعلن				مفاعیلن		

با استفاده از اختیار زبانی تبدیل مصوت بلند به کوتاه، هجای دوم رکن دوم مصراع نخست در وزن «مفتعلن» سروده شد و با جابه‌جایی هجای اول و دوم (قلب) این وزن به «مفاعیلن» تبدیل شده است؛ وزن اصلی شعر در مصراع دوم کاملاً مشهود است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

تبدیل مصوت کوتاه به بلند: در پایان واژه «کهن» در هجای دوازدهم مصراع دوم / قلب ندارد.

سا	ل	نو	وست	سا	ق	یا	نو	ب	ر	سا	ل	ما	ت	بی
-	U	U	-	U	-	U	U	U	U	-	U	-	U	-
می	ک	د	هی	س	سا	ل	ده	ک	ه	ن	ت	نو	ب	ری
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-
مفتعلن				مفاعیلن				مفتعلن				مفاعیلن		

تبدیل مصوت کوتاه به بلند: در پایان واژه «حرم» در هجای دوازدهم مصراع اول و نیز پایان «سبح» در هجای چهارم مصراع دوم / قلب ندارد.

ه	ح	ر	م	ت	بی	ر	م	ک	عز	ت	م	ح	ر	واژه
-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
چن	س	خ	ن	ن	کت	سج	ر	ح	ل	خس	ر	ط	ری	-
-	U	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	U	-
مفتعلن				مفاعیلن				مفتعلن				مفاعیلن		

اختیارات وزنی:

اختیارات	(۱) بلند بودن هجای پایانی
	(۲) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن
	(۳) ابدال
	(۴) قلب

(۱) بلند بودن هجای پایانی: هجای پایانی هر مصراع و یا در اوزان دوری هر نیم‌مصراع «همیشه» باید بلند باشد، پس در تقطیع همیشه آن را بلند به حساب می‌آوریم.

U ← -
- ← U -



نکته: گاهی هجای آخر مصراع یا نیم‌مصراع کشیده است (U-); لازم است کل هجای کشیده را بلند در نظر بگیریم و نه فقط بخش کوتاه آن را. U- ← -

(۲) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن:

در اوزانی که با «فعلاتن» آغاز می‌شود، شاعر می‌تواند به جای «فعلاتن»، «فاعلاتن» بیاورد.

فقط در ۴ وزن زیر ممکن است:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

دقت کنید که عکس این اختیار صادق نیست، یعنی نمی‌توان به جای فاعلاتن، فعلاتن آورد.

(۳) ابدال: شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه (UU)، یک هجای بلند بیاورد. UU ← -

این اختیار در رکن‌های زیر قابل اجراست:

فعلاتن ← مفعولن مفتعلن ← مفعولن مستفعل ← مفعولن

مفاعیل ← فاعولن فعلات ← مفعول فعلن ← فعلن

(۴) قلب: شاعر می‌تواند «-U» را به جای «U-» و برعکس به کار ببرد. این اختیار بیشتر در دو رکن «مفاعیل» و «مفتعلن» رخ می‌دهد.

کیست که پیغام من به شهر شروان برد یک خبر از من بدان مرد سخندان برد

مفتعلن فاعلن مفاعیلن فاعلن مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن

قلب در رباعی:

در رباعی اگر «مستفعل» به «فعلات» تبدیل شود اختیار قلب رخ می‌دهد.

مستفعل ← فاعلاتن
UU - - U - U -
قلب

۱۴۵

پایه‌های تشخیصی:

حروف روی در دو قافیه (پر - دگر)، «ر» است، ولی بیت اختیار وزنی ندارد.

پایه‌های سلاطین و گزینان:

(۲) در ابیات مورد سؤال، شاعر به ماندن در کوی دوست و وفاداری به اسبش می‌گوید ولی در بیت این گزینه، شاعر تأکید می‌کند که اگر از کوی یار دل بکند، میل و مجال بازگشت نیست.

(۳) قالب اشعار قطعه است که قالب مورد علاقه و استقبال ابن‌یمین و قالبی مناسب برای بیان مفاهیم اخلاقی است.

(۴) وزن ابیات: (مفعول مفاعیل مفاعیل فاعولن -U/ U - - U/ U - - U/ U - -

مستفعل مستفعل مستفعل مستف -/ UU - -/ UU - -/ UU - -

از گوشه بامت سر پرواز ندارم ای کاش که مرغ دلم از بال و بر افتد

دانی که به یک زخم چرا جان نسپارم خواهم که سروکار به زخم دگر افتد

عَزَّ	گو	شِ	یِ	با	مَت	سَ	رَ	پَر	وا	ز	نَ	دا	رَم
عِی	کا	شِ	کِ	مُر	غ	دِ	لَ	مَز	با	لَ	پَ	رَف	تَد
دا	نی	کِ	بِ	یک	زَخ	م	چَ	را	جان	نَ	سِ	پا	رَم
خا	هَم	کِ	سَ	رُ	کا	ر	بِ	زَخ	م	دِ	گَ	رُف	تَد
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-
مفعول				مفاعیل				مفاعیل				فاعولن	
مستفعل				مستفعل				مستفعل				مستف	

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اختیارات زبانی (حذف همزه و تغییر مصوت کوتاه به بلند) در این دو بیت یافت می‌شود.



پاسخ تشریحی:

بیت صورت سوال و بیت گزینه «۲» بر این مفهوم و تأکید دارند که تا وقتی ذهن انسان گرفتار و درگیر باشد نمی تواند مضامین خوب و عالی خلق کند.

بررسی سایر گزینه ها:

۱ ای حافظ! از زودرنجی معشوق بترس و این قدر در درگاه یار ناله و شکوه نکن.

۳ هیچ کس این قلم و اندیشه ای که من دارم ندارد (نوعی مفاخره).

مفاخره (تفاخر) و خودستایی:

آن نوع از «مدح» و ستایش که درباره خود شاعر باشد، مفاخره نام دارد. در این نوع ادبی، شاعر یا نویسنده به بیان فضایل و برتری های خودش در یک یا چند موضوع می پردازد؛ رایج ترین شکل مفاخره برای شاعران، آن است که شاعری خود را از دیگران فراتر و برتر بداند. این برتری معمولاً در بن مایه ها و مضامین کلیشه ای بیان می شود؛ مثلاً اینکه «سخن» یا «شاعری» مانند «قلمرو» یا «فلک» شاعر است که بر آن فرمانروایی می کند. گاهی شاعر به مقایسه زیبایی معشوق و زیبایی سخن خود (بر حدیث من و حسن تو نیفزاید کس / حد همین است سخندانی و زیبایی را) می پردازد. سخن می تواند دارای خصایص و ویژگی های خارق العاده ای توصیف شود؛ شفاف بخش و روح افزا باشد، یا هر چند ده ای را به نشاط بیاورد (در آسمان نه عجب، گر به گفته حافظ / سرود زهره به رقص آورد مسیحا را).

۴ خیلی وقت است که شعر خوب نسروده ام

پاسخ تشریحی:

مفهوم مشترک بیت صورت سوال و بیت گزینه «۴»: عاشق شدن و ترک وطن نمودن.

گزینه ۴: دل بی حفاظ من (= دل بی شرم من) در چین طره تو (= حم های زلف تو) هرگز نگفت [که] مسکن مالوف (= خانه ای که با آن الفت گرفته، یعنی تن عاشق) یاد باد! ← دلی که عاشق شود از عاشق می رمد، و ترک وطن می کند.

بررسی سایر گزینه ها:

۱ ای دل مسکین من، در چین و شکن زلف یار چگونه ای؟ زیرا باد صبا حال تو را نشناخت و پیریشان بیان نموده است.

۲ دلم که به چین زلف تو کوچ کرده است خدایا در آن شام غریبان (زلف سیاه یار) در چه وضعی است؟

۳ دل من نیز که در زلف یار خانه کرده است همراه با یار کوچیده است.

پاسخ تشریحی:

مفهوم بیت صورت سوال طلوع دل انگیز خورشید است؛ «محبوبه نیلگون عماری» کنایه از خورشید است و «گره از زلف زرتار گشودن» او کنایه از طلوع کردن و پرتوافشانی نور زرین خورشید. مفهوم مقابل آن در بیت گزینه «۱» مشهود است.

معنی بیت گزینه «۱»: دوش (= دیشب) وقتی سلطان چرخ (= پادشاه آسمان) به مغرب، عنان تافت، از سیر شهاب، روی هوا پر سنان گشت. ← وقتی خورشید غروب کرد، از طلوع پر تعداد ستارگان آسمان پر از نیزه به نظر می رسید.

بررسی سایر گزینه ها:

۲ هزاران ستاره غروب کرد تا خورشید طلوع کرد.

۳ هنگامی که خورشید طلوع کرد، روشنایی روز سیاهی شب را از بین برد.

۴ هر روز صبح چهره معشوق مثل خورشید زیبا نمایان می گردد (که ارتباطی با طلوع خورشید ندارد، و این تصویر دست مایه توصیف معشوق شده است).



یکی از انواع سؤالات قرابت معنایی که در کنکورهای اخیر مد نظر قرار گرفته، سؤالات تصویری است؛ در این گونه سؤالات، لازم است آشنایی خوبی با آرایه‌های بیانی داشته باشید تا بتوانید از پشت استعاره‌ها و کنایه‌های موجود در چنین ابیات، تصویری که ایجاد شده را تشخیص بدهید.

۲ ۴۹

پاسخ تشریحی:

مفهوم مشترک بیت صورت سوال و بیت گزینه «۲»: وقتی با یار باشی یا خیالش با تو باشد حتی زندان هم می‌تواند برایت مثل گلستان باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ دل (= انسان) آگاه [از بودن] در این غمکده (= دنیا)، خرم (= شاد) نمی‌شود. [همان‌طور که] یوسف آن نیست که در گوشه زندان بخندد.
 ۲ گرچه عمری شد (= گذشت) که چون یوسف به زندان مانده‌ام، هیچ‌کس از عزیزان برای من خوابی ندید (= کنایه از اینکه کسی به فکر من نیست).
 ۳ عشق هیچ‌گاه حسن و زیبایی را فراموش نمی‌کند حتی اگر حُسن در جایی باشد که دیده نشود.

۳ ۵۰

پاسخ تشریحی:

مفهوم مشترک بیت صورت سوال و بیت گزینه «۳»: هر چه از یار رسد نیکوست حتی اگر تلخ و گزنده باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

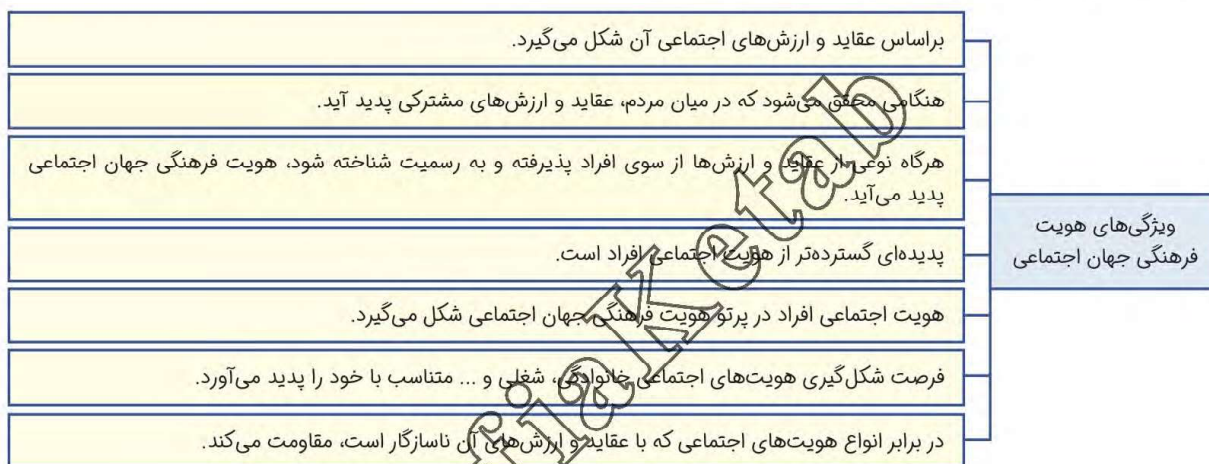
۱ انسان عبوس و بداخلاق راحت‌تر از یاران نیکوسرشت و خوش‌برخوردترزش می‌کند.
 ۲ کسی که او را از میان زهرماران (= از میان سختی‌ها و عذاب) به‌سوی قند (= شیرین و شادمانی) برند، قطعاً لذت می‌برد.
 ۳ از آن جمله تلخی (= سختی و عذاب) که بر من گذشته (= تجربه کرده‌ام)، تا امروز دهانم شیرین نگشت (= احساس خوشی نکرده‌ام).



بررسی همه گزینه‌ها:

- ۱ نادرست (هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد). - درست - درست
- ۲ درست - درست - نادرست (جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان درباره ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند).
- ۳ درست - درست - درست
- ۴ درست - نادرست (برخی ویژگی‌های هویتی مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی و ... تغییر می‌کند). - درست

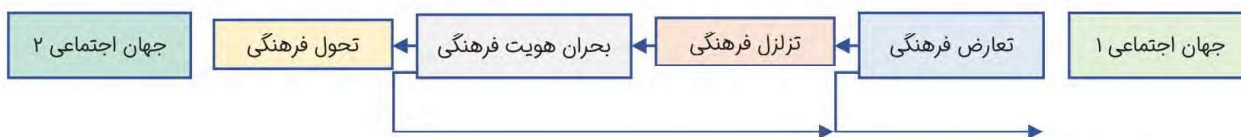
برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جهان اجتماعی که تابع دانایی، توانایی، دارایی و ... اوست ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند مانند زمان و مکان تولد و ... هر فردی در طول زندگی خود تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی، از بی‌سوادی، کم‌سواد، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند که همان شخصی است که همه آن تغییرات را سپری کرده است.



پاسخ تشریحی:

در عبارت داده‌شده، پشت کردن به آرمان‌های خود به تحولات هویتی مربوط است، مبهوت و رهبر این جهان اجتماعی شدن به خودباختگی فرهنگی اشاره دارد و از یاد بردن هویت خود مربوط به ازخودبیگانگی تاریخی است.

اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان‌های دیگر، بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن سرایت می‌کند و در صورتی که به‌مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می‌شود.



پاسخ تشریحی:

پیامدها	حالت‌های مختلف جامعه جهانی (بر اساس ویژگی‌های فرهنگ غالب)
انسجام جامعه جهانی	فرهنگ غالب ویژگی‌های مطلوب یک فرهنگ جهانی را داشته باشد (الف)
تقسیم جامعه جهانی به مرکز و پیرامون (ج)	فرهنگ سلطه
چالش بین فرهنگی و تمدنی (ب)	جامعه جهانی عرصه حضور فرهنگ‌های متفاوت باشد.

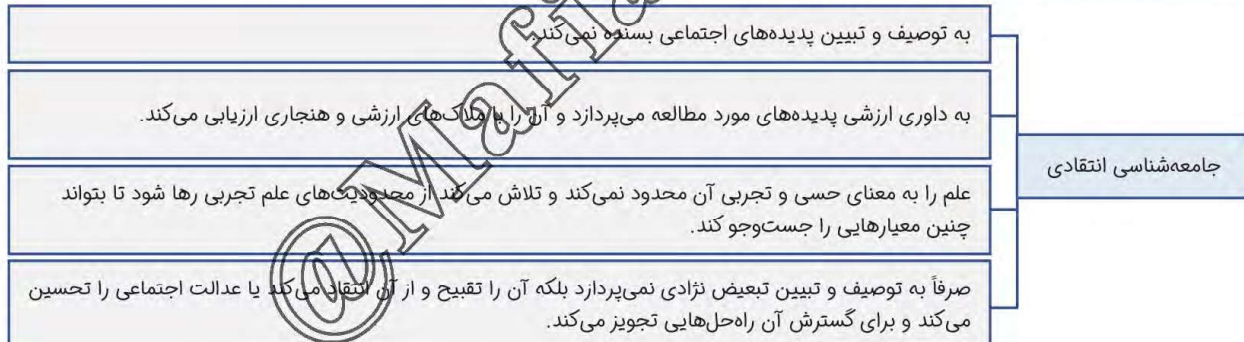


۴ ۵۴

بررسی موارد:

- در جامعه‌شناسی تبیینی بسیاری از کنش‌های هنری قابل توضیح نیستند.
- جامعه‌شناسی انتقادی صرفاً به توصیف و تبیین تبعیض نژادی در جوامع نمی‌پردازد بلکه آن را تقبیح و از آن انتقاد می‌کند.
- باور اینکه هرچه همبستگی میان افراد یک گروه بیشتر باشد، انحرافات اجتماعی در آن گروه کاهش می‌یابد، مربوط به رویکرد تبیینی است.
- در جامعه‌شناسی تفسیری، جامعه‌شناس می‌تواند برای مدتی با اعضای یک گروه سیاسی زندگی کند و از این راه، عقاید و ارزش‌های آن‌ها را بفهمد و تفسیر کند، اما نمی‌تواند درباره‌ی درست یا غلط بودن این عقاید و ارزش‌ها داوری کند.

به سبب اینکه بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند، کسانی که فقط روش‌های تجربی را معتبر می‌دانند، با انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی، مذهبی و دیگر اخلاق گریزی می‌شوند.



۲ ۵۵

بررسی همه‌گزینه‌ها:

- ۱ نادرست (قواعد اجتماعی، کنش‌های ما را برای یکدیگر قابل پیش‌بینی می‌کند). - درست
- ۲ درست - نادرست (علوم طبیعی، انسان را از محدودیت‌های طبیعی رها می‌سازد).
- ۳ درست - درست
- ۴ نادرست (علوم اجتماعی، زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف را از یکدیگر فراهم می‌کند). - نادرست (علوم انسانی، کنش‌های انسانی و پیامدهای آن را مطالعه می‌کند).



فواید علوم اجتماعی:



- دادن امکان پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی به انسان‌ها با شناخت پدیده‌های اجتماعی
- کشف نظم و قواعد جهان اجتماعی
- توضیح تأثیر اجتماعات بر زندگی ما
- فراهم ساختن زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر
- کمک به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها
- داشتن ظرفیت دآوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و نقد و اصلاح آن
- فراهم کردن فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح برای دانشمندان
- داشتن ظرفیت دآوری درباره علوم طبیعی و فناوری‌های حاصل از آن
- آگاهی دادن به انسان‌ها درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری
- کمک به انسان‌ها برای استفاده به شیوه صحیح از طبیعت و علوم طبیعی

فواید نظم اجتماعی

پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

باعث می‌شود شما بدانید چه توقعات و انتظاراتی می‌توانید از دیگران داشته باشید.

باعث می‌شود اتفاقات غیرمنتظره شما را از همکاری با دیگران باز ندارد.

۱۵۶

پاسخ تشریحی:

صورت سوال به موارد زیر تقسیم می‌شود:

- در رویکرد تبیینی، جامعه‌شناسی با شناخت نظم اجتماعی به انسان‌ها قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد.
- جامعه‌شناسی انتقادی تلاش می‌کند از محدودیت‌های علم تجربی بفرار کند.
- هیچ‌کدام از رویکردهای تبیینی و تفسیری نمی‌توانند ملاک و معیاری برای ارزیابی و دآوری علمی درباره قدرت و سیاست و ارزش‌های سیاسی پشت سر آن‌ها به دست آورند.

به دلیل اینکه رویکردهای تبیینی و تفسیری ملاک و معیاری برای ارزیابی و دآوری علمی درباره قدرت و سیاست ندارند؛ جامعه‌شناسان انتقادی معتقدند که این دو رویکرد محافظه‌کارند و نه تنها هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضعیت موجود ندارند بلکه انسان‌ها را در برابر وضعیت موجود، منفعل و مجبور می‌سازند.

جامعه‌شناسی تبیینی

با منحصر کردن علم به علوم تجربی، ارزش‌های انسانی را که تماماً مادی و محسوس نیستند، قابل مطالعه علمی نمی‌داند.

ناگزیر با معنزدایی و ارزش‌زدایی از سیاست و قدرت و فرو کاستن آن‌ها به پدیده‌های مادی و فاقد معنا، از شناخت واقعی آن‌ها باز می‌ماند.

مطالعه علمی ارزش‌های سیاسی

جامعه‌شناسی تفسیری

سیاست و قدرت را پدیده‌های معنادار و ارزشی می‌داند.

صرفاً به توصیف ارزش‌های سیاسی مختلف بسنده می‌کند.

نمی‌تواند برای مقایسه آن‌ها با یکدیگر و تشخیص درست از غلط یا خوب از بد، ملاک و معیاری به دست آورد.

به علت تمرکز رویکرد تفسیری بر ذهنیت‌ها، توان مطالعه و بررسی آن را ندارد.



۱ ۵۷

بررسی همه گزینه‌ها:

- ۱ درست - درست - درست
 ۲ درست - نادرست (تنوع فرهنگ‌ها به عقاید و ارزش‌های انسانی آن بازمی‌گردد). - نادرست (از نظر جامعه‌شناسان این کار درست نیست).
 ۳ درست - نادرست (در فرهنگ قرون وسطی شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد). - درست
 ۴ درست - درست - نادرست (مقایسه و ارزیابی فرهنگ و داوری عقلانی و عملی آن‌ها ممکن است).

گسترش جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن صورت می‌گیرد.	گسترش فرهنگ
هر عاملی که در گسترش فرهنگ و معانی آن مؤثر باشد، در بسط هویت جهان اجتماعی اثرگذار است.	
راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است.	
شناختن و عمل کردن صرفاً از عهده افراد و اعضای جهان اجتماعی برمی‌آید.	
اعضای جهان اجتماعی، کامل و عامل فرهنگ و معانی آن هستند.	
هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیش‌تر باشد، آن فرهنگ بسط بیش‌تری می‌یابد.	

۳ ۵۸

بررسی همه گزینه‌ها:

- ۱ درست - نادرست (دانش قلمرو تبیین و ارزش قلمرو تفسیر معرفی می‌شود). - درست
 ۲ درست - نادرست (جدایی دانش از ارزش مطرح می‌شود). - نادرست (کار جامعه‌شناسی انتقادی است).
 ۳ درست - درست - درست
 ۴ درست - درست - نادرست (دانش، قلمرو کشف و بازخوانی واقعیت‌ها و ارزش، قلمرو خلق و بازسازی ارزش‌ها معرفی می‌شود).

تبیین، کشف و بازخوانی «واقعیت‌ها» و تفسیر، خلق و بازسازی «ارزش‌ها» است.

مهم‌ترین هدف جامعه‌شناسی انتقادی، نقد وضعیت موجود جهان اجتماعی و تجویز راه‌حلهایی برای رسیدن به یک وضعیت بهتر است.	هدف جامعه‌شناسی انتقادی
فاصله میان وضع موجود و وضع مطلوب جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به داوری درباره ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها می‌کشاند.	
جامعه‌شناسان انتقادی، برای داوری و انتقاد، به معیارهای علمی نیاز دارند تا براساس آن وضعیت موجود را ارزیابی کنند، تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم کنند و راه عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را پیشنهاد دهند.	

۲ ۵۹

بررسی موارد:

- ماکس وبر از سلطه جنین نظمی که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد به قفس آهنین تعبیر می‌کند.
 - از نظر فارابی جامعه کرامیه (سرفرازی) حکومت فرد بر اساس فضیلت انسانی است.
 - گافمن از جامعه‌شناسانی بود که برای تحقیق درباره بیمارستان روانی به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و اثر آن بر بیماران، ماه‌ها به‌عنوان کارمند در یک بیمارستان روانی مشغول به کار شد و از طریق مشاهده مشارکتی به تحقیق پرداخت.
 - رویکرد ابن‌خلدون انتقادی نیست و جامعه‌شناسی او در مقایسه با جامعه‌شناسی فارابی، محافظه‌کارانه است.



دسته بندی فابای از انواع حکومت ها:

خدا محور		انسان محور		شیوه حکومت
براساس ملت الهی		براساس خواست و میل شخصی حاکم	براساس فضیلت انسانی	تعداد حاکمان
مطابق اصل	صورت تحریف شده			
فاضله	مبذله	تعلبیه (جامعه زورگویی)	کرامیه (جامعه سرافرازی)	فرد
	فاسقه	خست (جامه خوش گذرانی)	ضروریه (جامعه قناعت گرایی)	اقلیت
	ضالّه	بیسار یا بداله (جامعه مال اندوزی)	جماعیه (جامعه آزادی)	اکثریت

۴ ۶۰

بررسی موارد:

الف: نادرست (ساختارهای اجتماعی، هر قدر هم جافتاده و باسابقه باشند با کنش های افراد به وجود آمده و برقرارند.)

ب: نادرست (قدرت، وجه عینی و محسوس، سیاست، جنبه الزام آور آن است.)

ج: درست

د: نادرست (ویژگی فعالیت رقابت آمیز اصلاحی، اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت است.)

نمونه تاریخی	ویژگی	فعالیت اجتماعی - سیاسی
تدوین رساله های جهادیه	همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه	مقاومت منفی
جنبش تنباکو	اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت	فعالیت رقابت آمیز اصلاحی
جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه	تغییر ساختار سیاسی	انقلاب اجتماعی

۳ ۶۱

پایان تشریحی:

صورت سوال به قسمت های زیر تقسیم می شود:

- علامه طباطبایی از دو سطح عقل نظری و عقل عملی سخن می گفت.

- فوکویاما برای نظام لیبرال دموکراسی جایگزین بهتر و مناسب تری را قابل تصور نمی دانست.

- ریکاردو، اقتصاددان مخالف دخالت دولت در اقتصاد، حتی افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب افزایش تولید نسل آن ها و پیدایش مشکلات بعدی می دانست.

- آگوست کنت معتقد بود که بعد از انقلاب صنعتی جنگ از زندگی بشر رخت برمی بندد.

انواع عقل از نظر علامه طباطبایی:

- عقل نظری:** به شناخت هست ها می پردازد و با کمک حس و با روش تجربی هستی های طبیعی را می شناسد. با استدلال عقلی، احکام ریاضی و متافیزیکی را درمی یابد و علوم طبیعی، ریاضی و فلسفه (متافیزیک) را شکل می دهد.
- عقل عملی:** باید ها و نبایدهای احکام ارزشی را می شناسد و درباره ارزش های فردی و اجتماعی داوری می کند.

معتقد بود که فاتحان در گذشته تاریخ، با غنایم جنگی بر ثروت خود می افزودند ولی با رشد علم تجربی و صنعت، ثروت از طریق غلبه بر طبیعت به دست می آید.

به همین دلیل بعد از انقلاب صنعتی، جنگ از زندگی بشر بخت برمی بندد.

از دیدگاه وی، جنگ در فرهنگ و جامعه جدید غربی، امری ذاتی نیست بلکه امری عارضی و تحمیلی است.

دیدگاه آگوست کنت



- لازمه شناخت پدیده‌های اجتماعی، شناخت صحیح و توأمان «تفاوت‌های فردی - اجتماعی» و «وجه مشترک» انسان‌هاست.
- نسل‌کشی در کامبوج توسط خمرهای سرخ، نتیجه سیاست همانندسازی بود.
- ارزیابی وضعیت ارزش‌های عدالت و آزادی در روابط انسانی با کمک عقل انتقادی صورت می‌گیرد.
- دولت‌های سکولار غربی از طریق سازمان‌های فراماسونری در نخبگان سیاسی آن جوامع تأثیر گذاشتند.

نسل‌کشی، جابجایی اجباری، کنترل جمعیت، جداسازی و فشارهای سخت اجتماعی از جمله روش‌های خشونت‌آمیز همانندسازی هستند.



- در دوره پسامدرن، تکرر، تنوع و حتی بی‌ثباتی و تغییرات مداوم هویت‌ها مطلوب دانسته شد و هویت ملی و وحدت و ثبات و استمرار همراه با آن، نامطلوب پنداشته شد.
- از نظر فارابی، مردم جامعه تغلب، مردم جوامع دیگر را خوار و بی‌ارزش می‌شمارند.
- در نظام لیبرال دموکراسی، ثبات، رفاه و سلطه بر طبیعت از ارزش‌های مهم آن به شمار می‌رود.
- در جامعه جهانی قبل از ظهور غرب جدید، فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف هر یک در بخشی از جهان، حاکمیت سیاسی مربوط به خود را به وجود آورده بودند.

در دوره پسامدرن، همه آنچه در دوره مدرن پدید آمده بود، از جمله سیاست همانندسازی هویت، مورد تردید قرار گرفت و به جای آن هویت‌های خرد، محلی و فردی مورد تأکید و توجه قرار گرفت.





بررسی موارد:

- برخی فرهنگ‌ها جبرگرا و غیرمسئول‌اند. آن‌ها نقش انسان‌ها در تعیین سرنوشتشان را انکار می‌کنند، قدرت مقاومت را از آدمیان می‌گیرند و آن‌ها را به موجوداتی منفعل تبدیل می‌کنند و زمینه نفوذ سلطه‌گران را فراهم می‌کنند.
- بحران زیست‌محیطی به آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچون مهاجرت، حاشیه‌نشینی، بیکاری، فقر و اختلافات سیاسی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای منجر شد.
- با اینکه طرفداران قشربندی اجتماعی رقابت را در زندگی اجتماعی ضروری می‌دانند اما از این نکته مهم غفلت می‌کنند که در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت یکسان باشد.
- در ازخودبیگانگی حقیقی (فطری)، فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی‌رسد و به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود و درنهایت سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد.



بررسی موارد:

- پس از جنگ جهانی دوم، بلوک شرق و غرب هر یک بخشی از جهان را بر نفوذ خود قراردادند و تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ سرد بین این دو بلوک به همراه جنگ گرم بین مناطق پیرامونی این دو، ادامه یافت و به اقتصاد کشورهای صنعتی که وابسته به تسلیحات نظامی بود، رونق بخشید.
- تغییرات عمیق و کلان را تحول اجتماعی می‌گویند.
- تأکید افراطی بر ساختارهای اجتماعی موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها در بسیاری از زمینه‌ها می‌شود.
- جهان‌های اجتماعی مختلف بر اساس هویت فرهنگی خود تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند.

تأکید افراطی بر ساختارهای اجتماعی به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌هایی است، صرفاً آن را رعایت کنند.





بررسی موارد:

- طرح پرسش‌ها براساس پاسخ‌های ارائه شده قبلی: مصاحبه
- به دست آوردن نمرات تقریباً برابر در چندین اجرا: آزمون
- استفاده از سؤالات مشخص و از قبل برنامه‌ریزی شده: پرسش‌نامه
- بررسی رفتار در شرایط طبیعی آزمایشگاهی: مشاهده

مشاوره:

شاید در مواجهه با این سؤال فکر کنید که یک سؤال ۴ قسمتی دشوار است اما اگر دقیق‌تر به گزینه‌ها نگاه کنید متوجه می‌شوید که با دانستن تنها یک بخش از سؤال به دلخواه شما، می‌توان به گزینه صحیح رسید.

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در روان‌شناسی:

- در روان‌شناسی چهار روش برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد:
- (۱) مشاهده: این روش بر اساس مشاهده رفتار حیوانات و انسان‌ها صورت می‌گیرد که علاوه بر محیط طبیعی، قابلیت اجرا در محیط آزمایشگاه را نیز دارد. در این روش اطلاعات باید به شکلی دقیق ثبت شوند و از پیش‌داوری و تعصب خودداری شود.
 - (۲) پرسش‌نامه: مناسب اطلاعاتی است که از طریق مشاهده قابل دستیابی نیستند. در این حالت محقق از فرد درباره رفتار یا افکار او سؤال می‌کند. پرسش‌نامه‌ها باید دقیق و معتبر باشند و به صورت‌های مختلفی نمره‌گذاری می‌شوند.
 - (۳) مصاحبه: محقق در این روش ضمن گفتگو با مصاحبه‌شونده بر مبنای پاسخ‌هایی که دریافت کرده است، پرسش بعدی خود را طراحی می‌کند. مصاحبه‌ها برخلاف گفت‌وگوهای معمولی، هدفمند و سازمان یافته هستند.
 - (۴) آزمون: بیشتر افراد عادی با این روش سروکار دارند. آزمون‌ها ابزار کمی کردن ویژگی‌های روان‌شناختی هستند، البته ساخت آزمون‌ها بسیار دشوار است. علاوه بر این آزمون‌ها در دفعات متعدد اجرا باید نمره یکسان یا تقریباً یکسانی به ما بدهند.

بررسی موارد نادرست:

- هر دو عوامل وراثتی و محیطی عامل ایجاد برخی تغییرات در طول زندگی افراد از دوره جنینی تا دوره سالمندی هستند.
- دوقلوهای همسان دارای ویژگی‌های وراثتی یکسان هستند؛ زیرا هر دو از یک تخمک به وجود آمده‌اند.

عوامل موثر بر رشد:

- روان‌شناسان رشد معتقدند ویژگی‌های افراد و تغییراتی که در طول زندگی از دوره جنینی تا دوره سالمندی در افراد رخ می‌دهد، می‌تواند معلول دو دسته عوامل وراثتی و محیطی باشد.
- (۱) عوامل وراثتی: ایجادکننده صفاتی هستند که از قبل در فرد نهفته است. برخی از این صفات در بدو تولد ظاهر می‌شوند؛ مانند کودکی که شباهت زیادی به پدر خود دارد.
 - (۲) عوامل محیطی: عواملی هستند که بیرون از فرد وجود دارند و بر نحوه بروز تغییرات در جنبه‌ها و مراحل مختلف رشد تأثیرگذار هستند. یادگیری یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی است که بر تغییرات رشدی تأثیر دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- کودکان به ویژگی‌های کمی محرک‌ها اهمیت می‌دهند.
- کودکان درکی از خوب یا بد بودن اعمال ندارند.
- این گزینه مربوط به ادراک کودکان ۴-۵ ساله است در حالی که کودکی دوم شامل سنین ۷ تا ۱۲ سالگی است.



رشد اجتماعی در دوره کودکی:

۳-۲ ماهگی	اولین علامت رشد اجتماعی در ۳-۲ لیختد اجتماعی است.
۸-۷ ماهگی	ترس از غریبه در ۸-۷ ماهگی است.
۴ یا ۵ سالگی	بازی‌های موازی در ۴ یا ۵ سالگی است. در این بازی‌ها کودکان علاقه‌مندند در کنار یکدیگر باشند، ولی به تنهایی بازی کنند.
دوره دبستان	کودکان در دوره دبستان با یکدیگر بازی‌های گروهی می‌کنند و علاقه خاصی به بازی با هم‌جنسان خود دارند. جمله معروف آن‌ها (دختر با دخترها و پسر با پسرها) را همگی شنیده‌ایم.

۳ ۶۹

بررسی موارد نادرست:

- گاهی محرک‌هایی را ادراک می‌کنیم که احساس نشده‌اند؛ در واقع در این حالت ما دچار توهم شده‌ایم.
- اگرچه در عبارت‌های کتاب درسی به این جمله اشاره شده است که، وقتی چند شیء در کنار یکدیگر باشند ما آن‌ها را به صورت یک گروه ادراک می‌کنیم. اما اصول مشابهت و استمرار از مجموعه اصول گشتالت نیز باعث ادراک گروهی اشیاء می‌شوند.
- در فرایند تفسیر و معنابخشی محرک‌های حسی توجه بر ادراک مقدم است.

احساس، ادراک و توجه:

تحریک اندام‌های حسی موجب احساس می‌شود و محرک نیز آن چیزی است که گیرنده‌های حسی را «تحریک» می‌کند. انتخاب محرک خاص از بین محرک‌های بی‌شمار پیرامون ما «توجه» نام دارد. تغییر و تفسیر کردن و معنی و مفهوم و سازمان دادن به محرک‌های توجه شده «ادراک» نام دارد. فاصله زمانی میان این سه مرحله به قدری کوتاه است که ما آن را نادیده می‌گیریم.

۴ ۷۰

بررسی موارد:

- استفاده از حرکات نمایشی و بالا و پایین کردن صدا به نوعی ایجاد تنوع در محرک است. یعنی خارج شدن از ثبات نسبی و یکنواختی و ایجاد تمرکز و مانع خوگیری. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)
- روخوانی از کتاب درسی بدون استفاده از روش‌های بهسازی حافظه و عدم ایجاد تنوع و اشتیاق، عامل ایجاد یکنواختی و ثبات نسبی و خوگیری است که مانع تمرکز است. (رد گزینه ۱)
- اینکه معلم برای دانش‌آموزان تنوع ایجاد نکند، باعث ایجاد یکنواختی و ثبات نسبی و خوگیری است که مانع تمرکز می‌شود. (رد گزینه ۳)
- تصاویر رنگی و جداول گوناگون باعث ایجاد تنوع در متن می‌شود و خوگیری و یکنواختی متن را از بین می‌برد؛ در نتیجه با ایجاد تنوع و جذابیت و تغییرات درونی در محرک عامل ایجاد تمرکز است. (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

موانع و عوامل ایجاد تمرکز:



۱ ۷۱

توصیه می‌شود قبل از مطالعه پاسخ سؤال ابتدا درسنامه مرتبط با پاسخ مطالعه شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲ در این گزینه مرحله پیش‌خوانی متن درس وجود ندارد.
- ۳ دو مرحله ابتدایی روش پس‌خبا یعنی پیش‌خوانی و سؤال کردن در این گزینه انجام نشده است.
- ۴ فاصله علاوه بر این که از مراحل پیش‌خوانی و سؤال کردن صرف‌نظر کرده، بلکه مرحله پرسش‌های کلیدی را نیز به مرحله آخر موکول کرده است.



روش پس‌خبا:

یکی از فنون بهسازی حافظه، روش پس‌خبا است:

پیش‌خوانی	مطالب هر فصل را پیش‌خوانی کنید تا برداشت کلی داشته باشید.
سؤال کردن	سعی کنید در مورد متن چند سؤال کلیدی داشته باشید.
خواندن	مطالب را به دقت بخوانید تا بتوانید به پرسش‌ها پاسخ دهید.
به خود پس‌دادن	جواب‌ها را بیان کنید و در صورت لزوم دوباره متن را بخوانید.
آزمون	به صورت منظم یادآوری اطلاعات را آزمایش کنید.

۷۲ ۳

پررسی موارد:

- اطلاعات در این حافظه به صورت شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط با هم ذخیره می‌شود: معنایی
- از طریق نشانه‌های مرتبط به محل یا تاریخ خاصی به بازیابی اطلاعات کمک می‌کند: رویدادی
- اثرات محرک‌های بیرونی برای مدت خیلی محدودی نگهداری می‌شود: حسی
- مطالب و آموزش‌هایی که در کلاس‌های درس یاد گرفته می‌شود در آن ذخیره می‌شود: معنایی

انواع حافظه:

حافظه حسی: اطلاعات پیرامون ما ابتدا از طریق گیرنده‌های حسی دریافت شده و در مدت زمان کوتاهی (یعنی کمتر از یک ثانیه) اثر یا ردی از آن در حافظه حسی ما می‌ماند.

حافظه کوتاه‌مدت: در این حافظه ما تنها می‌توانیم اطلاعات را برای چند دقیقه ذخیره کنیم.

حافظه کاری: حافظه‌ای است که به سایر اجزای شناخت خدمت‌رسانی می‌کند، در واقع این حافظه، میز کار همه اجزای شناخت است.

حافظه بلندمدت: اطلاعات در این حافظه از چند دقیقه تا پایان عمر ذخیره می‌شود. حجم اطلاعات و مدت زمان نگهداری اطلاعات در آن هیچ محدودیتی ندارد.

حافظه معنایی: شامل اطلاعات عمومی و مطالب فراگیری شده است. در این حافظه برای مفاهیم شبکه سلسله مراتبی ایجاد می‌شود.

حافظه رویدادی: دربرگیرنده تجربه مشخصی است که به یک زمان و مکان مشخص مربوط می‌شود.

۷۳ ۳

پررسی موارد:

- عبارت بازنمایی مسئله مربوط به نوع نگاه به مسئله است؛ زیرا فرد گاهی برای خروج از بن‌بست حل مسئله ناگزیر از تغییر دیدگاه خود است.
- تأثیر مثبت و منفی مربوط به تجربه گذشته است به این معنا که گاهی تجربیات گذشته فرد، کار او را برای حل مسئله ساده‌تر می‌کند اما گاهی همین تجربیات باعث دشوارتر شدن راه حل مسئله می‌شود.
- واژه فراموشی در این جمله دقیقاً مرتبط با راه نادیده گرفتن مسئله برای مدتی خاص است.

عوامل موثر بر حل مسئله:

- ۱) تجربه گذشته: تأثیر یادگیری‌های گذشته بر حل مسئله را «انتقال» می‌گویند. مانند دوچرخه‌سواری که سریع‌تر از افراد عادی موتور سواری را می‌آموزد اما گاهی تجربیات گذشته اثر منفی بر توانایی حل مسئله ما دارند و یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت برخی از افراد در حل مسئله، پیروی صرف از تجربیات گذشته است؛ البته این تجربیات در صورت بازبینی بسیار مفید خواهند بود.
- ۲) نوع نگاه به مسئله: داشتن یک نگاه خاص به مسئله باعث می‌شود فقط راه‌حلهایی که مرتبط با همان دیدگاه هستند به ذهن فرد خطور کند اما تغییر نوع نگاه و بازنمایی مسئله باعث می‌شود فرد از زوایای دیگری به مسئله نگاه کند. نوع نگاه دانشمندان به مسئله با افراد عادی متفاوت است و به همین دلیل آنان قادر به انجام اختراعات زیادی بودند.
- ۳) نادیده گرفتن مسئله برای مدت زمانی خاص: وقتی سماجت برای حل مسئله از بین می‌رود عواملی که مانع حل مسئله بودند نیز ناپدید می‌شوند و با نبود این عوامل، مسئله حل خواهد شد. به اثر نادیده گرفتن مسئله برای مدت زمانی خاص «اثر نهفتگی» می‌گویند.

۷۴ ۲

در این سؤال، مسئله احمد خوب تعریف شده است اما مسئله محسن خوب تعریف نشده است. در صورتی که احمد از قوانین استاندارد برای حل آن مسئله استفاده کند، قطعاً به پاسخ صحیح خواهد رسید اما در مورد مسئله خوب تعریف نشده محسن، از آنجا که این مسئله پیچیده است و علل متعددی دارد به راحتی قابل حل نیست.



مسئله خوب تعریف شده و مسئله خوب تعریف نشده:



مسئله خوب تعریف شده: اگرچه این‌گونه مسائل به قدری پیچیده هستند؛ مانند بازی شطرنج؛ اما موقعیت اولیه و اقدامات احتمالی آن مشخص است و قوانین کاملاً استاندارد نیز وجود دارد. افراد در صورتی که مراحل را به درستی طی کنند، به نتیجه خواهند رسید.

مسئله خوب تعریف نشده: در مورد این مسائل ابهامات زیادی وجود دارد به گونه‌ای که اقدامات استاندارد و مشخصی نداریم و نمی‌دانیم که آیا این اقدامات ما را به هدف مورد نظر می‌رساند یا خیر؛ از آنجایی که این مسائل علل متعددی دارند، به راحتی قابل تعریف نیستند.

۴ ۷۵

بررسی موارد نادرست:

- در سبک تصمیم‌گیری وابسته فرد کاملاً تابع نظر دیگران است.
- فقط یکی از سبک‌های تصمیم‌گیری (تصمیم‌گیری منطقی) کارآمد است.
- تعارض زمانی ایجاد می‌شود که فرد قادر به تصمیم‌گیری نباشد.

سبک‌های تصمیم‌گیری:



سبک تکانشی: در این سبک فرد به صورت ناگهانی و باعجله و بدون محاسبه تصمیم‌گیری می‌کند.

سبک احساسی: این سبک براساس عواطف و هیجانات زودگذر انجام می‌شود.

سبک وابسته: تبعیت کورکورانه از دیگران ویژگی بارز این سبک است.

سبک اجتنابی: در این سبک فرد دست‌دست می‌کند و کار امروز را به فردا می‌اندازد.

سبک منطقی: بهترین شیوه تصمیم‌گیری است که براساس عقل و منطق و تابع یک روش قاعده‌مند و منظم است.

۲ ۷۶

پرریمی موارد:



- اینکه فرد خود را مصون از هر آسیبی بداند مربوط به مانع اعتماد افراطی در تصمیم‌گیری است.
- افرادی که در مواقع خوشحالی یا ناراحتی و... اقداماتی را انجام می‌دهند که پس از رفع آن حالت از اقدام خود پشیمان می‌شوند، در کنترل کردن هیجانات خود مشکل دارند.
- این نکته که مادر حتی با دانستن شواهدی کودکان خود را بری از هر خطایی می‌داند مربوط به مانع سوگیری تأیید است.

موانع تصمیم‌گیری:



موانع تصمیم‌گیری عبارتند از:

- (۱) سوگیری تأیید: به معنای استفاده از اطلاعاتی که دیدگاه فرد را تقویت و تأیید می‌نماید.
- (۲) اعتماد افراطی: اعتماد بیش از حد داشتن به اقدامات و تصمیمات خود می‌باشد.
- (۳) کوچک شمردن خود: دست‌کم گرفتن خود، عصبانی بودن، ترسو بودن و اعتماد به نفس پایین از موانع تصمیم‌گیری هستند.
- (۴) کنترل نکردن هیجانات: کنترل نکردن هیجانات افراد را با شکست در تصمیم‌گیری روبه‌رو می‌کند.

۱ ۷۷

پایان تشریحی:

درماندگی آموخته‌شده: اگر فرد به این باور برسد که هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید تا موقعیت ناگوارش را تغییر دهد، حالت او را «درماندگی آموخته‌شده» می‌نامند.

عدم کارایی: زمانی که فرد احساس می‌کند دانش و مهارت لازم برای انجام دادن کاری را ندارد در واقع او در حالت عدم کارایی است.

ناکامی: ناتوانی در حل مسئله وضعیت عاطفی ناخوشایندی را ایجاد می‌کند که ناکامی نام دارد.

فشار روانی: عبارت است از نیاز برای دوباره سازگار شدن با شرایط جدید زندگی.



بررسی موارد:

- اینکه میزان مطالعه دانش‌آموزان متفاوت است نشان می‌دهد انگیزه برخی شدیدتر و انگیزه برخی دیگر ضعیف‌تر است.
- کسب رتبه برتر و دریافت سهمیه جایزه‌ای است بیرون از خود فرد و مربوط به انگیزه بیرونی می‌شود.
- مطالعهٔ اطلس‌های جغرافیایی از روی علاقه و لذت بردن از آن، انگیزهٔ درونی است.
- واژه «اعتقاد» در این عبارت مربوط به عوامل نگرشی است.

انگیزه:

انگیزه‌ها به دو نوع درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. در انگیزه‌های بیرونی عامل خارجی فرد را به انجام دادن کاری خاص برمی‌انگیزد. اما در انگیزه‌های درونی فرد کار را به خاطر خود آن چیز انجام می‌دهد؛ زیرا به آن کار علاقه دارد، برایش جالب است یا با نیازهای فطری او مطابقت دارد.

منبع انگیزش بیرونی در پاداش و لذت خارج از فرد قرار دارد، درحالی‌که در انگیزش درونی منبع لذت در خود تکلیف است.

بررسی همه‌گزینه‌ها:

۱. تأثیر مستقیم مذهب بر سلامت و روش سازگاران کوتاه‌مدت - علامت هیجانی فشار روانی
۲. تأثیر مستقیم مذهب بر سلامت - روش سازگاران بلندمدت - علامت هیجانی فشار روانی
۳. تأثیر غیر مستقیم مذهب بر سلامت - روش سازگاران کوتاه‌مدت - علامت هیجانی فشار روانی
۴. تأثیر مستقیم مذهب بر سلامت - روش سازگاران بلندمدت - علامت شناختی فشار روانی

تأثیر مذهب بر سلامت:

ارتباط با خداوند از دو طریق می‌تواند بر سلامت فرد اثر بگذارد:
 (۱) راه مستقیم: رفتارهای معنوی مانند توکل بر خدا، از طریق ایجاد آرامش ذهنی، کاهش فشار روانی، رابطه با خداوند و ایجاد روحیه مثبت حاصل از شرکت در مراسم مذهبی باعث بهبود عملکرد سیستم ایمنی بدن می‌شود.
 (۲) راه غیرمستقیم: افراد مذهبی در مقایسه با دیگران، زندگی سالم‌تری دارند، آنها از رفتارهای پرخطر جسمی، مصرف سیگار و تغذیه نامناسب دوری می‌کنند.

بررسی موارد:

- نداشتن دوست و فعالیت بدنی کم و مصرف غذاهای پرچرب و پرکالری، نشانه‌های داشتن سبک زندگی نامناسب است.
- نفس کشیدن و تمرین آرام‌سازی خود از راه‌های کوتاه‌مدت و سازگاران مقابله با فشار روانی است.
- صحبت نکردن در مورد مشکلات و مراجعه نکردن به پزشک یکی از روش‌های ناسازگاران مقابله با فشار روانی است در واقع صحیح‌تر این است که بگوییم مشورت گرفتن و صحبت کردن با افراد صاحب صلاحیت از روش‌های سازگاران مقابله با فشار روانی است.
- اینکه فرد در یک موقعیت حساس فشار روانی بر خود احساس کند که اثرات مخرب بر عملکرد او می‌گذارد، فشار روانی منفی است.

مقابله با فشار روانی:

مقابله با فشار روانی به دو صورت هستند: الف) مقابله سازگاران ب) مقابله ناسازگاران
الف) مقابله سازگاران عبارتند از: استفاده از مهارت حل مسئله، مشورت و راهنمایی گرفتن، استفاده از حس شوخ طبعی و فعالیت بدنی و ورزش کردن. همچنین مقابله‌های سازگاران به دو نوع کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز تقسیم می‌شوند:
روش‌های سازگاران کوتاه‌مدت: تنفس عمیق، گفتن عبارت «ایست»، شمردن اعداد، تلقین برخی جملات، خواندن یک بیت شعر یا یک جمله، ترک موقعیت، خوردن یک لیوان آب خنک، به خاطر آوردن یک رویداد خوشایند یا یک بیت شعر خوشایند.
روش‌های سازگاران بلندمدت: ورزش‌های هوازی، تمرین آرام‌سازی خود، استفاده از روش‌های حل مسئله، نوشتن خاطرات، تغذیه مناسب، حمایت‌های اجتماعی، تفریح و سرگرمی، برنامه‌ریزی زمان‌بندی‌شده.
ب) مقابله ناسازگاران نیز عبارتند از: منفعل بودن، در انتظار معجزه بودن، انجام دادن رفتارهای تکانشی و بدون فکر و تأمل، استفاده از داروهای شیمیایی، دخانیات و سایر موارد مشابه.



۸۱ ۴

پاسخ تشریحی:

من: از ← رد گزینه‌های ۱ و ۳
لأنفَطَّوْا: قطعاً پراکنده می‌شدند ← رد سایر گزینه‌ها

۸۲ ۳

پاسخ تشریحی:

المراتب: مرتبه‌ها ← رد گزینه ۴

به جمع یا مفرد بودن اسامی در ترجمه دقت کنید.

هوَأَنَّ: آن است که ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

كَلَّ عملٍ صالحٍ تفعلة: هر کار خوبی را که انجام دهی ← رد گزینه‌های ۱ و ۲
تقوم به: انجام دهی ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

۸۳ ۱

پاسخ تشریحی:

لا تُسْتَشِيرُ: مشورت نکن ← رد گزینه ۳

يقول: می‌گوید ← رد گزینه ۳

فأَنَّهُ: چه او ← رد گزینه ۴

يَهْدِي: راهنمایی کند ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

لأنَّه هو: زیرا او، خود ← رد سایر گزینه‌ها

۸۴ ۳

پاسخ تشریحی:

تَمَّتْ الأبحاثُ الَّتِي: تحقیقاتی که ... تمام شد ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

كنتُ قد بدأتُ: شروع کرده بودم ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

تسعة: نه ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

۸۵ ۴

پاسخ تشریحی:

منقار: منقار ← رد گزینه ۲

لتصنع: برای اینکه بسازند ← رد گزینه ۳

لم يُخلَقْ: آفریده نمی‌شد ← رد گزینه‌های ۱ و ۳

مناسباً لهذا العمل: مناسب این کار ← رد گزینه‌های ۱ و ۲



۲ ۸۶

پاسخ تشریحی:

۱. قد عَرَفْنَا التَّجْرِبَةَ: تجربه به ما یاد داده‌است

۲. مِنَ الحَسَدِ: از حسد

۳. مِنَ المَصَائِبِ الَّتِي: از مصیبت‌هایی که

۱ ۸۷

پاسخ تشریحی:

الشاعر: شاعر/ من: کسی که

به معرفه یا نکره بودن اسامی در ترجمه دقت کنید.

۱ ۸۸

پاسخ تشریحی:

ماه‌ها: شهر، شهر ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

در مزرعه: بالمزرعة، في المزرعة ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

خورده شدن: الأكل ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

ترجمه متن:

در عصر عباسی با حضور فرهنگ‌های مختلفی در جامعه مواجه می‌شویم. یکی از این فرهنگ‌ها، فرهنگ یونانی بود که به منزله فرهنگ غربی در آن زمان به شمار می‌رفت و در مراکزی که حکومت آن‌ها را تأسیس کرده بود، علاوه بر کتاب‌های یونانی، مترجمان اقدام به ترجمه کتاب‌های فارسی و هندی نیز کردند.

آنچه قابل ملاحظه است، این است که مترجمان آن‌طور که منطق یونانی و فلسفه یونانی را ترجمه کردند، اقدام به ترجمه آثاری از ادبیات یونانی نکردند با اینکه از معادل فارسی و هندی آن غافل نشدند. و شاید دلیل آن به اختلاف سلیقه‌ها و همچنین زیادی یاه خدایان در این آثار پر از اساطیر باز می‌گردد!

و اینچنین عقل یونانی آمد که مایل به تحلیل و بیان علت در مجرّات است و عقل هندی که مایل به اندیشیدن و پارسایی است و عقل فارسی که مادیات بر آن غلبه دارد و به تعالی و همچنین موسیقی اهتمام می‌ورزد وارد فرهنگ ما شد، و هر یک از این‌ها بر فرهنگ و زندگی ما و حتی تا امروز اثر گذاشته است.

۴ ۸۹

پاسخ تشریحی:

صورت سوال: چگونه فرهنگ‌های سه‌گانه ذکر شده در متن بر زندگی ما اثر گذاشتند؟

۱. از آثار عقل یونانی فکر کردن و دقیق شدن در امور غیر محسوسی است که دیده نمی‌شود.

۲. عقل فارسی به مبالغه و آراستن، در خلال بیان مسئله فرا می‌خواند و همچنین به موسیقی توجه می‌کند.



- ۳ فرهنگ هندی به ترک دنیا و نعمت‌هایش فرا می‌خواند و انسان را به قناعت و ترک دنیا تشویق می‌کند.
- ۴ این فرهنگ‌ها در زمان خود اثر گذاشتند و از آن‌ها چیزی باقی نمانده تا در این زمان بر ما تأثیر بگذارند.

۳ ۹۰

پاسخ تشریحی:

- ۱ مراکز ترجمه اقدام به ترجمه آثار ادبی از ادبیات فارسی کردند.
- ۲ آثار ادبی از هندیان مانند کلیله و دمنه در عصر عباسی ترجمه شده‌است.
- ۳ «الیاذه» که از مشهورترین آثار ادبی یونانی است، در عصر عباسی ترجمه شده‌است.
- ۴ آنچه وارد جوامع اسلامی شد، اندیشه یونانی بود، نه ذوق و بینش ادبی‌شان.

۲ ۹۱

پاسخ تشریحی:

- ۱ وجه تمایز آثار ادبی یونانی چیست؟
- ۲ مترجم چگونه کتابی را برای ترجمه انتخاب می‌کرد؟
- ۳ چرا مترجم‌ها اقدام به ترجمه آثار ادبی از یونانی به عربی نکردند؟
- ۴ چگونه فرهنگ غربی در عصر عباسی وارد جامعه اسلامی شد؟

۲ ۹۲

پاسخ تشریحی:

اسم مفعول ← اسم فاعل

۱ ۹۳

پاسخ تشریحی:

للمخاطب ← للغائبة

۴ ۹۴

پاسخ تشریحی:

«مشاکل» صورت صحیح این واژه است.

«مُشاهدَة» نیز صورت صحیح این واژه است زیرا مصدر باب «مفاعلة» است.



جدول ابواب ثلاثی مزید



نام باب	وزن ماضی (اولین صیغه ماضی)	وزن مضارع (اولین صیغه مضارع)	وزن امر (اولین صیغه امر)	وزن مصدر	تعداد حروف اضافه
إِفْعَال	أَفْعَلْ	يُفْعِلْ	أَفْعِلْ	إِفْعَال	۱ حرف (حرف واحد) «أ»
تَفْعِيل	فَعَّلْ	يُفَعِّلْ	فَعَّلْ	تَفْعِيل	۱ حرف (حرف واحد) «تکرار عین الفعل»
مُفَاعَلَة	فَاعَلْ	يُفَاعِلْ	فَاعِلْ	مُفَاعَلَة	۱ حرف (حرف واحد) «ا»
تَفَاعُل	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلْ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُل	۲ حرف (حرفانِ اِثْنَانِ) «ت، ا»
تَفَعَّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلْ	تَفَعَّلْ	تَفَعَّل	۲ حرف (حرفانِ اِثْنَانِ) «ت، تکرار عین الفعل»
إِفْتِعَال	إِفْتَعَلْ	يُفْتَعِلْ	إِفْتَعِلْ	إِفْتِعَال	۲ حرف (حرفانِ اِثْنَانِ) «ا، ت»
إِنْفِعَال	إِنْفَعَلْ	يُنْفَعِلْ	إِنْفَعِلْ	إِنْفِعَال	۲ حرف (حرفانِ اِثْنَانِ) «ا، ن»
إِسْتِفْعَال	إِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلْ	إِسْتَفْعِلْ	إِسْتِفْعَال	۳ حرف (ثلاثه حروف) «ا، س، ت»

۹۵ ۲

پاسخ تشریحی:

ترجمه صورت سوال: هیچ خبری در سخن نیست، مگر همراه عمل.
مفهوم گزینه ۲، خوبی سخن و کار درست است و تناسبی با عبارت صورت سوال ندارد.

۹۶ ۳

پاسخ تشریحی:

سؤال از ما آن جمله شرطیه‌ای را خواسته که فعل شرط و جواب آن هر دو ماضی باشند.
بنابر کتاب درسی، اگر فعل شرط و جواب هر دو ماضی باشند، می‌توانیم آن دو را هم به صورت ماضی و هم به صورت مضارع ترجمه کنیم.

بررسی همه گزینه‌ها:

۱. یلعب: فعل شرط / یقع: جواب شرط (هر دو مضارع هستند)

۲. در این گزینه شرط نداریم و «من: چه کسی؟» پرسشی است.

۳. تَخَلَّصَ: فعل شرط ماضی (باب تفعّل) / تقدّم: جواب شرط ماضی (باب تفعّل)

۴. در این گزینه نیز شرط نداریم و «من: چه کسی؟» پرسشی است.

۹۷ ۴

بررسی همه گزینه‌ها:

۱. ثلاث و الاثنین هر دو عدد اصلی هستند.

۲. تسعة و أحد عشر هر دو عدد اصلی هستند.

۳. خمس و واحد هر دو عدد اصلی هستند.

۴. الأول: عدد ترتیبی است.



اعداد اصلی ترتیبی:



ترجمه	مذکر	مؤنث	ترجمه	مذکر	مؤنث
اول - یکم	الأوّل	الأولى	یازدهم	الحادي عشر	الأحادية عشرة
دوم	الثاني	الثانية	دوازدهم	الثاني عشر	الثانية عشرة
سوم	الثالث	الثالثة	سیزدهم	الثالث عشر	الثالثة عشرة
چهارم	الرابع	الرابعة	چهاردهم	الرابع عشر	الرابعة عشرة
پنجم	الخامس	الخامسة	پانزدهم	الخامس عشر	الخامسة عشرة
ششم	السادس	السادسة	شانزدهم	السادس عشر	السادسة عشرة
هفتم	السابع	السابعة	هفدهم	السابع عشر	السابعة عشرة
هشتم	الثامن	الثامنة	هجدهم	الثامن عشر	الثامنة عشرة
نهم	التاسع	التاسعة	نوزدهم	التاسع عشر	التاسعة عشرة
دهم	العاشر	العاشرة	بیستم	العشرون - العشرون	العشرون - العشرون
			بیست و یکم	الحادي والعشرون	الحادية والعشرون

۹۸ ۲

پاسخ تشریحی:

صورت سوال تأکیدی را می‌خواهد که برای تمام جمله باشد یعنی کل جمله در آن تأکید شده باشد).

بررسی همه‌گزینه‌ها:

- الحسنات حصر است و تأکید شده.
- کل جمله تأکید شده است زیرا حرف مشبّهه «إن» تمام جمله بعد از خود را تأکید می‌کند.
- شخّ به دلیل مفعول مطلق تأکیدی «تشجیعاً» تأکید شده.
- نایم تأکید شده است زیرا إنّما خبر جمله (یعنی نایم) را تأکید می‌کند.

انواع تأکید



به طور کلی ما ابزارهای مختلفی برای بیان تأکید در زبان عربی داریم که با هم این موارد رو بررسی می‌کنیم

۱. حرف «إن» از حروف مشبّهه بالفعل

این حرف همواره در ابتدای جمله می‌آید (دقت کن می‌گم جمله ها! ممکنه جمله از وسط یک خط شروع بشه. پس اول سطر عبارت درستی نیست اول یک جمله!) این حرف کل جمله بعد از خودش رو تأکید می‌کنه (واسه همینم هست که می‌گیم اگه خواستن ترجمه‌ش کنی باید اولین کلمه باشه و مثلاً ترجمه این حرف رو «قطعاً»، «همانا و...» بزن وسط یا آخر جمله بذارن)

۲. مفعول مطلق تأکیدی

این مصدر هم برای بیان تأکید وقوع فعل میاد و می‌خواد بگه که حتماً و یقیناً و قطعاً فعل اتفاق افتاده هیییچ شک نکن!

۳. حرف «قد»

این حرف اگر یاد باشه قبل از فعل ماضی میومد و اونو به ماضی نقلی تبدیل می‌کرد. ماضی نقلی به جورایی حالت تأکید شده فعل ماضی هم هست دیگه علاوه بر اینکه معنای دیگه‌ای هم داره. به این حرف «حرف تحقیق» هم گفته می‌شه که از «محقق شدن» و اینا میاد. یعنی اون فعل حتماً اتفاق افتاده.

۴. تکرار

خود تکرار کردن ابزاریه برای تأکید کردن. شما خودت وقتی چیزی برات مهمه دوبار میگی به طرف مقابل.

مثلاً: تذهب أنت إلى مدرستك: تو خودت به مدرسه‌ات می‌روی

در جمله بالا یک ضمیر «أنت» در فعل «تذهب» مستتر شده که فاعل فعل محسوب می‌شه.

علاوه بر اون یک ضمیر «أنت» هم در عبارت می‌بینیم که داره اون ضمیر مستتر رو تأکید می‌کنه.

(البته تو پرانتز بگم لازم نیست حتماً ترجمه جمله بالا اینطوری که من نوشتم انجام بشه ها. من خواستم دقیق متوجه مفهوم تأکید بشی.)

۵. آمدن حرف «لام» بر سر خبر «إن»

اگر یاد باشه خود «إن» بیانگر تأکید بود. حالا باز اگه بخوایم خفن‌تر تأکید کنیم بر سر خبر «إن» یک حرف «ل» میاریم.

مثال: إنّ علیاً لّناجح: همانا علی قطعاً موفق است.



۶. آمدن لفظ «کلّ» یا «جميع» بعد از یک اسم جمع

وقتی بخوایم بر کل یک گروه تأکید کنیم از این شیوه استفاده می‌کنیم

مثال: جاء الطّلابُ کلّهم / جميعاً: دانش‌آموزان همگی آمدند

۷. اسلوب حصر و إنّما

در دو مورد بالا نیز مفهوم تأکید رو می‌تونیم ببینیم. ترجمه با کلمه «فقط» نیز در این موارد امکان داره که بیانگر تأکید هستش.

إنّما بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: من مبعوث شدم تا فقط بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم

ما ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ إِلَّا عَلِيٌّ: فقط علی به مدرسه رفت

۸. ن تأکید

گاهی اوقات یک حرف «ن» مشدد به انتهای فعل مضارع می‌چسبد و معنای فعل را تأکید می‌کند

لَا تَذْهَبَنَّ: هرگز نرو

۹. لا نفی جنس

لا نفی جنس در معنای خود هرگونه چیزی از جنس اسمی که بعد از آن آمده را نفی می‌کند و همین بیانگر تأکید است.

لا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ: هیچ دانش‌آموزی در کلاس نیست

۱۰. ضمیر فصل

گاهی اوقات یک ضمیر منفصل بین مبتدا و خبر می‌آید. کار این ضمیر همین تأکید کردنه و اینکه می‌خواد بگه مبتدا همون خبر هست و چیز دیگه‌ای نیست!

هؤلاء الطّلاب هم النّاجحون: این دانش‌آموزان همان موفقان هستند.

۱۹۹

پاسخ تشریحی:

بررسی محل اعرابی اسم تفضیل در گزینه‌ها:

۱ «الأقوی: قوی‌تر» صفت «فائز» است.

۲ «أقلّ: کمترین» مفعول است.

۳ در این گزینه اسم تفضیل نداریم. (دقت کنید که «أبيض: سفید» اسم تفضیل نیست زیرا رنگ‌ها اسم تفضیل نیستند).

۴ «أكثر» مبتدا است.

اسم تفضیل

این اسم، معادل صفت برتر و برترین در فارسی می‌باشد و هنگام مقایسه یا توصیف کردن از آن استفاده می‌شود. برای این کلمه در زبان عربی دو وزن داریم:

۱- أَفْعَل (مذکر): أَجْمَل (زیباتر، زیباترین) - أَفْضَل (برتر، برترین) و ...

۲- فُعْلَى (مونث): خُسْنَى (نیکوتر) - فُضْلَى (برتر) - عَظْمَى - دُنْیا و ...

در زیر دو دسته مثال را به تفکیک با هم ملاحظه می‌کنیم. در ادامه دلیل این تفکیک را متوجه خواهیم شد.

مثال‌های دسته اول:

- عَلِيٌّ أَعْلَمُ مِنْ أَصْدِقَائِهِ: علی از دوستانش داناتر است.

- هَذِهِ السَّيَّارَةُ أَجْمَلُ السَّيَّارَاتِ فِي الْعَالَمِ: این ماشین، زیباترین ماشین‌ها در جهان است.

- طُلابُ هَذَا الصَّفِّ أَعْلَمُ مِنْ أَصْدِقَائِهِمْ فِي ذَلِكَ الصَّفِّ: دانش‌آموزان این کلاس از دوستانشان در آن کلاس داناتر هستند.

- فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ: فاطمه از زینب بزرگتر است.

مثال‌های دسته دوم:

- فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگتر

- عَلِيٌّ الْأَكْبَرُ: علی بزرگتر

- التَّمِيذَانِ الْأَكْبَرَانِ: دو دانش‌آموز بزرگتر

- الطَّالِبَتَانِ الْفَضْلَيَّانِ: دو دانش‌آموز شایسته‌تر

- الطُّلابُ الْأَنْجَحُونَ: دانش‌آموزان موفق‌تر

- التَّمِيذَاتُ الْكُبْرَى: دانش‌آموزان بزرگتر

همان‌طور که در مثال‌های دسته اول مشاهده می‌کنید، اگر بخواهیم اسم تفضیل را با هدف مقایسه به کار ببریم، همیشه بر وزن «أَفْعَل» به صورت مفرد مذکر

بدون «ال» می‌آید حتی اگر مقایسه بین دو اسم مونث باشد.

اما اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفت برای کلمه‌ای استفاده کنیم (مثال‌های دسته دوم)، تابع قواعد موصوف و صفت خواهد بود (که باید در «جامع»

مطابقت داشته باشند) و ممکن است «أَفْعَل» (برای موصوف مذکر) یا «فُعْلَى» (برای موصوف مونث) استفاده شود.



یادآوری:

۱- جنس: هر دو باید مذکر یا مؤنث باشند. اگر اسم تفضیل به عنوان صفت برای کلمه‌ای بیاید (یعنی در نقش صفت بیاید)، تابع قواعد موصوف و صفت است و باید در چهار چیز کلمه قبل (موصوف) مطابقت کند:	۲- تعداد (عدد): هر دو باید مفرد، مثنی یا جمع باشند. (با رعایت این نکته که جمع غیر انسان در حکم مفرد مؤنث است)
۳- اعراب (حرکت حرف آخر)	۴- جنس: هر دو باید مذکر یا مؤنث باشند.

جمع بندی:

۱- اگر اسم تفضیل صفت واقع شد: مطابقت با موصوف در چهار چیز لازمه (که اکثراً همراه با «أل» میاد و همه کاربردهای «فُعْلُی» رو در این حالت می‌بینین)

جمع بندی

۲- اگر اسم تفضیل صفت نبود (و برای مقایسه استفاده شد): به صورت مفرد مذکر بدون «أل»

* اگر اسم تفضیل همراه با حرف «من» بیاید، قطعاً مفرد مذکر بدون «أل» خواهد بود.

۳ ۱۰۰

پایه تشریحی:

دَقْتُ کنید که «متجری» در ۳ گزینه مبتدا و در یک گزینه منادا است.
دَقْتُ کنید که منادا، مخاطب است و مبتدا، غایب است. پس اجزای (افعال و ضمیر و...) جمله‌ای که با منادا آغاز می‌شود به مخاطب برمی‌گردد و اجزای جمله‌ای که با مبتدا آغاز می‌شود به غایب برمی‌گردد.
۱ «یَقْعُ: واقع شده» غایب است، لذا «متجری» مبتداست.
۲ ضمیر «ه: آن» غایب است، لذا «متجری» مبتداست.
۳ ضمیر «ك: تو» مخاطب است، لذا «متجری» منادا است.
ترجمه جمله: مغازه من، تو را زیبا کردم تا بسیاری از کسانی را که از تو عبور می‌کنند جذب کنی!
۴ ضمیر «ه: آن» غایب است، لذا «متجری» مبتداست.

انواع منادا:

منادا یا به صورت تک کلمه‌ای (غیر مضاف) یا به صورت مضاف در جمله دیده می‌شود.
در صورتی که غیر مضاف باشد، ممکن است «أل» داشته باشد یا نداشته باشد.

۱- منادا غیر مضاف بدون «أل»:

مثال: «یا تَلْمِیْذُ اجْتَهِدْ فیْ ذَرْوِیْکَ»

مثال: «یا مَنْ اِسْفَهَ ذِواءَ وَ ذِکْرَهَ شِفاءَ»

۲- منادا غیر مضاف همراه با «أل»:

اگر اسمی که می‌خواهیم آن را صدا بزنیم «أل» داشته باشد، باید از «أَیُّهَا» برای مذکر و «أَیَّتُهَا» برای مؤنث استفاده کنیم.

مثال: «یا أَيُّْهَا الْمُعَلِّمُونَ عَلِّمُوا التَّلَامِیْذَ»

مثال: «یا أَيَّْتُهَا الطَّالِبَةُ لَا تَتَكَاسَلِیْ»

در اینگونه موارد «یا» حرف ندا و «أَیُّهَا» و «أَیَّتُهَا» به همراه اسم بعدشان گروه منادایی هستند.

در این موارد گاهی «یا» حذف می‌شود. «أَیُّهَا» و «أَیَّتُهَا» نیز معنای خاصی ندارند و فقط واسطه بین «یا» و اسم «أل» دار هستند.

۳- منادا مضاف

مثال: «یا تَلْمِیْذُ الصَّفِّ لَا تَهْمِسْ مَعَ زَمِیْلِکَ»

مثال: «یا طُلَّابَ الْجَامِعَةِ ارْغَبُوا فی التَّعَلُّمِ»



نکات مهم:



- ۱- اگر منادا مضاف مثنی یا جمع مذکر سالم باشد، «ن» آخر آن در هنگام مضاف شدن از بین می‌رود.
مثال: «یا مسلمي العالم: ای مسلمانان جهان»
مثال: «یا طالبی الصف: ای دو دانش‌آموز کلاس»
- ۲- گاهی ضمیر «ی» متکلم از آخر منادا حذف می‌شود. در این حالت یک کسره به یادگار در آخر منادا می‌آید که نشان دهد قبلاً ضمیر «ی» در انتهای منادا موجود بوده است.
مثال: «یا صديق أعني في دروسي»
مثال: «یا ربّ قوّ علی خدمتک جوارحي»
- ۳- اگر منادا مثنی یا جمع مذکر، مضاف و مضاف الیه ضمیر «ی» متکلم باشد، منادا به صورت جالبی در می‌آید:
مثال: «یا والديّ رحمکما زککما»
کلمه «والديّ» چنین پروسه‌ای را طی کرده است:
«والدین + ی»: «والدین + ی»: «والدین»
ابتدا «ن» مثنی حذف شده. سپس ضمیر «ی» متکلم به عنوان مضاف الیه آمده و چون در انتهای مضاف هم یک «ی» وجود داشته است، در یکدیگر ادغام شده‌اند.
- ۴- «اللّه» معادل «یا الله» است و تفاوتی با هم ندارند. هر جا یکی از این دو را دیدیم قطعاً منادا داریم.

تشخیص منادا با حذف حرف ندا



گاهی اوقات منادا بدون حرف ندا (یا) می‌آید در این صورت باید به نکته زیر برای تشخیص منادا توجه کنیم.
در جملات بالا اعراب کلمات اول جمله به ما نشان می‌دهد که منادا هستند.

سیاق جمله

منظور از سیاق جمله این است: به جمله دقت کنیم و ببینیم در آن چیزی که بر خطاب دلالت کند وجود دارد یا خیر. منظور ما از خطاب فعل‌های امر و نهی و فعل‌ها و ضمایر مخاطب است.



۳ ۱۰۱

بررسی ساینرگرندها:

۱ در ۱۹۰۰ ق.م اتفاق افتاد.

۲ پیش از هزاره سوم تشکیل شد.

۳ مربوط به بازه زمانی ۵۵۰۰ تا ۳۵۰۰ ق.م است.

امپراتوری سارگن:

در حدود ۲۴۰۰ ق.م، قوم آگد که در مرکز بین‌النهرین می‌زیست، به فرماندهی سارگن بر کشور - شهرهای سومری مسلط شد. سارگن سپس سرتاسر بین‌النهرین را به زیر فرمان خود درآورد و امپراتوری بزرگی تشکیل داد که از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا کوه‌های زاگرس امتداد داشت. سارگن، مردم و اقوامی را که دارای اندیشه، آداب‌ورسوم، صنعت و هنر گوناگونی بودند را یکپارچه کرد و موجب تبادل بیشتر فرهنگ و تمدن در بین‌النهرین شد.

مشاوره‌نامه: هاستون باشه صورت سؤال گفته هزاره سوم قبل از میلاد، یعنی سال‌های ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد. حالا برو سراغ گزینه‌ها و ببین کدامشون بین این بازه زمانی رخ داده!

۴ ۱۰۲

بررسی ساینرگرندها:

۱ نهاد اداری دوران امپراتوری روم در این دوره ایجاد شد و بر عملکرد کنت‌ها نظارت می‌کردند.

۲ نهاد اداری دوران امپراتوری روم بود.

۳ قسمت اول این عبارت درست است، اما کنت‌ها زیردست کنسول‌ها نبودند.

فرانک‌ها:

فرانک‌ها، با تصرف سرزمین گل، حکومت خود را بنیان نهادند. آن‌ها با گرویدن به دین مسیحیت و اتحاد با کلیسای رم قلمرو خود را گسترش دادند.

پادشاهی فرانک‌ها در زمان شارلمان بزرگ، مشهور به شارلمانی به اوج قدرت رسید.

شارلمانی برای اداره قلمرو خود، نهاد اداری دوران امپراتوری روم موسوم به کومس یا کنکیت را احیا کرد. کنت‌ها تنها به عنوان نماینده پادشاه، مناطق مختلف امپراتوری فرانک‌ها را اداره می‌کردند.

شارلمانی مأموران ویژه‌ای را برای نظارت دقیق بر عملکرد کنت‌ها برگزید که مستقیماً به پادشاه گزارش می‌دادند.

ویژگی‌های امپراتوری فرانک‌ها

فرانک‌ها در زمان شارلمانی

۱ ۱۰۳

بررسی ساینرگرندها:

۲ هر یک از اجزای تشکیلات اداری مرکزی دوره هخامنشیان، توسط یکی از نجبای بلندپایه مادی یا پارسی اداره می‌شد.

۳ اعضای سپاه جاویدان از میان جوانان پارسی انتخاب می‌شدند.

۴ خدمه ناوهای جنگی در زمان داریوش یکم، از میان دریانوردان ملل مختلف برگزیده می‌شد اما فرماندهی ناوهای جنگی را پارسیان و مادی‌ها بر عهده داشتند.

حواستان باشد که نبرد سلامیس در دوره خشایارشا پسر داریوش یکم رخ داد. یکی از اقدامات داریوش بزرگ، تأسیس نیروی دریایی بود (درس یازدهم)؛ پس در دوران کمبوجیه نیروی دریایی چندانی وجود نداشت.



پاسخ تشریحی:

الف: از پارچه‌ها و دیگر بافته‌های عصر هخامنشی به جز قالی پازیریک چیزی باقی نمانده، اما جامه‌های پرنقش‌ونگار و تزئین‌شده پادشاه و سپاهیان در نقش برجسته‌ها، نشان می‌دهد که هنر بافندگی در اوج قرار داشته است.

ج: پژوهشگران با مقایسه نقش برجسته‌های دوره هخامنشی با دوران پیش از آن، دریافته‌اند که سنگ‌تراشان هنرمندی که در خدمت هخامنشیان بوده‌اند، از نقش برجسته‌های بین‌النهرین و به‌ویژه نقش برجسته‌های آشوری، الهام و الگو گرفته‌اند.

تشریح عبارتهای نادرست:

ب: در دوران هخامنشیان کاخ‌های شوش و تخت‌جمشید با قالی‌ها و منسوجات نفیس و مرغوبی، مفروش بوده است.

د: در لوح‌های گلی کشف‌شده از تخت‌جمشید به نقش برابر زنان در کنار مردان اشاره شده است.

پاسخ تشریحی:

تک‌نگاری از دوره تیموریان به بعد مرسوم شد. مؤلف در این نوع تاریخ‌نگاری، عموماً به اشاره فرمانروا، تاریخ زندگی او را به‌صورت متمرکز و ویژه، توصیف و ثبت و ضبط می‌کرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

تاریخ‌نگاری در قرن دهم که حکومت صفویه روی کار آمد، نسبت به دوره تیموریان و دوره مغولان تا حدودی دچار افول گردید.

با گسترش تاریخ‌نویسی سلسله‌ای در میان سلسله‌های محلی، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی محلی پیوستگی یافت.

تاریخ‌نگاری محلی در قرن دهم (یعنی دوره صفویان) نیز متداول و رایج بود.

منابع مختلف مکتوب تاریخ اسلام و ایران دوران اسلامی:

از قرن سوم آغاز شد و تا اواخر عصر قاجار تداوم یافت.	تاریخ‌های عمومی	کتاب‌های تاریخی
از مهم‌ترین و مشهورترین تاریخ‌های عمومی می‌توان به تاریخ طبری تألیف محمد بن جریر طبری اشاره کرد.	تاریخ‌های محلی	
از مهم‌ترین گونه‌های تاریخ‌نگاری است. انگیره اصلی نویسندگان این دسته از کتاب‌های تاریخی، ثبت و ضبط رویدادهای تاریخی، بیان ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی و نگارش زندگی‌نامه مفاخر و مشاهیر محلی بوده است.	تاریخ‌های سلسله‌ای	
فرمانروایان بزرگ و کوچک ضبط وقت رویدادهای دوران خود را به ادیبان و دانشمندان واگذار می‌کردند.	تک‌نگاری	
از دوره تیموریان به بعد مرسوم شد. مؤلف به‌صورت متمرکز و ویژه، به توصیف و ثبت و ضبط تاریخ زندگی فرمانروا می‌پرداخت.	تاریخ‌های منظوم	سفرنامه نوشته‌های جغرافیایی ادبیات و متون ادبی سیاست‌نامه و اندرزنامه
در دوره مغولان رواج و رونق یافت.		
اطلاعات مفیدی از زندگانی اجتماعی مردم ایران ارائه می‌کنند که در دیگر منابع کمتر دیده می‌شوند.		
حاوی اطلاعات با اهمیتی درباره آداب و رسوم، فرهنگ، نوع معیشت، آب و هوا و ... است.		
گونه مهمی از منابع تاریخی محسوب می‌شوند. بیانگر اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز عقاید دینی و فلسفی رایج در هر عصری است.		
کتاب‌های سیاست‌نامه‌ای حاوی اطلاعاتی سودمند درباره شیوه کشورداری، مناسبات حکومت و مردم و تشکیلات نهادهای اداری، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است.		
اندرزنامه‌ها بیش‌تر به اخلاق کشورداری و مناسبات اخلاقی فرمانروا و مردم می‌پردازند.		



بررسی موارد:

- الف:** مورخان و سیره‌نویسان به رقابت و درگیری‌های پیاپی اوس و خزرج در یثرب قبل از هجرت پیامبر (ص) اشاره کرده‌اند.
- ب:** با بررسی شواهد و مدارک دقیق‌تر، علت اصلی مخالفت و دشمنی سران مشرک با پیامبر (ص) احساسات دینی و اعتقاد راسخ آن‌ها به بت‌ها نبود، بلکه بیم از دست دادن موقعیت تجاری و سیاسی آن شهر بوده است.
- ج:** سیره‌نویسان به پیمان برادری میان مهاجرین و انصار اشاره کرده‌اند.
- د:** آیات قرآن منابع مالی، شیوه گردآوری و توزیع اموال را مشخص کرده است.

مشاورنامه:

بخوام باهات خیلی صادق باشم، باید بگم که رفیق تو با درس تاریخ مواجهی. پس خودت رو به پژوهشگری فرض کن که داری رویدادها و حوادث تاریخی رو براساس منابع مختلف بررسی میکنی. تو رویکرد جدید سوالاتی کنکور تاریخ، اینکه مطالب از چه منابعی گرفته شده و منبع هر کدام چی بوده، مورد پرسش قرار می‌گیره. پس وقتی داری تاریخ میخونی، خوب حواست رو به این چیزها جمع کن.

پاسخ تشریحی:

- الف:** علویان طبرستان در ۲۵۰ق و فاطمیان در ۲۹۷ق موفق به تشکیل حکومت شدند. (علویان طبرستان زودتر از فاطمیان به قدرت رسید).
- ب:** هر دو حکومت، عباسیان را به رسمیت نمی‌شناختند و خلافت را حق خود می‌دانستند.
- تشریح موارد نادرست:**
- ج:** عباسیان نسب علوی خلافت فاطمیان را انکار می‌کردند.
- د:** علویان طبرستان به‌طور مستقیم با عباسیان وارد جنگ نشد بلکه با حکومت‌های طاهریان و سامانیان و سپاهیان تحت حمایت خلیفه وارد نبرد شدند.

بررسی موارد:

- الف:** پایان حکومت شاهرخ تیموری: ۸۵۰ق
- ب:** تسلط عثمانی‌ها بر قسطنطنیه و پایان کار بیزانس: ۸۵۷ق
- ج:** پایان فرمانروایی مسلمانان آندلس: ۸۹۸ق
- پس عبارت‌های «ب» و «ج» پس از «الف» یعنی گزینه «۱» روی داده است.

نکته مشاوره‌ای:

سعی نکن برای جواب دادن به این سوال‌ها بری و تاریخ دقیق هر واقعه تاریخی رو حفظ کنی، بهترین کار اینه که بری و سلسله‌ها، جنگ‌ها و وقایع مهم تاریخی رو به ترتیب سال زیر هم بنویسی. اینجوری چشم‌ت کم‌کم عادت می‌کنه و یادت می‌مونه که مثلاً پایان حکومت بیزانس و فتح قسطنطنیه بعد از حکومت شاهرخ تیموری بوده و...

حتماً حواستون به این سوالا باشه. شاید پیش خودتون بگید حفظ کردن سال وقوع رویدادها سخته. ولی یادتون نره خیلی نیاز به دوستن سال نیست. فقط باید بلد باشی کدام حادثه قبل یا بعد از کدام حادثه اتفاق افتاده و پیامدهاش چی بود؟

پاسخ تشریحی:

- انسان‌گرایان که شیفته مروج ادبیات و آثار کهن یونانی و لاتینی بودند، به شیوهٔ تعلیم و تربیت و محتوای آموزشی که تحت نظارت کلیسا در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شد، انتقاد داشتند و آن‌ها را غیرمفید می‌شمردند.
- این گروه همچنین کلیسا را به خاطر برخی ناهنجاری‌های اخلاقی کشیشان، سرزنش می‌کردند.



جنبش اصلاح دین و نهضت پروتستان:

در فاصله قرون ۱۴ تا ۱۷ م سلسله حوادث و تحولاتی در قلمرو مسیحیت در اروپا رخ داد که مورخان از مجموع آن‌ها تعبیر به اصلاح دین می‌کنند. جنبش اصلاح دین با انتقاد و اعتراض به برخی از نظریات و عملکرد کلیسا شروع شد. برخی از این اعتراضات از سوی شاهان و فرمانروایان صورت می‌گرفت که کلیسا را از دخالت در امور سیاسی منع می‌کردند.

حواست باشد انسان‌گراها از لحاظ اخلاقی و نظام تعلیم و تربیت با کلیسا مخالفت می‌کردن و پادشاه‌ها و فرمانرواها بیشتر با دخالت کلیسا تو امور سیاسی مخالفت داشتند.

۱۱۰ ۲

بررسی موارد:

الف: بسیاری از اروپاییان که در زمان قاجار از ایران دیدن کرده‌اند، از نابودی و ضعف مراکز قدیمی و پررونق صنایع دستی ایران خبر داده‌اند.
ب: بسیاری از معماران در دوره قاجار می‌کوشیدند در ساخت بناها قواعد و اصول معماری سنتی ایرانی را همچنان حفظ و پاسداری کنند. (بناها و آثار)

ج: مقامات آمریکایی در اسناد خود به روابط نزدیک رژیم صهیونیستی با رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۲ ش اشاره کرده‌اند. (اسناد و مدارک)

۱۱۱ ۲

پایه تشریحی:

مستوفیان وظیفه محاسبه و گردآوری مالیات‌ها و نظارت بر املاک دیوانی و سلطنتی (خاصه) را بر عهده داشتند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱. شیوه سهم‌بری دهقانی در سیستم ارباب - رعیتی وجود داشت.
۲. زمین‌داری خاصه، همان شیوه دیوانی و سلطنتی است.
۳. نظارت مستوفیان فقط بر زمین‌های خاصه بود و نه تمام اراضی کشور.

۱۱۲ ۱

پایه تشریحی:

دولت ایران پس از پیروزی در دادگاه لاهه، از انگلستان خواست که بدهی‌های شرکت نفت و خسارت‌های ناشی از تأخیر را بپردازد و چون دولت انگلستان این تقاضا را نپذیرفت، اقدام به قطع رابطه سیاسی با لندن کرد.

اقدامات انگلستان برای ممانعت از ملی شدن نفت:

تحریک کارگران صنعت نفت به اعتصاب گسترده از طریق منع شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت فوق‌العاده دستمزد آنان

فرستادن کشتی‌های جنگی خود به خلیج فارس و بنادر ایران و تهدید نظامی

طرح شکایت از ایران در مجامع بین‌المللی

تهدید اقتصادی ایران با تعطیلی شعب بانک انگلیس، خارج کردن سرمایه‌های شرکت نفت و تحریم خرید نفت

اقدامات انگلستان



کمیته انقلاب اسلامی وظیفه حفظ نظم و امنیت و دستگیری سران جنایتکار رژیم پهلوی را بر عهده داشت.

نهادهای پس از انقلاب:



۱. کمیته انقلاب اسلامی: حفظ نظم و امنیت و دستگیری سران جنایتکار رژیم پهلوی
۲. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: پاسداری از آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب
۳. جهاد سازندگی: ایجاد عمران و آبادانی و رفع فقر از روستاها
۴. کمیته امداد امام خمینی: حمایت از مستضعفان
۵. نهضت سوادآموزی: ترویج فرهنگ سوادآموزی و کاهش و رفع بی‌سوادی
۶. دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب اسلامی: رسیدگی به پرونده مقامات و مأموران رژیم سابق



پاسخ تشریحی:

توده هوای مرطوب غربی (مورد «الف»)، رطوبت دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس را در دوره سرما به داخل ایران منتقل می‌کند و برف و باران به همراه دارد. در حالی که توده هوای گرم و خشک (مورد «د»)، در تابستان هوای گرم را از عربستان به ایران وارد می‌کند و باعث افزایش شدید دما می‌شود (زمان ورود متفاوت). توده هوای مرطوب موسمی (مورد «ب») نیز در برخی سال‌ها در دوره گرم از اقیانوس هند به ایران نفوذ می‌کند و موجب باران‌های سیلابی در جنوب شرق ایران می‌شود (اثرات آب وهوایی متفاوت). سایر گزینه‌ها با توجه به موارد داده شده درست هستند.

نام توده هوا	جهت ورود	زمان ورود به کشور	منشأ	نوع تأثیر بر آب و هوای ایران
سرد و خشک و سبیری	شمال و شمال شرقی	ماه‌های سرد	سبیری	باعث: ۱) سردی و خشکی هوا در ماه‌های سرد ۲) بارش در سواحل خزر
مرطوب غربی	غرب و شمال غربی	دوره سرما	دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس	با وارد کردن رطوبت دریای مدیترانه و اقیانوس اطلس به کشور موجب ریزش برف و باران می‌شود.
سودانی	جنوب غربی	دوره سرد سال	دریای سرخ	با وارد کردن رطوبت دریای سرخ به ایران باعث بارندگی می‌شود.
گرم و خشک	جنوب	تابستان	عربستان	هوای گرم عربستان را به ایران وارد کرده و باعث افزایش شدید دما می‌شود.
مرطوب موسمی	جنوب شرقی (از سوی اقیانوس هند)	دوره گرم برخی سال‌ها	اقیانوس هند	موجب باران‌های سیلابی در جنوب شرق ایران می‌شود.

پاسخ تشریحی:

با توجه به متن داده شده:

مرزهای اداری و سیاسی بر مبنای انتخاب و تصمیم‌گیری انسان‌ها تعیین می‌شود و بنابراین ممکن است یک ناحیه طبیعی، در بیشتر از یک استان قرار گیرد (درستی گزینه ۴ و نادرستی گزینه ۳).
ناهمواری‌های مریخی در دو استان کرمان و سیستان و بلوچستان قرار دارد و از موقعیت ریاضی (مطلق) بالاتری نسبت به گل‌فشان‌ها برخوردار است (نادرستی گزینه‌های ۱ و ۲).

ناهمواری‌های مریخی:

در جنوب استان سیستان و بلوچستان و اطراف چاله جازموریان در کرمان، منطقه مکران واقع شده است که در آن رشته کوه‌های بشاگرد و اطراف آن با ارتفاع نسبتاً کم و فرسوده‌ای وجود دارد. در این کوه‌ها، فرسایش، شکل‌های زیبایی با دره‌ها، چاله‌ها و گودال‌های عمیق ایجاد کرده است که به آن‌ها ناهمواری‌های مریخی و کوه‌های مینیاتوری هم گفته‌اند.



کوه‌های مریخی - سیستان و بلوچستان

گل‌فشان‌ها:

در استان‌های هرمزگان و جنوب استان سیستان و بلوچستان در فاصله ناهمواری‌های مریخی تا دریای عمان چندین گل‌فشان وجود دارد که همانند چشمه‌های گلی می‌جوشد. معمولاً به شکل گنبدی یا مخروطی شکل و در برخی جاها به صورت حوضچه‌های مملو از آب و گل مشاهده می‌شوند. به علت خروج گاز یا بخار آب از اعماق زمین به بالا می‌آیند.



گل‌فشان - سیستان و بلوچستان



اگر کانون‌های آبگیر در فصول سرد سال، ذخیره برف خود را تا ابتدای ماه‌های گرم سال حفظ کنند، بدون توجه به میزان بارش و زمان آن جزء کانون‌های فصلی به شمار می‌روند. ذوب تدریجی برف امکان نفوذ بیشتری را فراهم می‌کند و موجب اشباع مواد رسوبی سطح دامنه‌ها و از بین رفتن مقاومت آن‌ها و سرانجام حرکتشان می‌شود (افزایش احتمال وقوع زمین‌لغزش).

تعریف کانون آبگیر		مکان‌های در مناطق مرتفع کوهستانی که سرچشمه رودهای متعددی است. رودهایی که از کانون‌های آبگیر سرچشمه می‌گیرند، ممکن است در جهات مختلف جریان یابند.
انواع	دائمی	بیش از ۵۰۰ میلی‌متر بارش دارد و حداقل در هشت ماه از سال، این بارش‌ها اتفاق می‌افتد.
کانون	فصلی	در فصول سرد سال، ذخیره برف خود را تا ابتدای ماه‌های گرم سال حفظ می‌کند.
آبگیر	اتفاقی	در کوهستان‌های نزدیک مناطق گرم و خشک که بارش‌های کوتاه و اتفاقی رخ می‌دهد، نوعی کانون آبگیر موقت شکل می‌گیرد.

موارد «الف» و «ب» بین دریای خزر و خلیج فارس مورد «ج» بین دریای عمان و خلیج فارس مشترک است.

نام دریا یا دریاچه	خرز (دریایی مشترک با همسایگان)	خلیج فارس (مسیر دریایی ایران برای همکاری جهانی)	عمان (راهبانی ایران به اقیانوس)
نام‌های دیگر	مازندران، قزوین، گرگان، طبرستان، هیرکانی، دیلم و کاسپین	دریای پارس	مکران
همسایگان	روسیه، ایران، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان	کویت، ایران، عربستان، بحرین، قطر، امارات و عراق	ایران، پاکستان و عمان
طول و عرض متوسط	طول: ۱۲۰۰ km عرض: ۳۰۰ km	طول: ۹۰۰ km عرض: ۲۵۰ km	عمق: گاهی تا ۲۰۰۰ m
رودهایی که به آن می‌ریزد	ولگا و اورال ← شمال سفید رود و هراز ← جنوب اترک و گرگان ← جنوب شرق کورا و ارس ← جنوب غرب	فارس کرخه دالکی مندر	-
اهمیت‌ها	۱- تجارت دریایی ۲- منابع عظیم نفت و گاز و بهره‌برداری از این منابع ۳- ویژگی‌های خاص محیط زیست ۴- گردشگری ۵- صید ماهی ۶- محل توقف پرندگان مهاجر ۷- انواع ماهیان خاویاری	۱- تجارت دریایی ۲- منابع عظیم نفت و گاز ۳- انواع ماهی و میگو ۴- پرورش و صید مروارید	۱- امکان دسترسی به همه آب‌های آزاد جهان ۲- حمل و نقل کالا و مسافر ۳- صیادی و پرورش ماهی و میگو

هوای سرد شده در نواحی فوقانی استوا به سمت عرض‌های بالاتر حرکت می‌کند و تحت تأثیر نیروی کوریولیس دچار انحراف می‌شود. در منطقه جنب حاره (اطراف مدار رأس‌السرطان و رأس‌الجذی تا مرز منطقه معتدله یعنی ۶۶.۵ - ۲۳ درجه شمالی و جنوبی) سرد و سنگین می‌شود و فرو می‌نشیند و مراکز فشار زیاد جنب استوایی را به وجود می‌آورد.

بیابان‌ها که بخش قابل توجهی از سطح زمین را فراگرفته‌اند، از نظر دما به دو گروه تقسیم می‌شوند:

بیابان‌های گرم	عمدتاً در نواحی مجاور مدار رأس‌السرطان و رأس‌الجذی واقع شده‌اند.	مانند: بیابان‌های نامیب و استرالیا
بیابان‌های سرد	عمدتاً در عرض‌های جغرافیایی بالا یا در ارتفاعات زیاد قرار دارند.	مانند: بیابان‌های گبی و ترکستان



اصلی‌ترین علل ایجاد بیابان‌ها عبارتند از:

عامل	نحوه عملکرد	مثال
استقرار مرکز پرفشار	در نواحی پرفشار، فرونشینی هوا مانع صعود هوا و بارش می‌شود؛ مانند: ۱- در منطقه جنب حاره‌ای، در حوالی مدارهای راس‌السرطان و راس‌الجدي توده‌های هوا فرو می‌نشینند و یک منطقه پر فشار به وجود می‌آورند. بنابراین کمربند بیابانی کره زمین در اطراف این دو مدار در سه قاره گسترده شده است. ۲- در مناطق قطبی نیز به دلیل پر فشار بودن امکان صعود هوا وجود ندارد.	بیابان آتاکاما، بیابان نامیب
دوری از منابع رطوبت	برخی نواحی به علت دوری از دریاها و منابع رطوبتی یا شکل و جهت ناهمواری‌ها و نیز قرار گرفتن در پشت کوه‌ها که مانع رسیدن توده هوای مرطوب به آن‌ها می‌شود، با خشکی هوا مواجه هستند.	بیابان گبی، تکه ماکان

۲ ۱۱۹

پایه نهم جغرافیا

کلوت، گرز دیو و دشت ریگی از جمله اشکال کاوشی و حاصل کنده شدن ذرات و انتقال آن به مکان دیگر هستند. کلوت حاصل تخریب بخش نرم‌تر و باقی ماندن بخش‌های سخت و مقاوم‌تر و دشت ریگی حاصل حمل بخش مواد ریزدانه‌تر و باقی ماندن مواد دانه درشت‌تر است.

فرایند فرسایش	اشکال فرسایش	شیوه ایجاد
کاوشی «حاصل کنده شدن ذرات از یک مکان و انتقال آن‌ها به مکان‌های دیگر»	دشت ریگی	وقتی در زمین‌های پوشیده از ماسه‌های ریز، شن و سنگ‌های ریز و درشت، باد ماسه‌های ریز را با خود می‌برد، در طول زمان، سنگ‌های درشت بر جای می‌مانند و سطوحی پر از قلوه‌سنگ‌ها به وجود می‌آورند که به آن سنگ‌فرش بیابانی نیز می‌گویند. مانند: دشت ریگی در اردن
	چاله‌های بادی	در نواحی دارای ماسه‌های ریز و به ویژه فاقد پوشش گیاهی، باد ذرات را از محل خود جابه‌جا می‌کند و به تدریج حفره‌ها یا چاله‌هایی وسیع پدید می‌آورد. اگر در اثر برخورد با آب‌های زیرزمینی، رطوبت و چسبندگی در دانه‌ها به وجود نیاید، فرسایش بادی گند و سپس متوقف می‌شود. چاله‌های بادی که عمق بعضی از آن‌ها به ۴۰ متر نیز می‌رسد، در دشت لوت وجود دارد. مثال دیگر: چاله بادی در الجزایر
	کلوت (یاردانگ)	کلوت یا یاردانگ در رسوبات نرم به‌جامانده از دریاچه‌های قدیم پدید می‌آید. طی میلیون‌ها سال، باد شیارهایی موازی و با شکل در این رسوبات ایجاد می‌کند. به تدریج بخش نرم را با خود می‌برد و بخش‌های سخت‌تر باقی می‌مانند. برجسته‌ترین کلوت‌ها در غرب بیابان لوت در منطقه شهداد در استان کرمان وجود دارد و از جاذبه‌های طبیعی منطقه برای گردشگران داخلی و خارجی است. کلوت‌ها که حاصل فرسایش بادی - آبی هستند، در مناطق خشک ایالات متحده آمریکا، مصر، چین و ایران مشاهده می‌شوند. مثال دیگر: یاردانگ‌های بیابان گبی
تراکمی «حاصل انباشته شدن ذرات توسط باد در یک مکان»	گرزدیو و ستون‌های سنگی	گاهی باد مواد نرمی را که در زیر یا لبه تخته‌سنگ‌ها قرار گرفته‌اند تخریب می‌کند و با خود می‌برد و بخش‌های سخت و مقاوم را باقی می‌گذارد. در نتیجه، ستون‌هایی سنگی به شکل قارچ یا سایر اشکال به وجود می‌آیند که به آن‌ها گرز دیو، دودکش جن، (به انگلیسی هودو Hoodoo) می‌گویند. مانند: گرز دیو بیابان سیریک - بندر جاسک
	تپه‌های ماسه‌ای (تلماسه)	تپه‌های ماسه‌ای یا تلماسه که در انگلیسی به دون مشهورند، بر اثر وزش باد و جابه‌جاشدن ماسه و شن پدید می‌آیند، ماسه‌هایی که به وسیله باد در سطح زمین حرکت می‌کنند، اگر به موانعی مثل گیاهان و بوته‌های خار یا قطعات سنگ و نظایر آن برخورد کنند و متوقف شوند یا سرعت باد در منطقه کاهش یابد، روی هم انباشته می‌شوند و سرانجام تلماسه‌ها یا تپه‌های ماسه‌ای را تشکیل می‌دهند. تپه‌های ماسه‌ای چندین متر ارتفاع دارند و ارتفاع برخی تپه‌های ماسه‌ای در لیبی تا ۳۰۰ متر و در لوت ایران تا بیش از ۵۰۰ متر نیز می‌رسد. یکی از نکات جالب توجه درباره تلماسه‌ها یا تپه‌های ماسه‌ای، حرکت آن‌هاست. برخی تلماسه‌ها می‌توانند طی یک سال ۱۰ تا ۲۰ متر در جهت وزش باد حرکت کنند. یا وزش باد، ماسه‌های دامنه رو به باد به طرف بالا رانده می‌شوند و پس از رسیدن به قله، در دامنه پشتی فرود می‌آیند و همان جا انباشته می‌شوند. این فرایند موجب حرکت مداوم تلماسه می‌شود. تپه‌های ماسه‌ای انواع مختلف دارند، یکی از انواع مهم آن‌ها برخان است. برخان‌ها تپه‌های ماسه‌ای هلالی شکل و منفردی هستند که دو زائده یا بازو در جهت باد دارند. مانند: برخان دژ مرگ در کالیفرنیا



ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، استرالیا، زلاندنو، آرژانتین و برزیل از مهم‌ترین مراکز دامداری تجاری در جهان هستند (درستی مورد «الف»).

نواحی صنعتی ایالات متحده آمریکا بیشتر در شمال شرق و از کوه‌های آپالاش تا دریاچه‌های پنج‌گانه گسترده شده‌اند (درستی مورد «د»).

ایالات متحده آمریکا حدود ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند (نادرستی مورد «ب»).

بیشترین میزان خطوط سریع‌السیر و طولانی‌ترین خط قطار تندروی جهان متعلق به کشور چین است (نادرستی مورد «ج»).

کشورها از نظر وسعت با یکدیگر تفاوت دارند. وسعت زیاد به خودی خود امری مطلوب است و از بین دو کشور که شرایط یکسانی دارند، کشوری که سرزمین وسیع‌تری در اختیار دارد، قدرتمندتر است. کشورهای کوچک که کمبود فضا دارند، برای فعالیت‌های خود با مشکل روبه‌رو می‌شوند. همچنین، در کشورهای وسیع، در زمان جنگ می‌توان نیروهای نظامی پشتیبان را به بخش دیگری منتقل کرد؛ چنان که در جنگ ژاپن و چین، چین نیروها و تدارکاتش را به غرب کشور خود انتقال داد.

عوامل جغرافیایی مؤثر در قدرت ملی

موقعیت جغرافیایی کشور:

تعریف: موقعیت جغرافیایی (ریاضی و نسبی): چگونگی قرار گرفتن یک مکان در سطح کره زمین.

این عامل در افزایش یا کاهش قدرت کشور بسیار اثر گذار است. یعنی قرار گرفتن یک کشور در میان همسایگان قدرتمند یا ضعیف در سیاست خارجی آن مؤثر است.

کشور حائل: کشوری که بین دو یا چند قدرت بزرگ قرار دارد و معمولاً موقعیت آسیب‌پذیری پیدا می‌کند.

مثال: لهستان بین روسیه و آلمان قرار دارد و در دوره‌هایی از تاریخ به دلیل همین موقعیت، موجودیت خود را از دست داده است.

تعریف: موقعیت دریایی: میزان دسترسی به آب‌های آزاد جهان

موقعیت دریایی نیز نقش مهمی در قدرت ملی دارد و دسترسی به آب‌های آزاد یا عدم دسترسی به دریا در قدرت یا ضعیف یک کشور اثرگذار است.

مثال: انگلستان و ژاپن توانستند به قدرت‌های بزرگ دریایی تبدیل شوند؛ زیرا از همه جهت به آب‌های آزاد دسترسی داشتند.

مثال: یکی از دلایل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را می‌توان محدودیت‌های کشور عراق در دسترسی به سواحل خلیج فارس و دهانه اروندرود دانست.

شکل ساحل روی دفاع از مرزهای دریایی و کیفیت عملیات نظامی نیز تأثیر دارد.

وسعت کشور:

وسعت زیاد به خودی خود امری مطلوب است و از میان دو کشور با شرایط یکسان، کشوری که سرزمین وسیع‌تری دارد، قدرتمندتر است.

– کشورهای کوچک به سبب کمبود فضا، برای فعالیت‌های خود با مشکل مواجه‌اند.

– در کشورهای وسیع می‌توان در زمان جنگ نیروهای نظامی پشتیبان را به بخش دیگری انتقال داد.

مثال: در جنگ چین و ژاپن، چین نیروها و تدارکاتش را به غرب کشور منتقل کرد.

وسعت زیاد اگر با کمبود جمعیت همراه باشد، دفاع از کشور را دچار مشکل می‌کند.



شهر پایدار شهری است که در آن نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ساکنان به طور مناسب و عادلانه برطرف می‌شود؛ بدون اینکه منافع نسل‌های آینده به خطر بیفتد و شهر و فعالیت‌های شهری کمترین تأثیر نامطلوب را بر محیط زیست دارد.

در شکل سوال، با دستیابی به پدیده «الف»، از وقوع پدیده «ب» و تبدیل شهرها به مکان‌های مهاجرفرست، جلوگیری می‌شود.

اساساً یک منطقه وقتی مهاجرفرست می‌شود که بعد زیست محیطی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی خوبی نداشته باشد. اگر همه این‌ها داشته باشد، دیگه مهاجرفرست نیست و احتمالاً تبدیل به مهاجرپذیر می‌شود.



ایران طولانی‌ترین مرز را با عراق و کوتاه‌ترین مرز را با ارمنستان دارد.

نظام سیاسی کشورهای عراق، جمهوری آذربایجان و انگلستان از نوع ناحیه‌ای و ترکیبی است. در این نوع نظام، بخش اعظم کشور به صورت تک‌ساخت است؛ فقط یک یا چند بخش کوچک به صورت ناحیه‌ای و خودمختار اداره می‌شوند و مناطق خودمختار اختیارات سیاسی و اجرایی ویژه‌ای در ناحیه خود دارند.

انواع نظام سیاسی	ویژگی‌ها	نمونه
تک‌ساخت (یکپارچه)	از اروپا به سایر نقاط جهان راه یافته و فرانسه از پیشگامان این الگو است. - کشور به واحدهای سیاسی و اداری کوچک‌تر (مانند استان و شهرستان) تقسیم شده و حدود اختیارات آن‌ها را حکومت مرکزی مشخص می‌کند. - اختیارات محلی محدود و نظام قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری متمرکز است. - قدرت سیاسی از پایتخت به دیگر نقاط کشور اعمال می‌شود و مدیریت‌های محلی، تصمیمات دولت مرکزی را اجرا می‌کنند. - فقط یک سطح قانون‌گذاری (یعنی مجلس ملی قانون‌گذاری) در مرکز وجود دارد و قوانین و تشکیلات اداری در همه کشور یکسان است. برای مثال: در این نظام سیاسی تشکیلات ادارات آموزش و پرورش و قوانین و مقررات آن، شرایط ورود به دانشگاه یا قوانین اقتصادی مربوط به تجارت و ... در تمام نقاط کشور یکنواخت است.	ایران فرانسه سودان شمالی
فدرال	کشور به چند ایالت تقسیم می‌شود و ایالت‌ها اختیارات زیادی دارند. - حکومت و توزیع قدرت در سرزمین دو سطح دارد (الف) فدرال (ملی و حکومت مرکزی) ب) ایالت (منطقه) - هر ایالت علاوه بر حکومت و نیروی تصمیم‌گیری در سطح ملی، قوه مقننه، مجریه و قضائیه مستقل نیز دارد. - مجلس نمایندگان و سنا در مرکز کشور و مجلس ایالتی در هر ایالت استقرار یافته و وظیفه قانون‌گذاری دارند؛ به همین دلیل بعضی از قوانین ایالت‌ها با هم تفاوت دارد و هر ایالت در امور و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی خود به طور مستقل تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. برای مثال: در کشوری مانند استرالیا، قوانین آموزش و پرورش، نوع برنامه‌های درسی و دوره‌های تحصیلی در ایالت‌های مختلف متفاوت است.	استرالیا هند روسیه
ناحیه‌ای و ترکیبی	- بخش اعظم کشور به صورت تک‌ساخت است و تنها یک یا چند بخش کوچک به صورت ناحیه‌ای و خودمختار اداره می‌شوند. - مناطق خودمختار اختیارات سیاسی و اجرایی ویژه‌ای دارند.	عراق جمهوری آذربایجان انگلستان

معمولاً به قطارهایی که بیش از ۲۰۰ کیلومتر در ساعت سرعت داشته باشند قطار پرسرعت می‌گویند. در حال حاضر، قطار پرسرعت در کشور ما موجود نیست و سرعت قطارها حداکثر ۱۶۰ کیلومتر در ساعت است.

قطارهای پرسرعت (تندرو):



تعریف: معمولاً به قطارهایی که بیش از ۲۰۰ کیلومتر در ساعت سرعت داشته باشند، گفته می‌شود.
- در نیمه دوم قرن بیستم کشورهایی مانند فرانسه، اسپانیا، آلمان و ژاپن طرح‌هایی را برای تولید قطارهای پرسرعت طراحی و آزمایش کردند.
- قطار پرسرعت الکتریکی که در سال ۱۹۶۴م. بین توکیو و ازاکا در ژاپن به حرکت درآمد، از اولین قطارهای پرسرعت جهان است.
شرکت‌های بزرگ تولید کننده قطارهای پرسرعت در چند دهه اخیر، وارد رقابت شده و به تدریج رکورد سرعت را از ۱۶۰ کیلومتر در ساعت به بیش از ۳۰۰ کیلومتر در ساعت (و حتی ۴۵۰ کیلومتر در ساعت) افزایش داده‌اند.
- امروزه کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه و آلمان و کشورهای آسیای جنوب شرقی مانند ژاپن، کره جنوبی، چین و تایوان، تولید کنندگان عمده قطارهای تندرو هستند.



نفوذپذیری کم خاک، بارش‌هایی با شدت بیشتر و در مدت کمتر، پوشش گیاهی فقیر، حوضه‌های آبریز گردتر و شیب زیاد حوضه آبریز سبب افزایش استعداد وقوع سیل در حوضه آبریز می‌گردد.

عوامل طبیعی مؤثر در وقوع سیل:



در بین عناصر آب و هوایی، حجم بارش و مدت زمان آن، نقش مهمی در وقوع سیل دارد. بیشتر سیل‌ها پس از یک بارش شدید و جاری می‌شوند. به عنوان نمونه، بارشی به میزان ۲۰ میلی‌متر طی دو ساعت ممکن است سیل ایجاد کند؛ اما همین مقدار بارش که در مدت ۲۴ ساعت ببارد، منجر به سیل نمی‌شود؛ زیرا رودخانه، جریان آب حاصل از بارش را به تدریج تخلیه می‌کند. مثال: در مرداد ۱۳۶۶ به طور ناگهانی در ۱۰۷ دقیقه، ۲۸ میلی‌متر باران بارید و سیلاب بزرگی در دره‌های دربند و گلاب دره (واقع در منطقه تجریش در شمال تهران) جاری شد، این سیل از پرتلاطم‌ترین سیل‌های کشور بوده است، حدود ۳۰۰ کشته بر جای گذاشت و در طول مسیر خود، به خانه‌ها و خودروها خسارات فراوان وارد کرد.	شدت و مدت بارش
شکسته شدن ناگهانی سدها در اثر عوامل مختلف (از قبیل: ۱- زلزله ۲- بارش بیش از گنجایش مخزن سد، ۳- مقاوم نبودن سازه سدی یا عوامل انسانی دیگر) موجب می‌شود تا حجم زیادی از آب که در پشت سد ذخیره شده است، سرریز کند و در پایین دست، سیل رخ دهد.	شکسته شدن سدها
هر رود (مانند شاخه‌های درخت) انشعاباتی دارد که به مجموعه آن‌ها، «شبکه زهکشی» می‌گویند. کار شبکه زهکشی، جمع‌آوری و تخلیه آب حاصل از بارش در سطح زمین است. شبکه زهکشی در یک منطقه وسیع قرار دارد که به آن حوضه آبخیز گفته می‌شود. بین ویژگی‌های حوضه آبخیز و امکان بروز سیل، رابطه مستقیمی وجود دارد: ۱- هر قدر حوضه آبخیز وسیع‌تر باشد، آینده‌ای قوی‌تر و بیشتر است. آینده‌ی بیشتر هم امکان بروز سیل رو افزایش می‌دهد! ۲- هر قدر شکل حوضه آبخیز گردتر باشد، سیل خیزتر است. برعکس هرچی شکل این حوضه، درازتر و کشیده‌تر باشد، سیل‌خیزی اون کمتره! نکته: حوضه‌های آبخیز از نظر شکل به سه گروه گرد، دراز و پهن تقسیم می‌شوند. ۳- هر قدر حوضه آبخیز پرشیب‌تر باشد، سیل خیزی آن بیشتر است.	ویژگی‌های طبیعی حوضه رود



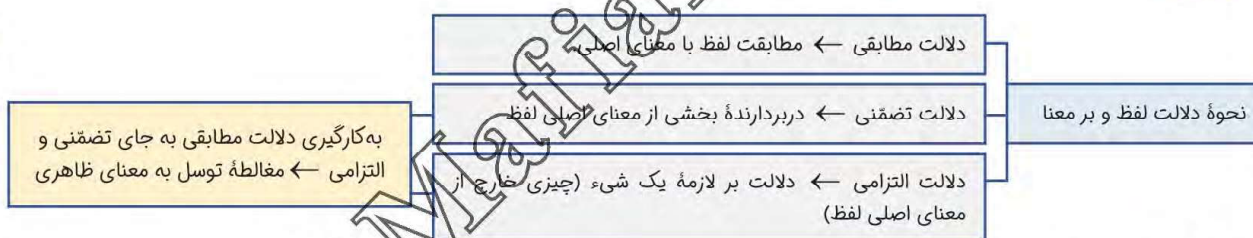
تفاوت‌های تصور و تصدیق	
تصور	تصدیق
با مفهوم سروکار دارد.	با واقعیت و عدم واقعیت سروکار دارد.
قابلیت صدق و کذب ندارد.	قابلیت صدق و کذب دارد.
با درک مفهوم روبه‌رو هستیم.	با حکم و قضاوت درباره یک خبر روبه‌رو هستیم.
جمله خبری کامل نیست.	حتماً جمله خبری کامل و معنادار است.

پایه تشخیصی

تعریف برای کشف تصورات مجهول به کار می‌رود و استدلال برای کشف تصدیقات مجهول. در بین گزینه‌های صورت سؤال، همگی غیر از گزینه ۳ تصدیق هستند. از آن جایی که گزینه «۳» گزاره‌ای ندارد پس می‌توان گفت که جمله‌ای کامل نیست. همچنین برای تشخیص تصور از تصدیق کافی است از جرابی آن سؤال کرده و اگر سؤال از جرابی معنادار بود، تصدیق و اگر بی‌معنا بود، تصور است.

بررسی همه گزینه‌ها:

- چرا «علم و دانش بشری به دو قسم تصور و تصدیق تقسیم می‌شود؟» — معنادار — تصدیق
- چرا «برخی فیلسوفان غربی به وجود نفس مبرمادی اعتقاد ندارند؟» — معنادار — تصدیق
- چرا «مکاتب مهم فلسفی که در جهان اسلام مطرح شده‌اند؟» — بی‌معنا — تصور
- چرا «انسان در این جهان جاودانه نیست؟» — معنادار — تصدیق



بررسی همه گزینه‌ها:

- وقتی سقراط را به دادگاه آوردند، حاضران به احترام شیردلی‌های او در جنگ‌های پلوپونزی از صندلی‌های خود خواستند.
 - کل دادگاه: مطابقی
 - شجاعت: التزامی
 - روی صندلی: تضمینی
- در میانه راه به شهری فرود آمدند، که مردمش به پاکدستی شهره بودند. پس با خیالی آسوده در منزلی ساکن شدند.
 - کل شهر: مطابقی
 - امانت‌داری: التزامی
 - کل منزل: مطابقی
- چهل و غرور دو صفت انسان است که نزد هر جامعه و قومی ناپسند است پس باید از این دو دست شست.
 - کل انسان: مطابقی
 - کل جامعه: مطابقی
 - کنار گذاشتن: التزامی



۲

شیر خود را سلطان جنگل می‌دانست و حیوانات دیگر تحت فرمان او به سر می‌بردند.

همه حیوانات دیگر:
مطابقی

کل معنای جنگل:
مطابقی

کل شیر: مطابقی

۳ ۱۲۸

نسبت	ویژگی	تعداد قضایا	نوع قضایا	شکل هندسی نسبت
تساوی	دو مفهوم که تمام مصادیقشان مشترک است.	دو قضیه	هر الف ب است هر ب الف است	
تباین	دو مفهوم که هیچ مصادیق مشترکی ندارند.	دو قضیه	هیچ الف ب نیست هیچ ب الف نیست	
عموم و خصوص مطلق	دو مفهوم که یکی از آن‌ها از دیگری عام‌تر است و تمامی مصادیق آن را در بر می‌گیرد.	سه قضیه	هر الف ب است بعضی ب الف است بعضی ب الف نیست	
عموم و خصوص من وجه	دو مفهوم که هر دو در عین داشتن مصادیق مشترک، دارای مصادیق اختصاصی نیز هستند.	چهار قضیه	بعضی الف ب است بعضی الف ب نیست بعضی ب الف است بعضی ب الف نیست	

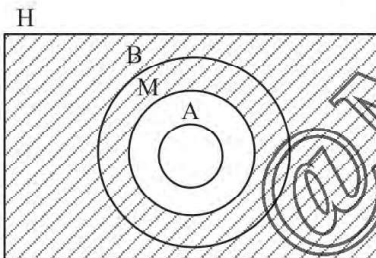
پاسخ تشریحی:

طبق فرض سؤال، بین A ، M و B عموم و خصوص مطلق به صورت زیر وجود دارد و حکم سؤال، رابطه A با نقیض M (غیر M) و رابطه B با نقیض M (غیر M) را خواسته است.

با در نظر گرفتن مجموعه مرجع

(۱) A و نقیض M (هاشور خورده)

آیا هر A ، نقیض M است؟ خیر
 آیا هر نقیض M ، A است؟ خیر
 آیا بعضی A ، نقیض M است؟ خیر



(۲) B و نقیض M (هاشور)

آیا هر B ، نقیض M است؟ خیر
 آیا هر نقیض M ، B است؟ خیر
 آیا بعضی B ، نقیض M است؟ بله

۴ ۱۳۹

پاسخ تشریحی:

پروین تجربیات محدود خود را به همه موارد و برای همه افراد تعمیم داده است، پس استقرای تعمیمی است.



بررسی ساینرگزینه‌ها:

- ۱ مقدمه استدلال در مورد علی صحبت می‌کند، نتیجه هم در مورد علی صحبت می‌کند، پس تعمیم اتفاق نیفتاده است.
- ۲ از آن جایی که با توجه به مدار حرکت زمین به دور خورشید نتیجه گرفته شده است، پس نتیجه قطعی بوده و استقرای تعمیمی نیست.
- ۳ نتیجه انتخابات یک استقرای تام است زیرا همه آراء شمارش می‌شوند، جمله پایانی هم یک نتیجه‌گیری نیست، بلکه یک اظهار نظر مجزا است.

جدول ویژگی‌های استقرای تعمیمی:

مبنای استدلال	تخمین زدن درباره جامعه آماری مدنظر
سیر و نحوه استدلال	حرکت از جزئی به کلی
عناصر و اجزای سازنده استدلال	مشاهده و بررسی یک یا چند مورد و تعمیم و سرایت حکم آن موارد به کل جامعه آماری
کاربرد استدلال	(۱) علوم تجربی (۲) ریاضیات (۳) نظرسنجی‌ها
معیار ارزش استدلال (شرایط استقرای تعمیمی قوی)	(۱) نمونه‌ها تصادفی باشند. (۲) نمونه‌ها باید متفاوت بوده و بیانگر همه طیف‌های مختلف جامعه آماری باشند. (۳) تعداد نمونه‌ها نسبت به کل جامعه آماری نسبت مناسبی داشته باشند.
نتیجه استدلال	احتمالی و غیرقطعی

۱۳۰

پاسخ تشریحی:

با توجه به صورت سؤال باید موارد نتیجه قطعی را پیدا کنیم:

بررسی همه گزینه‌ها:

تناقض	یک قضیه موجبه کلی صادق است پس در ۴ حالت نتیجه قطعی دارد.
تضاد	
تداخل	
عکس مستوی	
تناقض	یک قضیه موجبه جزئی صادق است پس در ۲ حالت نتیجه قطعی دارد.
عکس مستوی	
تناقض	یک قضیه شخصی صادق است پس در این حالت نتیجه قطعی دارد.
تناقض	یک قضیه موجبه جزئی صادق است پس در ۲ حالت نتیجه قطعی دارد.
عکس مستوی	



جدول احکام قضایای متقابل:

نوع تقابل	شرایط	نوع دو قضیه	احکام	نتیجه‌گیری	مثال برای نوع تقابل
تناقض	کمیت و کیفیت متفاوت	موجبه کلیه ↓ سالیه جزئیه ↑ سالیه کلیه ↓ موجبه جزئیه	صدق (همزمان) هر دو محال و کذب (همزمان) هر دو محال (اجتماع و ارتفاع محال)	از صدق یکی، کذب دیگری حاصل می‌شود. از کذب یکی، صدق دیگری حاصل می‌شود.	هر دانشی مفید است. (موجبه کلیه) ↓ بعضی دانش‌ها مفید نیستند. (سالیه جزئیه)
تضاد	هر دو کلی، کیفیت متفاوت	موجبه کلیه ↑ سالیه کلیه	صدق هر دو محال کذب هر دو ممکن (اجتماع محال و ارتفاع ممکن)	از صدق یکی کذب دیگری حاصل می‌شود. از کذب یکی، صدق یا کذب دیگری معلوم نمی‌شود.	هر حیوانی جاندار است. (موجبه کلیه) ↓ هیچ حیوانی جاندار نیست. (سالیه کلیه)
تداخل	کیفیت یکسان، کمیت متفاوت	موجبه کلیه ↓ موجبه جزئیه ↑ سالیه کلیه ↓ سالیه جزئیه	صدق هر دو ممکن کذب هر دو ممکن کذب کلی و صدق جزئی ممکن صدق کلی و کذب جزئی محال	از صدق کلی به صدق جزئی می‌رسیم. از کذب جزئی به کذب کلی می‌رسیم. سایر حالت‌ها نامشخص است.	هر کلاغی سیاه است. (موجبه کلیه) ↓ بعضی کلاغ‌ها سیاه هستند. (موجبه جزئیه)

۲ ۱۳۱

پایه تشریحی:

ابتدا باید نقیض «بعضی الف ب نیست» را به دست آوریم.

بعضی الف ب نیست ← نقیض هر الف ب است.

حال باید توجه کنیم که اجزای غیر حد وسط مقدمات اگر منفی باشند نباید در نتیجه مثبت باشند در غیر این صورت شرط سوم اعتبار قیاس، نقض می‌شود.

در این مقدمه «ب» منفی است پس در نتیجه نیز باید منفی باشد و تنها گزینه‌ای که «ب» در آن مثبت است، گزینه ۲ می‌باشد.

بررسی همه گزینه‌ها:

۱ هر ج ب است ← ب منفی است.

۲ بعضی ج ب نیست ← ب مثبت است.

۳ بعضی ب ج است ← ب منفی است.

۴ بعضی ب ج نیست ← ب منفی است.

۲ ۱۳۲

بررسی همه گزینه‌ها:

۱ بحث درباره عوامل مجرد از ماده مربوط به فلسفه مضاف نمی‌شود بلکه مربوط به فلسفه اولی است.

۲ این که جامعه مجموعه افرادی است که کنار هم زندگی می‌کنند نظریه اصالت فرد است، که مربوط به فلسفه علوم اجتماعی است (نظریه مالکیت خصوصی در جامعه‌شناسی بر آن مبتنی است).

۳ مبنای استدلال در این گزینه شواهد تاریخی است که اساساً مربوط به حوزه فلسفه نیست.

۴ در این عبارت بحث انسان‌شناسی مطرح است نه اساس بودن فلسفه مضاف برای نظرات علمی.



۳ | ۱۳۳

پایان تشریحی:

از آن جایی که فیلسوف به مدد عقل خود از بند عادات غیرمنطقی رها می‌شود و به واقعیت اصیل پی می‌برد و به آزادی حقیقی می‌رسد، لذا شخصی که زندانی را یاری می‌کند تا از غار خارج شود می‌تواند نماد عقل باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ زندانیان از واقعیت خود بی‌خبرند.

۲ نشانه‌های واقعیت‌های بیرونی، سایه‌های روی دیواره غار هستند، و زندانیان در زمان اسیری توان درک آن‌ها را دارند.

۳ اگر زندانی به‌طور اتفاقی از بند رها شود به دلیل مواجهه ناگهانی با حقیقت، توان تحمل آن را نداشته و به زندان برمی‌گردد و عقیده‌اش نسبت به سایه‌ها استوارتر خواهد شد، زیرا آن‌ها را بهتر می‌تواند ببیند.

۲ | ۱۳۴

پایان تشریحی:

قبل از سوفیست‌ها مباحث فلسفی بیش‌تر پیرامون و حول محور دگرگونی‌های عالم طبیعت یا هستی بود ولی سوفیست‌ها با بی‌ارزش دانستن این مباحث به جهت اختلافات و تناقضات گفتمانی اندیشمندان، جهت مسائل فلسفی را از مسائل هستی‌شناسی برگرداندند. سقراط برخلاف فیلسوفان ایونی همانند تالس و فیثاغورث و ... که در پی تحلیل تغییرات عالم طبیعت یا هستی و جهان بودند به انسان و مسائل پیرامون وی پرداخت و در مورد امکان رسیدن انسان به حقیقت و نیز درباره اهمیت فضیلت به عنوان راه وصول انسان به سعادت سخن گفت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ بحث کردن از مغالطات یک بحث منطقی است نه بحث فلسفی.

۲ سقراط برخلاف سوفسطائیان بر امکان رسیدن انسان به حقیقت ثابت اشیاء تأکید کرد، بنابراین سقراط در پی تحلیل مسئله شناخت بود.

۳ بیش از گفت‌وگوی سوفسطائیان توجه به مسائل انسان و مسائل پیرامونش وجود نداشت اما بیش از این گفت‌وگوها، این مسائل اهمیت پیدا کرد.

۴ | ۱۳۵

پایان تشریحی:

همین که متوجه خطای خود می‌شویم، یعنی شناخت صحیح را نیز یافته‌ایم؛ زیرا در غیر این‌صورت متوجه نمی‌شدیم که شناخت قبلی خودمان خطا بوده است، پس درک خطا به معنای امکان شناخت و کسب آگاهی و شناخت نسبت به موجودات جهان است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ برای ما ممکن است که به خطای خود پی ببریم ولی در عین حال ممکن است که از حدود و قلمرو شناخت خود بی‌اطلاع باشیم!

۲ این‌که ما چگونه خطا را از حقیقت تشخیص می‌دهیم، یک بحث جدا است و صرفاً با شناسایی چند خطا، نمی‌توانیم آن را دریابیم.

۳ این‌که متوجه خطا می‌شویم اجمالاً نشان می‌دهد به حقیقتی هم رسیده‌ایم ولی این سوال که شناخت‌های ما تا چه حد با واقعیت مطابقت دارند، سوال دقیق‌تریست که نیاز به بررسی‌های معرفت‌شناختی دارد.



جریان	فیلسوفان مطرح	توضیحات
توجه به تجربه و تجربه‌گرایان	فرانسویس بیکن - جان لاک - دیوید هیوم	◀ نزاع این بود: آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می‌رساند یا استدلال عقلی؟ ◀ بیکن به اصالت تجربه معتقد بود و می‌گفت اصرار ارسطو و فیلسوفان پیرو او بر استدلال عقلی؛ باعث شده علوم تجربی در تعصب بماند و پیشرفت نکند. ◀ در قرن ۱۷ توجه به تجربه بیشتر شد و عامل توجه به علوم تجربی و پیشرفت علوم شد.
توجه به عقل و عقل‌گرایان	دکارت - کانت	◀ دکارت می‌گوید انسان به‌طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که از تجربه به‌دست نیامده است. مثال: معرفت به وجود نفس مجرد - معرفت به وجود خدا ◀ او مخالف تجربه نبود ولی گزاره‌های عقلانی‌ای را هم قبول داشت که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط بر استدلال عقلی تکیه داشتند. ◀ کانت می‌گفت معرفت حاصل همکاری حس و عقل است. ◀ کانت می‌گوید قوه ادراکی انسان مفاهیمی مانند علیت و تصوراتی مثل زمان و مکان را نزد خود دارد. ◀ انسان هرچه را از طریق حس به او می‌رسد، در قالب این مفاهیم درک می‌کند. مثال: انسان با کمک علیت که از بیرون از قوه ادراکی نگرفته می‌تواند بین طلوع خورشید و روشن شدن زمین رابطه برقرار کند.

پاسخ تشریحی:

کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید که هم اعتبار عقل و هم اعتبار تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت و شناخت حاصل همکاری عقل و حس است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲. علیت از نظر کانت در ساختار ذهن انسان است و به پدیده‌های خارجی تعمیم داده نمی‌شود.

۳. این که می‌گوییم مفهوم علیت را دستگاه ادراکی انسان می‌سازد نادرست است، چون از نظر کانت، علیت در ساختار ذهن است و به صورت پیش‌بینی در ذهن وجود دارد.

۴. کانت عقیده دارد که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آن‌ها را از راه حس و تجربه به‌دست نمی‌آورد.

پاسخ تشریحی:

این که عقل می‌تواند خوب و بد را تشخیص دهد نمی‌تواند نقطه اشتراک فلاسفه در مورد اخلاق باشد، زیرا برخی از فیلسوفان برای عقل (به تنهایی)، اعتبار قائل نیستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ و ۳. همگی مورد تأیید همه فیلسوفان هستند ولی از نظر طبیعت‌گرایان این امور بنا و ملاک اخلاق هستند.

۴. اولاً یک مطلب فلسفی نیست که بین مکاتب اخلاقی مورد اختلاف باشد. در ثانی همه مکاتب اخلاقی به این موضوع اذعان دارند که انسان دو دسته فعل یعنی فعل طبیعی و فعل اخلاقی دارد و میان این دو دسته از افعال، تفاوت وجود دارد.



واجب الوجود بالغیر، بودن و نبودنش مساوی نیست بلکه به واسطه حضور علت، بودن آن بر نبودنش ترجیح پیدا کرده است و حتمی و ضروری است.



به جهت اصل سنخیت میان علت و معلول، معلول‌های مشابه باید از علت‌های مشابه صادر شوند.

توالی و پشت سرهم آمدن مکرر پدیده‌ها ربطی به علیّت ندارد و ممکن است دو پدیده همواره متوالی باشند، اما رابطه علیّت بین آن‌ها برقرار نباشد.

این‌که یک پدیده دارای آثار متفاوتی است، یعنی یک پدیده معلول‌های متفاوت دارد چون این علت با هریک از معلول‌هایش، هم‌سنخ است پس معلول‌ها با هم هم‌سنخ بوده و اگر یکی از آن معلول‌ها موجود شده باشد، دیگری هم موجود می‌شود پس این موضوع حتمی است و احتمالی نیست.

اثر را فقط می‌توان به علت تامه نسبت داد و علت تامه شامل مجموع عوامل است و تک تک آن عوامل علت ناقصه محسوب می‌شوند.

برخی نتایج اصل علیت و سنخیت از منظر فیلسوفان:

۱) وجود نظم و پیوستگی (۲) امکان پیش‌بینی رخدادها (۳) امکان پیش‌گیری از برخی حادثه‌ها (۴) امکان پژوهش و تحقیق (۵) تنظیم امور زندگی (۶) به وجود آمدن شاخه‌های مختلف دانش

معانی اتفاق	مخالفان اتفاق	توضیح
اول (نفی علیّت و وجوب علی و معلولی)	همه فلاسفه (البته نه به صورت صریح و روشن)	قبول اتفاق به معنی اول ناشی از: عدم آگاهی از تمام اجزای یک علت است. قبول اتفاق به معنای اول نفی رابطه ضروری میان علت و معلول (و نفی علت فاعلی) است (نفی رابطه علیت).
دوم (نفی سنخیت علت و معلول)	فیلسوفان مسلمان از جمله ابن سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی از فیلسوفان اروپایی.	انکار سنخیت موجب بی‌اعتباری همه علوم شده و متناقض با هستی نظام‌مند و قانون‌مند است. شخص به هیچ کاری دست نخواهد زد و ...
سوم (نفی غایتمندی / نفی باور به علت‌العلل)	فلاسفه‌ای که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می‌کنند.	پذیرش این معنای اتفاق به معنی نفی علت نخستین جهان یا علت حقیقی (علت‌العلل) و نفی غایتمندی زنجیره حوادث عالم است. قبول اتفاق به معنای سوم نفی علت غایی در جهان است.
چهارم (روی دادن حادثه پیش‌بینی نشده)	مخالفی ندارد.	دلیل عدم مخالفت با این معنا از اتفاق این است که معنای چهارم اتفاق علیّت و فروغ آن را رد نمی‌کند. (چون علت را نمی‌شناسیم نمی‌توانیم حوادث را پیش‌بینی بکنیم نه این‌که حوادث علت ندارند.)



پاسخ تشریحی:

برخورد اتفاقی یعنی برخورد بی هدف و از پیش تعیین نشده و این یعنی اتفاق به معنای سوم (نفی غایت‌مندی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲. نظریه مه‌بانگ لزوماً با نفی علت نخستین تناسبی ندارد؛ زیرا با اعتقاد به علت نخستین هم سازگار است، چون می‌توان گفت علت نخستین ماده بسیار فشرده را ایجاد کرده و به گونه‌ای آن را طراحی کرده است که با یک انفجار منجر به گسترش جهان شود.
۳. صرف تکامل تدریجی، به معنی اتفاق نیست، بلکه اگر ما به این تکامل تدریجی، بحث اتفاقی بودن سازگاری با محیط به عنوان علت تکامل را اضافه کنیم نوعی اتفاق را پذیرفته‌ایم.
۴. وجود ابر و سرمای هوا علت تامه باران نیستند که با وجود آن‌ها و با انکار باران، اصل وجوب علی و معلولی نفی شوند.

۱۴۱ ۲

پاسخ تشریحی:

کانت در حقیقت، ضرورت وجود خدا را اثبات کرد، نه وجود خدا را؛ یعنی نشان داد چرا خدا باید وجود داشته باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱. فرض برهان اخلاقی کانت برای اثبات وجود خدا، وجدان اخلاقی است نه نفس غیرمادی (وجود نفس غیرمادی در بطن آن اثبات می‌شود).
۳. کانت انسان را به رعایت اصول اخلاقی دعوت نمی‌کند بلکه چون وجدان اخلاقی را فطری می‌داند، دعوت به آن بی‌معنی است.
۴. کانت ضرورت وجود خدا را اثبات کرد.





پایان تشریحی:

در همان ابتدای دوران رنسانس، اختلافی در بین فلاسفه، دربارهٔ محدودهٔ کارآمدی عقل ایجاد شد و به تدریج رشد کرد و تا آنجایش پیش رفت که فیلسوفان اروپا به ۲ دستهٔ عقل‌گرا و تجربه‌گرا، تقسیم شدند. در واقع ریشه اصلی اختلاف این دو گروه به این موضوع بر می‌گردد که آیا عقل به‌تنهایی و بدون استفاده از حس قادر به شناخت و کسب معرفت است؟ یا اینکه عقل تنها هنگامی که با حس همراه می‌شود می‌تواند به شناخت پدیده‌ها نایل آید؟

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ تجربه‌گرایان، عقل را از حس برتر نمی‌دانند بلکه بر اهمیت بیشتر داده‌های حسی تأکید می‌کنند.

۲ نقش عقل در شناخت موجودات طبیعی، اختلاف تجربه‌گرایان با هم است.

۳ کاربردهای مختلف مفهوم عقل، در دورهٔ جدید اروپا مطرح نیست و همه یک کاربرد برای آن قائل هستند.

مراحل عقل	عنوان عقل	ویژگی	مثال
اول	عقل هیولانی (عقل بالقوه)	در هر انسانی وجود دارد - انسان هیچ ادراک عقلی ندارد - استعداد و آمادگی درک معقولات	نوزادی که تازه متولد شده است گرچه استعداد نوشتن دارد اما نمی‌تواند چیزی بنویسد.
دوم	عقل بالملکه	عقل، قضایا و تصورات ضروری (بدیهی) را درک می‌کند - آمادگی دریافت علم را پیدا می‌کند.	یک چیز نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد.
سوم	عقل بالفعل	عقل به شکوفایی و فعلیت رسیده است - با تمرین و تکرار دانش‌هایی را کسب کرده است.	کسب هر نوع دانشی مانند ریاضیات و علم تجربی
چهارم	عقل بالمستفاد	بر دانش‌های کسب شده، تسلط پیدا کرده و امکان استفاده از آن‌ها را دارد.	حل هر مسئلهٔ ریاضی توسط یک استاد ریاضی

پایان تشریحی:

درک بدیهیات مربوط به مرحلهٔ عقل بالملکه است و دلیل آوری مربوط به مرحلهٔ عقل بالفعل است.

بررسی همهٔ گزینه‌ها:

- ۱ بدیهی است. (عقل بالملکه) - وجود گزاره‌هایی که با استدلال اثبات می‌شوند، حکم شده است و نیاز به دلیل دارد. (عقل بالفعل)
- ۲ قانون تجربی است و بدیهی نیست. (عقل بالفعل) - محال بودن جمع دو نقیض (تصور و تصدیق) اصلی بدیهی است. (عقل بالملکه)
- ۳ اصل امکان شناخت بدیهی است. (عقل بالملکه) - جمع و رفع ۲ نقیض محال است و این یک امر بدیهی است. (عقل بالملکه)
- ۴ داشتن سه زاویه برای مثلث بدیهی نیست. (عقل بالفعل) - بدیهی است. (عقل بالملکه)

بررسی موارد:

الف: این آیهٔ قرآن کریم، یک مبحث فلسفی است و به اثبات یگانه بودن خدا می‌پردازد و اشاره به طرح مباحث عقلی دارد.

ب: این حدیث از پیامبر اسلام (ص)، اشاره به دعوت و یادگیری از دیگر تمدن‌ها دارد.

پایان تشریحی:

بعد از این که دریافتیم که از هر واقعییتی در ذهن از دو مفهوم وجود و ماهیت به‌دست می‌آید ولی در جهان خارج یکی است، سؤال پیش می‌آید که آن واقعیت واقعاً مصداق کدام‌یک از آن دو مفهوم است؟ مصداق وجود است یا مصداق ماهیت؟ این سؤال، همان سؤالی است که مسئلهٔ اصالت وجود و ماهیت را مطرح می‌کند. (رد سایر گزینه‌ها)



پرانگیزه: نظم، انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.

خوش بین: کارآفرینان واقع بین هستند اما مطمئن و دلگرم به موفقیت اقتصادی اند.

ریسک پذیر: موفقیت، پس انداز و خوش نامی شان را با شجاعت و تدبیر به میدان می آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را، راه اندازی کنند.

ویژگی های مشترک کارآفرینان موفق:

اگرچه هر فرد یکتاست و ویژگی های منحصر به فردی دارد؛ اما کارآفرینان موفق، ویژگی های مشابهی دارند که به آن ها در کسب و کارشان کمک می کند.

(۱) **تیزبینی** ← بینشی برای دیدن فرصت های کسب و کار دارند، آن هم در زمانی که دیگران متوجه آن فرصت ها نیستند و حتی به ذهنشان هم خطور نمی کند.

(۲) **نوآوری** ← ایده های خود را امیدوارانه به محصولات جدید، فرایندها یا کسب و کارهای سودآور تبدیل می کنند.

(۳) **ریسک پذیری** ← پس انداز و خوش نامی شان را با شجاعت و تدبیر به میدان می آورند تا فعالیت اقتصادی جدیدی را راه اندازی کنند. خطرپذیرند و شجاعتی برای شروع دارند که دیگران فاقد آن هستند.

(۴) **خوش بینی** ← کارآفرینان واقع بین هستند اما مطمئن و دلگرم به موفقیت اقتصادی اند.

(۵) **پرانگیزه بودن** ← نظم و انضباط، پایداری، اشتیاق و توانایی حل مسئله را دارند.

(۶) **یادگیرنده بودن** ← از کارشناسان، همکاران و مشتریان می آموزند و خود را با شرایط بازار وفق می دهند.

(۷) **سازمان دهنده بودن** ← منابع را به شکل کارایی، مدیریت و هماهنگ می کنند.

ویژگی های مشترک
کارآفرینان موفق

در این سؤال، ابتدا باید سود سالانه هر کدام از موارد را مشخص کنیم:

تومان $60,000,000 = \frac{30,000,000}{100} \times 2$: خرید و فروش وسایل ورزشی

میلیون تومان 102 : راه اندازی کارگاه وسایل آزمایشگاهی

تقسیم بر ۲ چون در ۲ سال مدنظرش بوده

میلیون تومان $51,000,000 = \frac{102,000,000}{2}$

در یک سال

میلیون تومان $54,000,000 = \frac{18}{100} \times 30,000,000$: سپرده گذاری در بانک

میلیون تومان $84,000,000 = 7,000,000 \times 12$: سرمایه گذاری در بورس

ماه



بدیهی است که فرد سرمایه‌گذاری در بورس را با سود سالانه ۸۴,۰۰۰,۰۰۰ تومان انتخاب می‌کند.

هزینه فرصت به معنای بهترین گزینه بعدی است که از آن صرف‌نظر کرده‌ایم، که در این جا خرید و فروش وسایل ورزشی با سود سالانه ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان است.

برای تعیین هزینه فرصت به چند نکته اساسی باید توجه کرد:

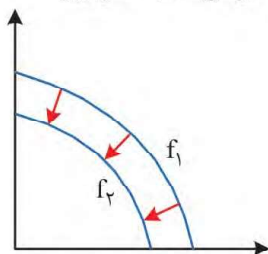
(۱) برای تعیین هزینه فرصت هر انتخاب، ما نیاز به یک لیست از انتخاب‌های خود داریم که براساس منافع و هزینه‌های ارزیابی شده مرتب شده باشد.
(۲) اگر یک سؤال به شما انتخاب‌های فرد را به ترتیب اولویت و مرتب شده داده باشد، اولین گزینه، انتخاب فرد و دومین گزینه، هزینه فرصت او خواهد بود.
(۳) اگر سؤال از شما بخواهد که براساس اصول اقتصادی، گزینه‌ها را بر مبنای شناسایی منافع و هزینه‌ها مرتب کنید، باید در لیست انتخاب به ترتیب، گزینه‌ای که بیش‌ترین منفعت و کم‌ترین هزینه را دارد در ابتدای لیست قرار داده و انتخاب‌های بعدی را نیز به ترتیب و بر همین اساس زیر این انتخاب بچینید. بدیهی است که باز هم اولین گزینه، انتخاب فرد و دومین گزینه، هزینه فرصت اوست.

توجه کنید که هزینه فرصت فقط شامل منافع انتخاب دوم فرد است و سایر انتخاب‌ها را در بر نمی‌گیرد، زیرا حتی اگر شما گزینه اول را انتخاب نمی‌کردید قطعاً به سراغ گزینه سوم نمی‌رفتید، بلکه انتخاب شما دومین گزینه (که بعد از انتخاب اصلی از بیش‌ترین منافع برخوردار است) خواهد بود و از طرفی، همزمان نمی‌توان دو انتخاب را عملی کرد، مثلاً همزمان نمی‌توان یک زمین را هم به کشت گندم اختصاص داد و هم کشت جوی!

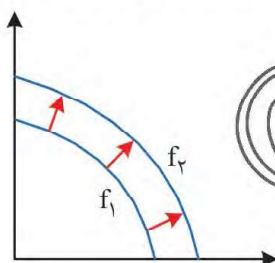
۱۱۴۸

پاسخ تشریحی

- بیکاری دوره‌ای بیانگر وجود رکود در کشور است که کشور هم منحنی مرز امکانات را به سمت چپ و پایین منتقل می‌کند به شکل زیر:

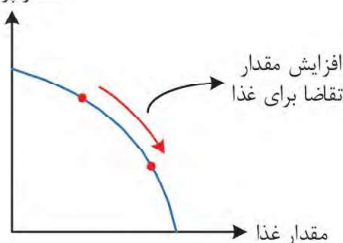


- وجود فناوری جدید در یک کشور موجب افزایش تولید شده که منحنی مرز امکانات را به سمت راست و بالا منتقل می‌کند به شکل زیر:



- افزایش تقاضا برای یک محصول سبب جابه‌جایی بر روی منحنی مرز امکانات تولید می‌شود که به تناسب می‌تواند به سمت چپ یا راست حرکت کند:

مقدار پوشاک

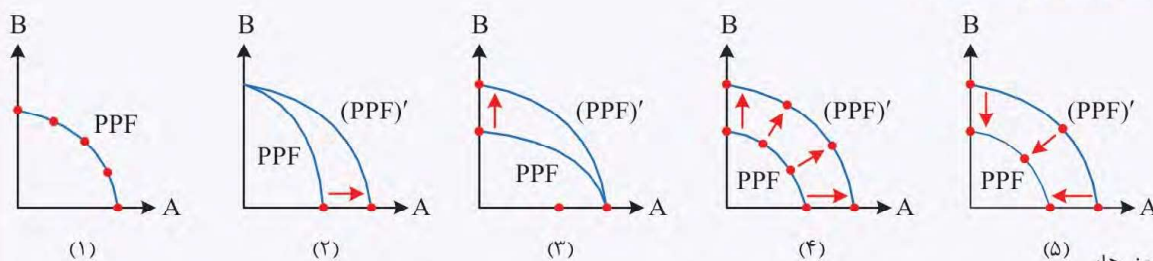


افزایش مقدار
تقاضا برای غذا

مقدار غذا



انتقال منحنی مرز امکانات تولید:



تحلیل منحنی‌ها:

منحنی شماره (۱) بیانگر حداکثر تولید از دو محصول A و B با به کارگیری منابع موجود و محدود می‌باشد.
 منحنی شماره (۲) نشان می‌دهد تغییر شرایط موجب افزایش منابع شده که اگر این میزان را به تولید کالای A اختصاص دهیم، منحنی جدید به این صورت تغییر خواهد کرد.
 منحنی شماره (۳) منابع جدید را به طور کامل کالای B اختصاص داده است.
 منحنی شماره (۴) منابع جدید را به هر دو کالا تخصیص داده است و موجب رشد شده و منحنی مرز امکانات تولید جدید را به وجود آورده است.
 منحنی شماره (۵) بیانگر وجود رکود در یک کشور است که نمی‌توان تمام منابع را به شکل کارا و بهینه مورد استفاده قرار داد.

۱۴۹

پایه تشریحی

در اقتصاد، ما با ۲ کالای جانشین و مکمل مواجه هستیم که به تعریف هر کدام از آن‌ها می‌پردازیم:

کالای مکمل: کالایی است که با هم مصرف می‌شوند و افزایش قیمت یکی، موجب کاهش تقاضای دیگری می‌شود و کاهش قیمت یکی، موجب افزایش تقاضای دیگری می‌شود. مانند قند و چای، که افزایش قیمت چای، موجب کاهش مصرف قند می‌شود (زیرا خود چای هم کمتر مصرف می‌شود).
کالای جانشین: کالاهایی هستند که به جای هم مصرف می‌شوند به طوری که اگر قیمت یکی از آن‌ها کاهش یابد، تقاضای کالای دیگر افزایش می‌یابد. مثلاً در نظر بگیرید برنج وقتی با افزایش قیمت مواجه می‌شود، مصرف کالای جانشین آن (ماکارونی) افزایش می‌یابد.





۴ ۱۵۰

پاسخ تشریحی:

- مالیاتی که از مالیات ستانی مضاعف جلوگیری می کند: مالیات بر ارزش افزوده (VAT)
- مالیاتی که برای حمایت از صنایع داخلی نیز به کار گرفته می شود: عوارض گمرکی
- مهم ترین نوع مالیات: مالیات بر درآمد اشخاص
- اساس و بنای این مالیات، ثروت مؤدی است: مالیات بر دارایی

۲ ۱۵۱

پاسخ تشریحی:

تومان $6,500,000,000 =$ درآمد

سؤال به ما درآمد را داده است، پس باید هزینه ها را به صورت سالانه محاسبه کنیم:

تومان $72,000,000 = 12 \times 6,000,000 =$ اجاره باغ

← سالانه

تومان $25,000,000 = \frac{1}{3} \times 75,000,000 =$ حقوق متوسط ماهیانه هر کارگرتومان $3,600,000,000 = 12 \times 12 \times 25 =$ حقوق سالانه کارگران

← تعداد کارگران

← سالانه

تومان $75,000,000 =$ خرید ابزار مورد نیازتومان $40,000,000 =$ خرید سم و کود مناسبتومان $20,000,000 =$ کرایه حمل و نقلتومان $1,440,000,000 = 12 \times 120,000,000 =$ حقوق باغدار و مهندستومان $5,895,000,000 = 720 + 3,600 + 75 + 40 + 20 + 1,440 =$ مجموع هزینه ها

← باغدار و مهندس

تومان $605,000,000 = 6,500,000,000 - 5,895,000,000 =$ درآمد - هزینه = سود یا زیان

چون عدد نهایی مثبت بود سود کرده ایم.

۴ ۱۵۲

پاسخ تشریحی:

(الف)

مالیات بر درآمد + دارایی = مالیات مستقیم

 $\Rightarrow 110 + 330 = 440$ میلیون تومان

(ب) مهم ترین نوع مالیات، مالیات بر درآمد اشخاص است:

۸۰ میلیون تومان = مالیات بر درآمد اشخاص

(ج)

VAT + عوارض نوسازی + مالیات بر مصرف = مالیات غیرمستقیم

$$\Rightarrow 200 + \left(\frac{25}{100} \times 200 \right) + \left(\frac{220}{100} \times 200 \right) = 470$$
 میلیون تومان



۳ ۱۵۳

پایه تشریحی

زمانی که یک کشور در عرصه تجارت، یک کالا یا خدمت را مقرون به صرفه تر و با قیمت کم تر یا با هزینه تولید کم تر تولید می کند، می گویند این کشور دارای «مزیت اقتصادی» است که خود به ۲ نوع «مزیت اقتصادی نسبی» و «مزیت اقتصادی مطلق» تقسیم می شود.

۱ ۱۵۴

پایه تشریحی

- برای به دست آوردن جمعیت شاغل از فرمول زیر استفاده می کنیم:

جمعیت بیکار - جمعیت فعال = جمعیت شاغل

$$\Rightarrow ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ - ۴,۲۰۰,۰۰۰ = ۲۷,۸۰۰,۰۰۰ \text{ نفر}$$

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰ \Rightarrow \frac{۴,۲۰۰,۰۰۰}{۳۲,۰۰۰,۰۰۰} \times ۱۰۰ \approx ۱۳$$

بیکاری دوره ای، بیکاری ای است که در هنگام رکود اقتصادی رخ می دهد، در دوره رکود، تولید کاهش می یابد و به همین دلیل شرکت ها استخدام خود را متوقف می کنند و یا بخشی از نیروهای خود را اخراج می کنند. در این شرایط دولت برای بازگرداندن رونق اقتصادی از سیاست انبساطی استفاده می کند.

نرخ بیکاری:

اساسی ترین شاخص ارزیابی وضعیت اشتغال کشور، نرخ بیکاری است.
نرخ بیکاری از نسبت تعداد بیکاران به کل جمعیت فعال کشور به دست می آید:

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰$$

$$\text{نرخ اشتغال} = \frac{\text{جمعیت شاغل}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰$$

با توجه به نمودار زیر می توانید در زمان کمتری مسائل نرخ بیکاری و محاسبه آن را انجام دهید.



۴ ۱۵۵

پایه تشریحی

مبادلات با کالاهای بادوامی که قابل تقسیم به تکه های کوچک بودند، جایگزین مبادلات تهاتری یا پایاپای شد. استفاده از طلا و نقره سبب گسترش دریانوردی شد. از آن جهت که افراد، مبلغ را روی چک می نویسند، به آن پول ثبتی یا تحریری می گویند. پشتوانه نخستین اسکناس ها (رسیدها) طلا و نقره موجود نزد صرافان بود.



از آن جایی که تورم را در ۳ کالا یکسان در نظر گرفته شده است پس $A = B = C$

$$A \text{ نرخ تورم کشور} = \frac{\text{قیمت ابتدای سال} - \text{قیمت انتهای سال}}{\text{قیمت ابتدای سال}} \times 100 \Rightarrow \frac{192,000 - 153,600}{153,600} \times 100 = 25\%$$

$$B \text{ کالای} = \frac{\text{قیمت ابتدای سال} - X}{\text{قیمت ابتدای سال}} \Rightarrow \frac{25}{100} = \frac{X - 740,000}{740,000}$$

$$\Rightarrow 0.25 \times 740,000 = X - 740,000$$

$$\Rightarrow 185,000 = X - 740,000 \Rightarrow X = 185,000 + 740,000$$

$$= 925,000 \text{ ریال}$$

$$C \text{ کالای} = \frac{y - \text{قیمت انتهای سال}}{y} \times 100 \Rightarrow \frac{25}{100} = \frac{726/250 - y}{y}$$

$$\Rightarrow 0.25y = 726/250 - y \Rightarrow 1.25y = 726/250$$

$$\Rightarrow y = \frac{726/250}{1/25} = 581,000 \text{ ریال}$$

معمولاً برای اندازه‌گیری تورم از شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) بهره می‌برند.

(۱) دولت‌ها معمولاً یک سبد بار (بسته‌ای از کالاهای گوناگون که عموم مصرف‌کنندگان احتمالاً خریداری می‌کنند، مانند انواع مواد غذایی، ماشین، لباس، خدمات تفریحی و ...) در نظر می‌گیرند.

(۲) سپس دولت هزینه این سبد بار را در طول زمان رصد می‌کند، اگر قیمت این سبد، طی یک دوره مشخص ۱۰ درصد افزایش یابد، CPI نیز ۱۰ درصد افزایش دارد.

(۳) بعد از جمع‌آوری اطلاعات، دولت از طریق رابطه زیر شاخص CPI را محاسبه می‌کند:

برای تشکیل شاخص CPI

$$\frac{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) معین} - \text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل}}{\text{هزینه سبد بازار در ماه (سال) قبل}} \times 100 = \text{درصد تغییر CPI برای یک ماه (یا یک سال) معین}$$

هنگامی که در بازار «کمبود عرضه» رخ می‌دهد، اگر نقدینگی زیاد باشد همزمان با این که عرضه‌کنندگان سطح قیمت خود را بالا می‌برند، در افراد جامعه، توانایی پرداخت برای قیمت‌های بالاتر وجود دارد که همین امر موجب تورم زیان‌بار می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

تورم همان افزایش قیمت‌هاست که اگر با افزایش تولید هماهنگ باشد زیان چندانی نخواهد داشت، ولی عمده مسئله این است که با تولید هماهنگ نیست.

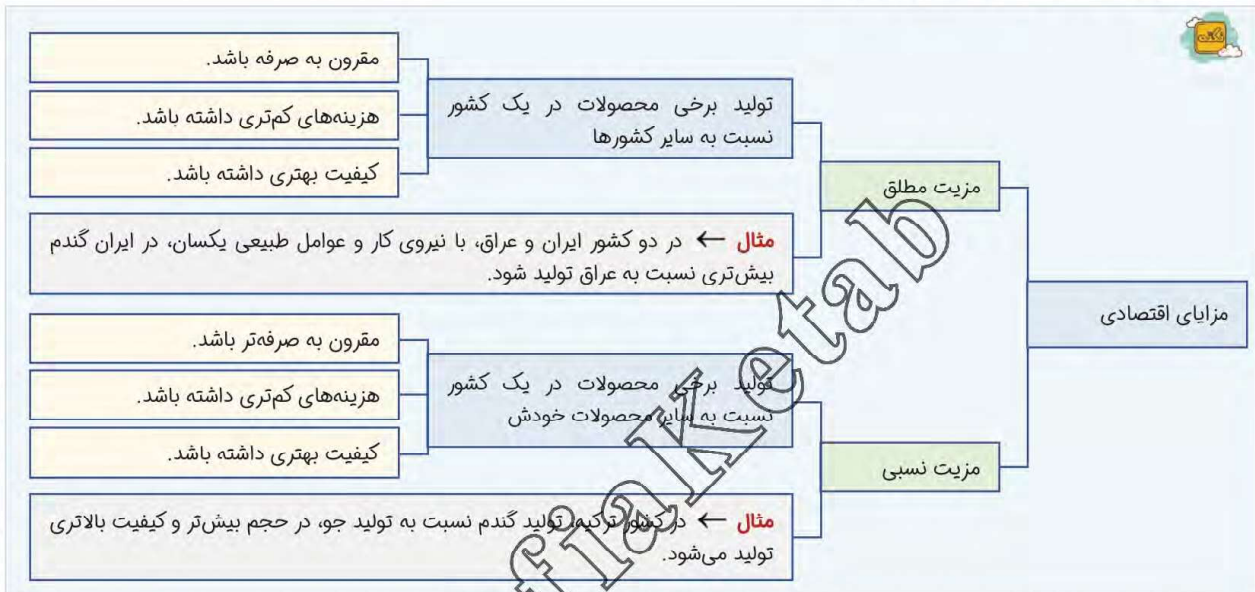
دولت در جهت کاهش نرخ تورم، از سیاست انبساطی یا افزایش حجم پول در گردش استفاده نمی‌کند، بلکه از سیاست انقباضی یا کاهش حجم پول استفاده می‌کند.

تورم با افزایش تولید و هم‌زمان افزایش عرضه، مهار می‌شود.



کشورها برای تعامل قدرتمند با دیگران، باید بین بهره‌برداری از مزیت‌های موجود و یا خلق مزیت‌های جدید، در جهت افزایش استقلال و اقتدار اقتصادی، دست به انتخاب بزنند و در این سؤال، تولید بدر صیفی جات، نمونه‌ای از خلق مزیت اقتصادی است.

منظور از مزیت اقتصادی این است که اگر در یک کشور، تولید یک کالای خاص با توجه به عوامل تولید و میزان دسترسی به فناوری و اقلیم و آب و هوای آن کشور، هزینه کم‌تری داشته باشد و کیفیت آن هم از سایر کالاهای تولید شده در آن کشور بیش‌تر باشد، بهتر است آن کالا را بیش‌تر از نیاز مردمش تولید کند تا بتواند آن محصول را صادر کند.



ابتدا باید شاخص وضعیت توزیع درآمد را در هر دو کشور محاسبه کنید.

$$۱۳۷۰ \text{ کشور الف در سال} = \frac{\text{دفعه دوم}}{\text{دفعه اول}} = ۷$$

$$۱۳۸۰ \text{ کشور الف در سال} = \frac{۲۰}{۴} = ۵$$

$$۱۴۰۰ \text{ کشور الف در سال} = \frac{۱۹}{۴} = ۴/۷۵$$

$$۱۳۷۰ \text{ کشور ب در سال} = \frac{۱۸}{۵} = ۳/۶$$

$$۱۳۸۰ \text{ کشور ب در سال} = \frac{۱۵}{۶} = ۲/۵$$

$$۱۴۰۰ \text{ کشور ب در سال} = \frac{۱۶}{۷} = ۲/۳$$

هر چقدر شاخص وضعیت توزیع درآمد کم‌تر باشد پس، توزیع درآمد عادلانه‌تر است (کشور ب) و هر چقدر بیش‌تر باشد، ناعادلانه‌تر است (کشور الف). اما در هر دو کشور توزیع درآمد بهبود داشته است (رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴).



مراحل تشکیل معیار شاخص دهک‌ها:



- (۱) مردم کشور را به ده گروه جمعیتی مساوی تقسیم می‌کنند.
- (۲) در این طبقه‌بندی، سطح درآمد از کم‌ترین به بیش‌ترین مدنظر قرار می‌گیرد.
- (۳) گروه اول، که ۱۰ درصد اولیه جمعیت را تشکیل می‌دهند، کم‌ترین درصد درآمد ملی و ۱۰ درصد آخر، بیش‌ترین درصد درآمد ملی را دارند.
- (۴) سهم هر دهک از سهم دهک ماقبل خود بزرگ‌تر یا مساوی و از سهم دهک بعدی کوچک‌تر یا مساوی خواهد بود.
- (۵) مجموع سهم تمامی دهک‌ها برابر با ۱۰۰ خواهد بود.
- (۶) برای به‌دست آوردن شاخصی برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد یکی از روش‌های زیر را اجرا خواهند کرد:

$$۱) \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{سهم دهک اول}}$$

۲۰ درصد بالا را نسبت به ۲۰ درصد پایین جامعه می‌سنجند.

$$۲) \frac{\text{مجموع سهم دهک نهم و دهم}}{\text{مجموع سهم دهک اول و دوم}}$$

۱۰ درصد بالا را نسبت به ۴۰ درصد پایین جامعه می‌سنجند.
هرچه این نسبت پایین‌تر باشد. ← توزیع درآمد عادلانه‌تر است و بالعکس.

$$۳) \frac{\text{سهم دهک دهم}}{\text{مجموع سهم دهک اول تا چهارم}}$$



هرچه شاخص دهک‌ها از عدد یک بزرگ‌تر باشد بیانگر ناعادلانه‌تر بودن وضعیت تولید درآمد در آن جامعه است. بدیهی است در صورت توزیع برابر درآمدها این شاخص عدد یک را نشان می‌دهد زیرا همه دهک‌های جامعه، ده درصد از درآمد ملی را دارند. این روش محاسبه به بهترین شکل و به درستی، وضعیت ناعادلانه بودن توزیع درآمد را به ما نشان می‌دهد. گاهی درآمد افراد جامعه قابل ثبت نیست. در این صورت اقتصاددانان به جای به‌دست آوردن شکاف (فاصله) درآمدی، شکاف هزینه‌ای را محاسبه می‌کنند. در واقع می‌توانیم بگوییم هزینه هر خانوار نماینده و بیانگر سطح درآمد آن خانوار است.

۱۶۰ ۳

پایه‌های تشریحی

موارد دوم، سوم، چهارم و ششم صحیح هستند و از ویژگی‌های کشورهای پیشرفته به شمار می‌روند.

